

کالج پروژه

www.collegeprozheh.ir



دانلود پروژه های دانشگاهی

بانک موضوعات پایان نامه

دانلود مقالات انگلیسی با ترجمه فارسی

آموزش نگارش پایان نامه ، مقاله ، پروپوزال



دانشکده هنر

گروه شهرسازی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی مهندسی شهرسازی

شهر امروز و نقش مسجد در تحقق عدالت اجتماعی

استاد راهنما

آقای دکتر مظفر عباس زاده

چکیده

شهر پدیده ای ست پیچیده به علت نیروهای متعددی در ساخت و شکل گیری اش دخیل است. شهر امروز، شهری است که در رابطه ی دیالکتیک با محیط پیرامونیش بوده و به شدت متأثر و مؤثر بر محیط پیرامونش میباشد.

شهر را در یک دسته بندی کلی میتوان در پنج دسته قرار داد: نیروی سیاسی، نیروی اقتصادی، نیروی اجتماعی-فرهنگی و نیروی اقلیمی-طبیعی.

درحقیقت رابطه بین طبقات اجتماعی رابطه ایست یا سیاسی و یا اقتصادی و یا اجتماعی-فرهنگی، و از آنجا که این روابط به جریان قدرت-ثروت منجر میشود از این جهت در شکلگیری شهر نقش بازی نموده و به صورت کالبدی متجسم میشود.

پس از انقلاب صنعتی، روابط سیاسی و اقتصادی بین مغرب زمین و مشرق زمین برقرار گشت که ماحصل این روابط به صورت استعمار سیاسی و سپس اقتصادی کشور ما نمودار گشت. پس از انقلاب ارتباطات، مراودات فرهنگی اجتماعی نیز بین قرن مدرن و شرق سنتی شکل گرفت که ماحصل این ارتباط نیز به صورت استعمار فرهنگی خود را نشان داد. بنابراین شهر ایرانی از عصر قاجار به نوعی دچار شکلگیری طبق منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عربیان شده و امروز در خطرناکترین مرحله خویش یعنی استعمار فرهنگی در حال نبرد است. ازاینرو، جهت مقابله با استعمار ازطرفی، ونیز جهت رشدو شکوفایی درونزا نیازمند تکیه بر اندوخته های فرهنگی مان هستیم.

دراین میان، نقش اسلام به عنوان دینی که خاتمیت و جاودانیت را دارد بسیار پررنگ است. دراین تحقیق میخواهیم اثبات کنیم که نخست شکلگیری شهر تابع عملکرد و در همکنش نیروهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و دوم اثبات کنیم که در میان نیروهای انسان ساخت فوق نیروی فرهنگی-اجتماعی است که زیربنا است و سایر نیروها روبنا میباشند و سپس به نقش اسلام به عنوان بزرگترین و ملموس ترین اندوخته ی فرهنگی-تاریخی مان اشاره خواهدشد و از آن ره به نقش مسجد به عنوان پایگاه توحید در یک شهر و نقشش در راستای تحقق عدالت اجتماعی میپردازد.

فهرست موضوعات شماره صفحه

فصل اول

- 1-1) مقدمه 9
- 2-1) بیان مسئله و ضرورت موضوع تحقیق 11
- 3-1) هدف تحقیق 11
- 4-1) سؤالات تحقیق 12
- 5-1) فرضیات تحقیق 12
- 6-1) روش تحقیق 12
- 7-1) محدودیتها و مشکلات تحقیق 12

فصل دوم

- 1-2) هستی شناسی شهری 13
- 1-1-2) دسته بندی نیروهای تشکیل دهنده شهر 13
- 2-2) آنچه موجب عقب افتادگی اسلام اجتماعی شد چه بود؟ 13
- 3-2) رابطه اسلام و شهر 14
- 4-2) دیالکتیک تاریخی مساجد 14
- 5-2) عدالت چیست؟ 15
- 6-2) عدالت محور اسلام 16
- 7-2) نظر افلاطون در باب عدالت 16
- 8-2) ارتباط بین عدالت و آگاهی عمومی 17
- 9-2) انواع علم 19
- 10-2) برقراری تعادل بین قانون و اخلاق 20
- 11-2) اصلاحات خرد - مقیاس محله محور 21
- 12-2) جامعه خودتنظیم 22

فصل سوم

- 1-3) اهمیت مسجد در قرآن و بررسی نقش تاریخی آن 23

- 3-1-1) نفی شرک و نفاق از حریم مسجد..... 23
- 3-2-1) اهمیت مسجد در روایات..... 24
- 3-2-2) عوامل حفظ و پایداری مساجد..... 25
- 3-2-1) عوامل جذب..... 26
- 3-2-2) مسجد و جماعت..... 26
- 3-3) مسجد از دیدگاه قرآن و عترت..... 27
- 3-4) مسجد، مرکز ذکر و یاد الهی..... 28
- 3-5) جلوگیری از یاد خدا در مسجد؛ بزرگترین ظلم..... 29
- 3-6) لزوم انگیزه های صحیح در مسجد سازی..... 30
- 3-7) شرایط و ویژگی آبادکنندگان مساجد..... 31
- 3-8) متقین، سرپرستان مساجد..... 31
- 3-9) حرمت نماز خواندن در مساجد منافقان..... 31
- 3-10) پیاده رفتن به سوی مسجد..... 32
- 3-11) تاریخ و سنت مسجد..... 33
- 3-12) تعریف مسجد..... 33
- 3-13) نشانه ای مسجد..... 33
- 3-14) مناصب مسجد..... 33
- 3-15) کارکردهای مختلف مسجد..... 35
- 3-16) مسجد و جنبه های عبادی آن..... 35
- 3-17) راز نامگذاری مسجد..... 36
- 3-18) مسجد؛ خانه ی ذکر و یاد خدا..... 36
- 3-19) مسجد؛ خانه ی تسبیح و ذکر مردان خدا..... 36
- 3-20) آبادانی مساجد از دیدگاه قرآن..... 37
- 3-21) تأکید پیشوایان دین بر جنبه های عبادی مسجد..... 38
- 3-22) مسجد الحرام قلب جهان اسلام..... 38
- 3-23) مسجد النبی و پرتو پرتابش آن..... 39

- 24-3) مسجد، اولین بنای شهر کوفه..... 39
- 25-3) سیر تاریخی جهاد مسجد سازی..... 41
- 26-3) شکوه معنوی شهرها..... 42
- 26-1-3) محبوبترین و مهمترین مکان..... 43
- 26-2-3) نقش مسجد در بافت شهری..... 45
- 26-3-3) مسجد مرکز اصلیترین تشکیلات حاکمیت سیاسی..... 47
- 26-4-3) مسجد جایگاه قضاوت و گستراندن آن..... 48
- 26-5-3) مسجد نماد حضور اجتماعی زنان..... 48

فصل چهارم

- 1-4) راهکارهای احیای نقش و کارکردهای مساجد در دوران معاصر..... 49
- 1-1-4) ساماندهی و مدیریت..... 49
- 1-2-4) مسجد نماد وحدت و همگرایی مسلمانان..... 49
- 1-3-4) مساجد؛ مراکز هدایت و عبادت..... 49
- 2-4) مساجد حقیقی..... 50

فصل پنجم

- 1-5) مساجد هویت مشترک شهرهای اسلامی..... 50
- 2-5) مساجد و ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی..... 51
- 3-5) دیدگاه کل نگرایانه نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات..... 51
- 4-5) پیوند ساختاری مساجد با ساختار کلی شهرها و محلات..... 52
- 5-5) مساجد و تغییر شکل و رشد شهرهای مسلمان نشین..... 52
- 6-5) مساجد و بهینه سازی توسعه ی شهری و محله ای..... 53
- 7-5) مساجد و رشد بعد معنوی و فکری شهرها و محلات..... 53
- 8-5) مساجد و آرامسازی سیمای ساختاری محلات..... 55
- 9-5) مساجد و ساختار منظم خانه های مستقر در محلات..... 55
- 10-5) آسیب شناسی ساخت مساجد در شهرها و محلات..... 56

فصل ششم

- 6-1) نقش مدیریت در زندگی اجتماعی..... 57
- 6-2) مدیریت در سطح کلانشهری..... 58
- 6-3) مدیریت و اسلام..... 60
- 6-4) مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت..... 61
- 6-5) نقش مسجد در مدیریت اقتصادی..... 63
- 6-6) مسجد و مدیریت توسعه..... 64
- 6-7) نقش مدیریتی مساجد در توسعه محله ای..... 65

فصل هفتم

- 7-1) حوزه های اجتماعی شهرها..... 66
- 7-1-1) محلات به عنوان حوزه های خرد اجتماعی..... 67
- 7-2) دین به عنوان یک نیاز اجتماعی..... 68
- 7-3) مسجد، مهمترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی 69
- 7-3-1) نقش تعاونی و اجتماعی مسجد..... 70
- 7-3-2) مسجد کانون اجتماعات محلی..... 71
- 7-4) آسیبشناسی نقش اجتماعی محلات..... 71
- 7-5) کارکرد اجتماعی مساجد..... 71
- 7-5-1) مساجد و تعاون اجتماعی..... 72
- 7-5-2) مساجد و برقراری عدالت اجتماعی..... 73
- 7-5-3) ستادهای حفاظتی اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی..... 73
- 7-6) نقش دین و مساجد در کاهش آسیب پذیری اجتماعی..... 74
- 7-6-1) نقش مساجد در کنترل کنش های نابهنجار محلات شهری..... 75
- 7-6-2) مساجد و عدم تضییع حقوق شهروندان..... 76
- 7-6-3) نقش امنیتی مساجد در شناخت فقرآلود..... 76
- 7-6-4) نقش تربیتی مساجد و اصل ابشار و انذار..... 77

فصل هشتم

- 8-1) دیدگاه جزگرایانه انسان به طبیعت..... 78

- 2-8) دیدگاه علم گرایانه به طبیعت.....78
- 3-8) تسلط و کنترل انسان بر طبیعت.....79
- 4-8) تأثیر انسان محوری بر سیاستهای محیطی.....79
- 5-8) دین و محیط زیست.....80
- 5-1-8) توجیهات مذهبی در سیاستهای محیطی.....80
- 5-2-8) اسلام و محیط زیست.....81
- 5-3-8) تفکر درباره طبیعت.....81
- 5-4-8) مسؤولیت های انسان در برابر طبیعت.....82
- 5-5-8) کمال بخشی به طبیعت.....82
- 6-8) توسعه پایدار.....83
- 7-8) ارتباط با طبیعت.....83
- 7-8) امنیت و ایمنی.....84
- 8-8) اصلاح و عمران.....84
- 9-8) دانش و آگاهی.....84
- 10-8) همکاری و همیاری.....85
- 11-8) قانونگرایی و قانونمندی.....85
- 12-8) نتیجه گیری.....85

فصل اول

کلیات پژوهش

1-1) مقدمه

فرآیند توضیح مسئله:

1. تعریف مفهومی شهر و نحوه ساخت و شکل گیری اش و شهر انسانی گرا، نقش عدالت اجتماعی در شهر و

شکل گیری اش ← شهر باید چگونه باشد؟

2. ریشه یابی علت عقب افتادگی و توسعه ناموزون و بی تناسب شهر

3. انواع پیشرفت و اثبات لزوم پیشرفت درون زا

4. نقش اسلام و جایگاهش بعنوان یک ثروت فرهنگی- تاریخی در پیشرفت درون زا

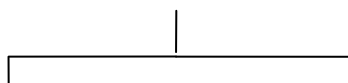
5. شاخصه های اصلی اسلام و بررسی دلایل حاشیه قرار گرفتن اسلام به طور عام و مسجد به طور خاص

6. ارتباط بین مسجد با تحقق عدالت اجتماعی و از آن روشهر انسانی

7. بررسی تاریخی نقش مسجد از صدر اسلام تا دوران معاصر، ترسیم جایگاه حقیقی مسجد، ریشه یابی علت عقب افتادگی و در حاشیه قرار گرفتن مسجد در دوران معاصر و ارائه راه کار.

شهر چیست؟ شاید جزء بزرگترین سوالات پیش روی بشر است. همانند بسیاری دیگر از سوالات بشر نظیر عدالت چیست؟ آزادی چیست؟ کمال چیست؟... بی جواب مانده است. از این رو شاید عاقلانه تر است که به جای سؤال از چینیتهی شهر از نحوه ساخت و شکل گیری اش سخن گفته و سعی در تحلیل این مسئله کنیم. در ساده ترین تقسیم بندی شهر، می توان شهر را به یک کالبد و یک روح تقسیم نمود که همواره بر یکدیگر تأثیر می گذارند و تأثیر می پذیرند. حال اینکه روح، معنا، مفهوم یا برآیند نیروهای شکل دهنده ی شهر چیست؟ با چه ساز و کاری عمل می نماید و چگونه کالبد می یابد را باید موشکافانه بررسی کنیم.

شهر



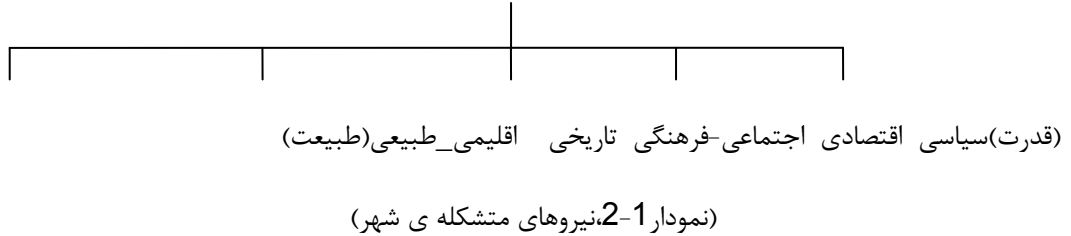
کالبد روح، معنا، مفهوم

(نمودار 1-1، برآیند نیروهای تشکیل دهنده شهر)

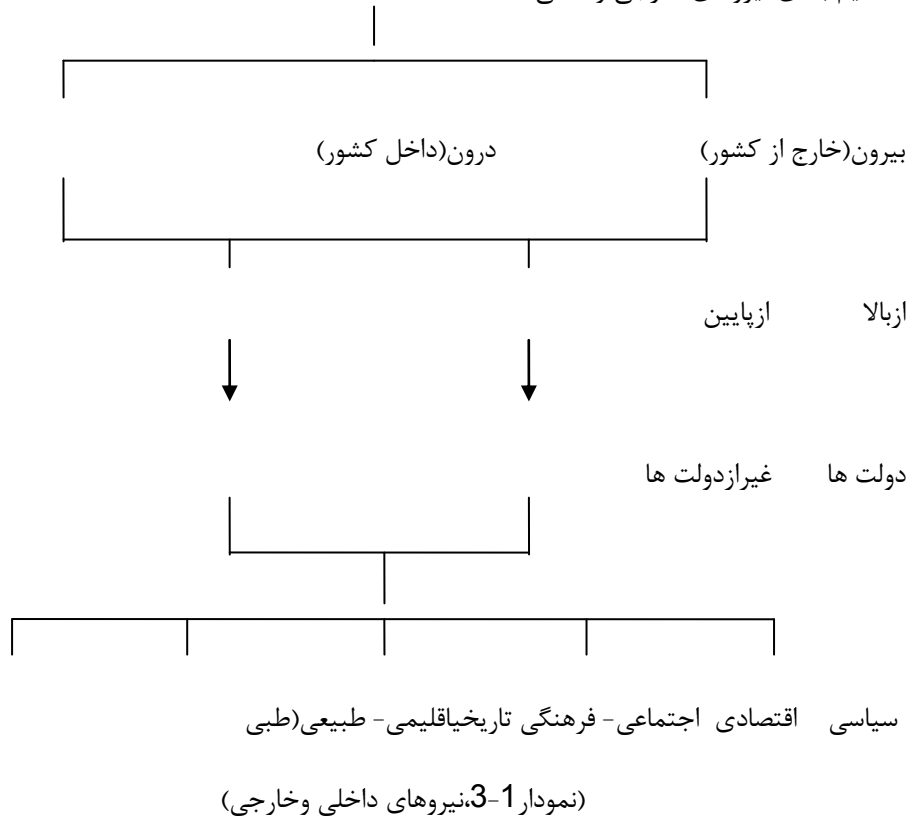
هرگاه برآیند نیروهای متشکله ی شهر در تعادل نسبی با یکدیگر باشند، این تعادل با کالبدی منسجم و زیبا در مقیاس کلان تجسم عینی می یابد و اگر روح اجتماعی یک شهر روحی نامتناسب، نامتوازن و نامتعادل باشد، کالبد شهر نیز کالبدی بی تناسب، آشفته و نازیبا خواهد بود.

سطوح:

نیروهای متشکله ی شهر



تقسیم بندی نیروهای خارجی و داخلی



بنابر این خود نیرو های شکل دهنده ی شهر را میتوان به 5 جزء دیگر تقسیم نمود که البته در واقعیت تمامی این اجزایه شدت در هم تنیده اند و صرفاً جهت سهولت این دسته بندی این دسته بندی را انجام داده ایم. بعد از مشخص نمودن نیرو ها در مورد نحوه ی عملکرد این نیرو ها هم توضیحاتی را می دهیم. معیار عملکرد هر نیرو (قدرت) به طور ذاتی اش، حداکثر ساختن قدرت و منافع خویش است؛ حال این تضاد منافع بین سطوح مختلف بیرون، درون، بالا، پایین منجر به نوعی تنازع قوا میان منافع کتنوع و متضاد می شود که ماحصل برآیند این نیرو ها، در جهت خواست و اراده ی قدرت و نیروی برتر است. این قانون نانوشته ی قدرت (حداکثر ساختن خویش) که بین اجزا در جریان است خروجیش یک کلیت نامتوازن، آشفته و سخت ناعادلانه و بی تناسب است و این بی تناسبی در معنا به صورت آشفتگی و بی تناسبی در کالبدشهر به طور وسیع نمایان می شود.

حال سؤال این است که چگونه می توان بین این خواسته های بی نهایت زیاد و متضاد یک پیوند متناسب، متعادل، زیبا و آهنگین به وجود آورد تا از این راه به شهری زیبا، انسانی، آهنگین و موزون برسیم و به نظر می رسد که تنها عدالت است که می تواند این پیوند مبارک را بین این اجزا (که هر کدام تمامیت طلب اند) برقرار کند.

عدالت هر جزئی را در جایگاهی که محق آن است قرار می دهد و بدین سان با قرار دادن عدالت هر چیزی در جایگاهش، کلیتی موزون و متناسب را خلق می نماید.

بنابراین به طور خلاصه چنین می توان گفت که: شهر انسانی در گروهی معنای انسانی و معنای انسانی در گروهی عدالت است و درآینده اثبات می کنیم که عدالت در گروهی آزادی و کمال در گروهی آزادی و عدالت است.

1-2) بیان مسئله و ضرورت موضوع تحقیق

از آنجا که فرهنگ شهر ساز یالذا تا اتصال تندر دبلکته تا بعفر ایندها یانسانسا ختسیاسی، اقتصادی، فرهنگی است بنابراین مشکلات امروز شهر های ما مربوط به نارساییهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

بخش عمده ناسازگاریهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما مربوط به هر حلهیتار یخیایاست که مدار آن قرار داریم. رابطه دیالکتیکی که در آن رابطه ها عا د لانه یی نشر قو غر بر اثر سیم می کند امروز همو جباتا شفتگیها ی بسیار یدر شهر ها یماشد هاستبد ینصور تکه پساز در همشکستن یر و هایس یاسیواقتصاد یکشور ما به نابدیاند و ختهها یفر هنگیما نر سید هاند و اینا خر ینسنگر یاست کهها از دست دادن شبر ایهمیشهمستعمر هغریها خواهی مشد. از طرفی، زیر بنای دین و سیاسی و اقتصاد ینیز نیر و یفر هنگیاست بنابراین برای بازگشت به خویشتن تحقیقیایستی به این نیر و تکیه میکنیم.

1-3) هدف تحقیق

در این تحقیق می خواهیم اثبات کنیم که نخستین شکلگیریشهر تابع عملکرد و در هم کنش نیر و های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و دو ماثبات کنیم که در میان نیر و های انسانسا ختفوق نیر و یفر هنگی -

اجتماعی است که یر بنا است و سایر نیر و هار و بنا میباشند و سپس به نقش اسلا مبه عنوان یر گتر ینو مل موستر یناند و خته یفر هنگی - تاریخی ما ناشار هخواهد شد و از آنر هبه نقش مسجد به عنوان پایگاه هتو حید در یک شهر و نقشش در راستای تحقق عدالت اجتماعی میپردازد.

1-4) سؤالات تحقیق

1. آیا مسجد در شهر امروز میتواند تأثیر سازنده بگذارد؟

2. چگونه میتوان مسجد را به عنوان استوانه صلیبیم هگا هجامعها سلامیبر افراشت؟

3. مسجد چگونه میتواند در تحقق عدالت اجتماعی نقش ایفا کند؟

1-5) فرضیات تحقیق

1. مسجد به عنوان کنونیترین فضای شهر اسلامی که پایگاه تو حید می باشد در هر عصر و نسلو مکانی می تواند تأثیر کانو نیسازنده ای در راستای کمال جامة عها یفا کند.

2. مسجد یا پایگاه الهال لالهالنا ساستیا پایگاه حکومتها بجابر، هر گاه پایگاه حکومتها باشد در حاشیه قرار میگیرد و هر گاه پایگاه امر د باشد در متنجا معهو ز ند گیا جتماعی قرار میگیرد.

3. از آنجایی که لاز مهت حقق عدالت، شمشیر و کتاب استو مسجد پایگاه عبودیت، آگاهیساز ماند هیمبار ز اتسیا ساستی بنا بر این مسجد پایگاه تحقق عدالت اجتماعیا ست.

1-6) روش تحقیق

پژوهش پیش رو بر آن است که همطال بیهصور تسیستما تیکبرر سیو مطر حکر دنداز اینرودر فرایند شدن، از روشهای مختلفیکه وجود دار ندر روشهای اسنا دی (مطالعات کتابخانهای)، روش تحلیلی و نهایتاً روش پیمایشی بر سشنا مهایاطلاعات جمعا وریو پر داز شخواهند شد.

1-7) محدودیتها و مشکلات تحقیق

مطالعه حاضر همچو نسا یر مطالعات صور تگرفتهدر ز مینه جامع هشنا سیشهر یدر ایران از محدودیتها یبسیار یر نجمیبر دوا ینمار ابیشتیر یر میانگیز دتا مطالعات تجدید یر ادرا ینز مینهها جستو جو کر دهو بهدو ستانو همکار انخو دمعر فی نما ییمو پروردگار متعالر ابهمنظور فر صتپیشآمد هشکر گزرا ریم .

حالمحدودیتها یر اکهمیتو انندمانعاز حر کتصحیحو رو به پیشرفتمطالعات علمعلیالخصوصیژ وهش حاضر قرار گیر درامیتو انبدینگونه بیان کرد :

فقدان مطالعاتجامع در ز مینه عدالت اجتماعی ونقش مسجد در برقراری عدالت

بهروز نبودن منابع کتابخانهای دانشکده در ز مینه نقش مساجد در برقراری عدالت اجتماعی وشهر.

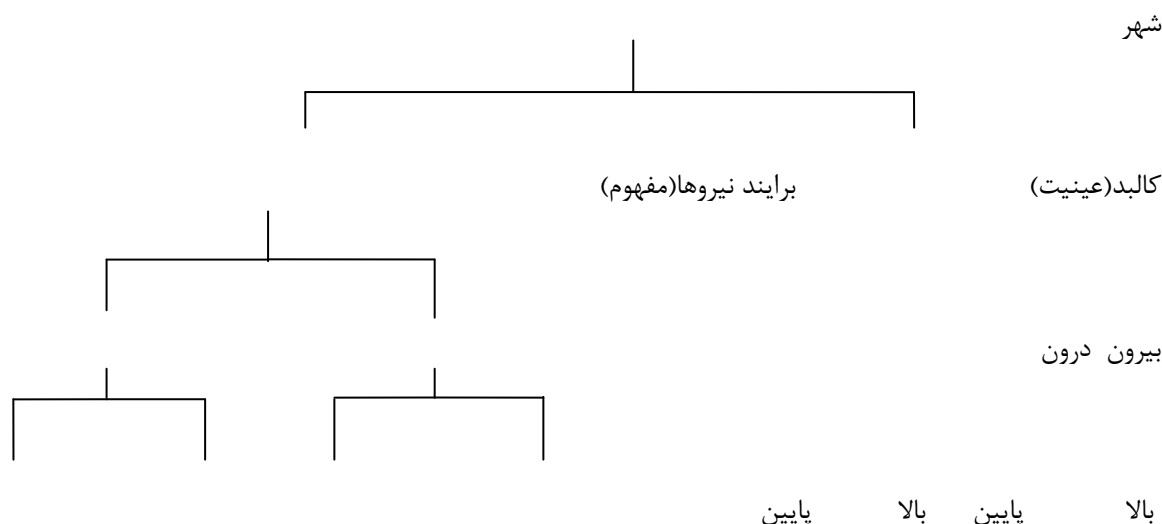
فصل دوم

هستی شناسی شهری

2-1) هستی شناسی شهری

2-1-1) دسته بندی نیروهای تشکیل دهنده شهر

همانطور که اشاره کردیم این برآیند نیرو های متعدد دیالیتیک است که به صورت کالبد شهر عینی می شود، حال در یک دسته بندی کلی می توان نیرو های فوق را بدین صورت دسته بندی کرد:



(نمودار 2-1، نیروهای تشکیل دهنده شهر)

همانطور که گفتیم رشد شهر ها تابع برآیند نیرو هاست و میزان اثر بخشی این نیرو ماحصل فرآیند کنش این نیرو ها بر یکدیگر و میزان قدرتشان در اثر گذاری است. پس از انقلاب صنعتی به صورت عام و اصل ارتباطان به طور خاص این تأثیر گذاری نیرو های بیرونی بر درونی بر یکدیگر شدیدتر شد، به خصوص برای کشور هایی نظیر ایران که از این معادله ی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری بسیار ناعادلانه یکسویه در راستای منافع غربی ها و به ضرر ایرانیان اتفاق افتاد. این جریان ناعادلانه غارت و چپاول ملت از چشم طمع بر منابع و ثروت های عظیم طبیعی آغاز شد و رابتدا با از پای درآوردن حکام پیش رفت، سپس اقتصادمان را بر چید و امروز به خطرناکترین و سرنوشت سازترین مرحله ی خویش پیش رفته و آنچپاول فرهنگی ماست، که اگر این جبهه رانیز از دست بدهیم، سلطه ی استعمارگران خارجی کامل گشته و امکان رشد درون را به کلی از ماصلب می شود و ما تمام اندوخته های ارزشمند گذشتگانمان را که حاصل فداکاریها، سختی ها، از خود گذشتگی ها و خون های اجدادی بارزش است را به تاراج داده و عملاً یک مستعمره می شویم.

مراتب سلطه ی استعمار:

حکام ← اقتصاد ← فرهنگ ← مثال عینی از شهر ها

علی مطهری در این خصوص (استعمار فرهنگی) می گوید: نکته ی مهم در این مسأله استقلال فرهنگی است، استقلال فرهنگی همان استقلال فکر و اندیشه است. استقلال سیاسی و اقتصادی هنگامی بدست می آید که استقلال فرهنگی (زیر بنا بودن

فرهنگ) حاصل شده باشد. شهید مطهری راجع به استقلال فکری می گوید: همانطور که برای یک شخص لازم است که اراده و استقلال داشته باشد، برای جامعه نیز لازم است که اراده و استقلال فکر داشته باشد. یعنی تابع تغییرات غرب و دیگران نباشد.

استعمار فکری از استعمار سیاسی و اقتصادی بدتر و مخرب تر است. شهید مطهری در این رابطه می گوید: هدف امام خمینی «ره» و یاران ایشان شخصیت دادن به ملت بوده، و امام «ره» آنها را به خود اسلامیشان برگرداند.

خود باختگی فرهنگی هم از موانع پیشرفت است. نشانه ی مهم خود باختگی فرهنگی بد دانستن هرآنچه از ناحیه خود و خوب دانستن هرآنچه از ناحیه ی دیگران است، احساس خودکم بینی و کوچک شمردن خود و دانشمندان و سرمایه های علمی، فرهنگی و... می باشد.

البته ما منکر رابطه ی عادلانه نیستیم، منکر رابطه ی ظالمانه ایم. رابطه ای عادلانه است که مبتنی بر منافع طرفین می باشد نه منفعت یک طرف.

بنابراین سؤال ما پیچیده تر شد، چگونه می توان بین نیرو های بیرونی و درونی از یک سو و نیرو های درونی از بالا و پایین از سوی دیگر و نیرو های پایین به پایین یک رابطه عادلانه برقرار کنیم تا از این طریق به شهری انسانی - اسلامی دست یابیم.

به صورت کلی مادو نوع پیشرفت داریم، هر پیشرفتی نیازمند نیرویی است، از آنجا که در یک دسته بندی کلی نیرو ها را در دو گروه خارجی و داخلی قرار دادیم می توانیم بگوییم که پیشرفت یا مبتنی بر نیروی درونی است یا مبتنی بر نیروی خارجی. مسلماً ما نیازمند پیشرفت بومی مبتنی بر نیرو های درونی ولی در ارتباط و تعامل با نیرو های خارجی هستیم.

پیشرفتی که پایه هایش را بر اساس نیرو های خارجی بگذارد یک پیشرفت تابع و تصنعی خواهد بود. پیشرفتی است در مسیر منافع و خواسته های استعمارگران خارجی، پای گذاشتن در راهی است که سرانجامش بردگی و استثمار برای استعمارگران است. این پیشرفت مبتنی بر نیرو های خارجی در واقع پیسرفت است.

امری که دامن گیر کشور های جهان سومی و تقیه ی روشنفکران آن است. پیش رفت در مسیر غریبان منجر به توسعه ی بی تناسب و ناموزون و در نهایت پر هزینه که با اراده ی خارجیان و در راستای منافع آن ها هدایت می شود. امری که در کشور ما پس از روی کار آمدن قاجار ها از سویی و انقلاب صنعتی و قدرت یابی سرمایه داری از سوی دیگر به شدت رخ داده است و در دوران پهلوی، سرسپردگی کامل محمد رضا و پدرش این مسئله به صورت کامل و تام به وقوع پیوست. الگوی پیشرفت ما بایستی مبتنی بر ویژگی های فرهنگی - تاریخی مان باشد و از داشته های تاریخی مان بایستی بتوانیم به خوبی بهره بگیریم. نقش اسلام در این میان بسیار پررنگ است. اسلان به عنوان یک مکتب و یک نهضت که نمونه ی تاریخی پرشکوهش در دوران طلایی تمدن اسلامی نمایان است و از غنی ترین سرمایه های اجتماعی - انسانی بزرگ ملت ماست می تواند مورد کنکاش قرار گرفته و آنرا با شرایط روز به روز رسانی کرد.

که در این میان تاریخ پربار و درخشان مسلمان در قرون اولیه ی اسلام تأییدی بر این مدعاست.

2-2) آنچه موجب عقب افتادگی اسلام اجتماعی شد چه بود؟

اسلام اجتماعی است که منجر به توسعه ی اسلامی و درخشش اسلام در ابعاد مختلف می شود. اسلام اجتماعی که از اسلام انفرادی سر چشمه یافته و متبلور شده است. اسلام اجتماعی است که منجر به حکومت اسلامی گشته و هر چه اسلام اجتماعی تر شده ، حکومت نیز اسلامی تر گشته و از آن ره جامعه.

مسئله ی مهم دیگر این است که اسلام اجتماعی است که منجر به حکومت اسلامی می شود در حالیکه عکس این قضیه صادق است.

یعنی از دل یک جامعه ی سکولار حتی اگر یک حکومت اسلامی نیز زاده شود این حکومت نه تنها نخواهد توانست جامعه را اسلامی کند که خود نیز محکوم به سکولاریزه گشتن است.

در تاریخ سیاسی اسلام گویا ما شاهد یک گپ تاریخی هستیم، این گپ تاریخی سیاسی معلول عدم تحقق اجتماع اسلامی و اسلام اجتماعی است .

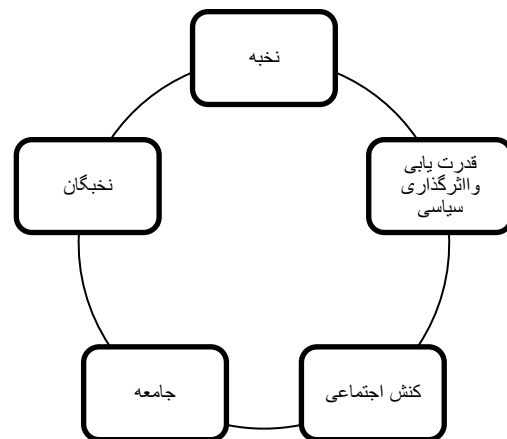
حال این سؤال است که چرا اسلام که ابعاد اجتماعیش که تابع زمان - مکان است متناسب با هر عصر و هر مکانی است عقب افتاده و توازن بین اسلام اجتماعی و اسلام انفرادی به شدت بهم خورده و از آن ره اسلام که دین کمال نیز است منزوی شده. اسلام دین عدالت است و آمده است تا هر چیزی را در جایگاهش قرار دهد. اسلام به همان اندازه که نیاز دارد در بعد فردی بارور شود و به همان نسبت نیز باید در اجتماع متبلور شود. بر هم زدن این توازن به هر شکلی ، چه در حالتی که می گویند اسلام سکولاریزه شده یعنی اسلام منهای اجتماع و از آن ره منهای ماست منجر به عقب افتادگی جامعه ی اسلامی می شود : چه شکل اسلام استبدادی که توسط دستگاه حاکمیت بر جامعه با توسل به زور و خشونت (که اساساً باماهیت دین ناسازگار است) بر جامعه تحمیل می شود . چه بسا مورد دوم خطرش به مراتب بسیار بیشتر از مورد اول است .

حال سؤال این است که پس می توان یک رابطه ی منطقی بین اسلام انفرادی (قرآن) و اسلام اجتماعی برقرار ساخت به نحوی که هر کدام از ابعاد در جایگاه حقیقی شان (عدالت) قرار گیرند. در این که اسلام دین عقلانیت و تعلیم تعلم است و عقلانیت با خشونت زور نمی شود شکی نیست. چون اسلام هدفش متعالی است بنابراین روش رسیدن به هدفش نیز متعالی است. بنابراین ما نمی توانیم به بهانه ی تحقق اسلام اجتماعی متوسل به خشونت و نوعی استبداد شویم.

اسلام محورش عدالت است ، و عدالت با استبداد مانع الجمع اند. بنابراین ما نیازمند یک سازو کار جهت تبلور اسلام در حوزه ی عمومی دینی هستیم.

این سازو کار در یک چرخه که چرخه یکمال نام دارد بدین صورت است:

(نمودار 2-2، چرخه کمال) شرط تحقق این چرخه "آزادی" است. "آزادی" از بینندگان شروع



شده تا آزادی های اجتماعی و در نهایت کنش اجتماعی و قدرت

گیری و اثر بخشی سیاسی پیش می رود.

اگر در جامعه امروز ما "آزادی اندیشه" و "بیان" دسته کم بین نخبگان جامعه و متفکران جریان داشته باشد نطفه های اولیه ی "تعالی اسلامی" در "ابعاد اجتماعی" اش بسته می شود. لازم به تذکر است که شرط تحقق اسلام اجتماعی، آزادی است.

"آزادی" ای که نخست بایستس میان "نخبگان جامعه" بوجود آید.

نگارنده نیز در این مثال نمونه ای از به روز رسانی "مفاهیم اجتماعی" اسلام را نشان خواهد داد.

2-3) رابطه اسلام و شهر

سؤال این است که بین اسلام و شهر چه رابطه ای وجود دارد؟

همانگونه که بیان شد، شهر ها را کالبد و معنایی است که کالبد جسم یافته و عینی شده ی "معنا-مفهوم" شهر است. "معنا-مفهوم" هر شهر نیز متشکل از نیرو های زیادی است که در یک تقسیم بندی ساده نشان می دهیم.

یکی از مهم ترین این جزء- نیرو ها نیروی "فرهنگی-تاریخی" است که اساس هر پیشرفت درونزایی نیز همین جزء- نیرو است. این جزء- نیرو در واقع همان نقطه ی حساسی (نظریه آشوب) است.

تغییرات جزئی در این مورد می تواند منجر به تغییرات گسترده در ابعاد مختلف شهر و جامعه شود (نظریه آشوب).

ملت مانیز با فرهنگ غنی و پرباری که در اختیار دارد در صورت تکیه بر این اندوخته های گران بهایش و تکیه بر قدرت اندیشه اندیشمندانش و به روز رسانی مفاهیم اجتماعی اسلام خواهد توانست پایه های پیشرفتی درون زا و مبتنی بر آموزه های اسلام به صورت استوار بریزد.

ابتدا یک شناخت کلی از اسلام می دهیم و ارتباط بین "اسلام و شهر" را مشخص می کنیم. توحید تعالیم اسلامی در دو سطح فردی و اجتماعی می باشد که اتفاقاً اکثر تعالیم قرآن نیز در بعد "فردی" است و "مفاهیم جمعی" اسلام نسبتش به "آموزه های فردی" بسیار کمتر است و دلیلش هم همین است که مفاهیم اجتماعی، دستخوش تغییرات می شود و تابع زمان-مکان است و این مفاهیم باید به روزرسانی شود.

نحوه یبه روز رسانی این مفاهیم وروابط نیز طبق الگوی کمال که نمودارش رسم شدصورت می پذیرد.

همانطور که می دانیم محور دین اسلام "عدالت" است. یعنی اسلام آمده است تا هر چیزی را در جایگاهش قرار دهد و از این طریق روابط صحیح بین اجزا را سازمان بخشد و یک کلیت زیبا، موزون و آهنگین به وجود آورد. از طرفی می دانیم که "شهر امروز" ماز بی عدالتی رنج می برد و علاج درد های بی شمارش در نوش داروی "عدالت" است. حال می توان تمام موارد مذکور را بدین صورت دسته بندی کرد:

- لزوم توسعه ی درون زا مبتنی بر داشته های فرهنگی - تاریخی
- لزوم پافشاری بر تحقق "عدالت" به طور عام و "عدالت اجتماعی" به صورت خاص به عنوان درمان کاستی ها، بی تناسبی ها و در کل ناکارآمدی
- نقش اسلام به عنوان اندوخته ی فرهنگی - تاریخی
- "عدالت" محور اسلام است و اسلام دینی است دارای روح لاتغییر که قوانین اجتماعی اش تابع زمان-مکان است و به نسبت تعالی جامعه این قوانین متعالی می شود
- اسلام: اسلام الگویی است که می تواند پایه های استوار نیرو های درون زای مبتنی بر اندوخته های فرهنگی مان را مهیا سازد.

اسلام دارای مشخصه های بارز فوق می باشد :

1. عدالت محورش است
 2. نمونه ی علمی تاریخی موفقیت آمیز از تعالی اش موجود است
 3. دین کمال و تعالی است و ادعای ابدیت و جامعیت دارد (محتوای درونیش با نمونه ی موفقیت آمیز تاریخی اش هماهنگ است) (نظم برتر است)
 4. در بستر فرهنگ غنی ایرانیان متبلور گشته و امروز با فرهنگ ایرانیان یکی شده
- حال کنکاش در اسلام و تعالیمش می کنیم. همان طور که می دانیم اصول دین اسلام مبتنی بر 5 اصل است:

1. توحید 2. عدالت 3. نبوت 4. معاد 5. امامت

آنچه که اسلام را از سایر نظام ها مجزا می سازد این است که نظام اسلامی، نظامی است که در آن این 5 اصل در ارتباطی مستقیم با یکدیگر قرار گرفته و کلیتی متعالی را می سازند که نظامی است متعالی.

در این میان عدالت محوریت دارد، زیرا اسلام آمده است تا هر چیزی را در جایگاه حقیقی اش قرار دهد و بدین سان نظام متعالی و کارا و انسانی را سازمان می بخشد. به عنوان مثال انسان را در همان "خلیفه الله" است قرار می دهد، خداوند رانمقامش را در "توحد" اومی جوید و او را در جایگاه حقیقی اش که همان توحید است می جوید.

این سطح اولی تعالیم اسلامی است، یک پله که پایین تر بیاییم به فروع دین می رسیم: نماز، روزه، حج، جهاد و...

این تعالیم هم دارای بار فردی است هم اجتماعی. یعنی این تعالیم بافتی متعالی را می سازد که حاوی اجزای متعالی و روابط فی ما بین اجزای متعالی و در کل یک کلیت متعالی است. در یک تقسیم بندی کلی دیگر می توان احکام اسلام را در دو بعد فردی و جمعی تقسیم بندی کرد: احکام فردی، احکام اجتماعی.

همانطور که اشاره شد احکام فردی ثابت و احکام اجتماعی بسیار متغیر است. تابع شرایط زمان - مکان می باشد که نیازمند است به روز رسانی شود. چطور؟ "توسط چرخه کمال".

حال یکی از احکام اسلام که بعد فردی - اجتماعی دارد نماز است. نماز ستون دین است. دین ستون زندگی اجتماعی یک جامعه یا اسلامی است. بنابراین نماز، ستون یک جامعه ی اسلامی است. حال نماز کجا اقامه می شود؟ در "مسجد". بنابراین مسجد کانون زندگی اجتماعی مسلمین است.

2-4) دیالکتیک تاریخی مسجد

"مسجد" قلب تپنده ی یک محله و شهر اسلامی است. "مسجد" جزء فضاهایی است که کارکردهای متعددی من جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عبادی - تعلیمی دارد. در اهمیت و نقش مسجد همین بس که اولین کاری که پیامبر اسلام «ص» پس از ورود به مدینه کرد ساختن "مسجد" بود.

"مسجد" نماد حکومت اسلامی و فضایی است که در آن امکان فعالیت حاکمیت، مردم و نخبگان در جریان است.

مسجد، فوروم و آگورا را می توان با هم مقایسه کرد و اثبات کرد که "مسجد" نسبت به "فوروم" و "آگورا" بسیار متعالی تر بوده است.

اما اتفاقی که برای "مسجد" افتاد چه بود؟ این بود که در طول تاریخ ما به شرایط مختلف (که در سطور آتی حتماً به آن اشاره خواهیم کرد) نگذاشتند تا مسجد به رشد و تعالیش نائل آید.

اگر طبق روایات فوق قبول کنیم که مسجد ستون اصلی یک جامعه و شهر اسلامی است و از طرفی قبول کنیم که محور اسلام عدالت است، عدالت با این مفهوم که گذاشتن هر چیز در جایگاهش، پس اگر ما نیز بخواهیم طبق این اصل هر چیز را در جایگاهش قرار دهیم عاقلانه تر آن است که ابتدا "ستون" را در جایگاهش قرار دهیم. بدین ترتیب هم اسلام را که محورش "عدالت" است در جایگاهش قرار داده ایم و هم با قرار دادن ستون در جایگاهش، جامعه و از آن رو شهر اسلامی خیمه اش بر افراشته می شود.

بنابراین تا بدین جا به لزوم و اهمیت "مسجد" رادر شکل گیری و تعالی انسان و جامعه اثبات نمودیم. تا بدین جا به مسجد از بیرون نگریم، حال با کنکاش در "مسجد" و کارکرد هایش از درون به آن می نگریم و همان طور که گفتیم:

1- عدالت محور اسلام ← اسلام آمده است تا هر چیزی را به جایگاهش برساند

2- مسجد ستون جامعه ی مسلمین ← باید ابتدا این ستون را بر پا کرده و در جایگاهش قرار دهیم تا اسلام سر پا بماند.

سؤال این است که چگونه می توان مسجد رادر جایگاه حقیقی اش قرار داد؟

لازمه ی این امر یک بررسی تاریخی است تا 4 موضوع زیر روشن شود:

1. نقش مسجد در طول تاریخ چه بوده ؟
2. امروز چه می باید باشد؟

3. چرا این گونه که باید باشد نیست؟
4. مسجد به چه طریقی می تواند جایگاه حقیقی اش را بیابد؟

سؤال بعدی که در واقع نشان می دهد که اگر "مسجد" به جایگاهش رسید چه می شود؟ چه تأثیری بر فضا میگذارد؟ اگر مسجد به جایگاهش برسد چگونه می تواند سایر امور رادر جایگاهش قرار دهد. بنابراین سؤال ما این است که "مسجد" چگونه می تواند در تحقق عدالت نقش ایفا کند.

2-5) عدالت چیست؟

جهت روشن ساختن این مهم لازم است ابتدا کنکاشی در مفهوم خود "عدالت" کنیم، یعنی مشخص کنیم که مرادمان از "عدالت" چیست؟

همان طور که می دانیم عدالت از مفاهیمی است که در تاریخ زندگی بشر، کاربرد های بسیار داشته و برداشت های گوناگون از آن شده و چند و چون آن پیوسته مورد توجه اندیشمندان بوده است. از این رو دیدگاه افراد نسبت به عدالت به پایگاه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... آنان بستگی دارد (دکتر حسین هاشمی نژاد). بی گمان دریافت انسان شرقی، غربی، لیبرالیسم، سوسیالیسم، دارا، ندار، شهری، روستایی، دانش آموخته، کم سواد و... از مفهوم "عدالت" یکسان نیست.

بنابراین می توان گفت، عدالت جزء مفاهیمی است که مقید به زمان و مکان و نوع روابط و نظامات و ساختارهای اجتماعی است (پرویز پیران). بنابراین هر مکتب تعریفی متناسب با دیدگاه های کل خود ارائه می دهد.

در این میان در مکتب "سرمایه داری" و "سوسیالیسم" نقش پررنگی است در حالی که اسلام به عنوان دینی که محورش "عدالت" است و علاوه بر "دین" بودن و مکتب وایدئولوژی بودن نهضت نیز هست تنها در قلم ها خلاصه نگشته که به قدم نیز در آمده، تنها در کتاب خوانه ها نیست که در متن زندگی مردم کوچه و بازار نیز جاری است، بسیار کمتر از دو مکتب فوق اندیشمندان بدان پرداخته اند.

در این نوشتار مابه تعریف مکتب از منظر سرمایه داری و سوسیالیسم که به قدر کافی نه تنها توسط اندیشمندان خود این مکاتب بدان پرداخته اند که بسیار بیشتر نیز توسط متفکران داخلی ما بدان پرداخته اند!

نخست می خواهیم بگویم که عدالت نیز مانند بسیاری دیگر از مفاهیم اجتماعی اسلام تابع مکان-زمان است و از بستر فرهنگی به بستر فرهنگی دیگر متفاوت است. اما روحی است ثابت، محتوایی است ثابت که در جامه ی تنگ کهن و مکان نمیگنجد نمودی

است عینی که تابع فرهنگ ها، زمان و مکان های متفاوت می باشد. همان طور که اشاره شد اسلام هم روحی لایتغیر و جهان شمول دارد که این روح ثابت در مکان ها و زمان های متفاوت به صور گوناگون متجلی می شود.

2-6) عدالت محور اسلام

یکی از مفاهیم محوری اسلام "عدالت" است. که در واقع محور اسلام است. امام علی «ع» در تعریف عدالت می فرمایند: عدالت یعنی حق را به صاحب حق رساندن و در تعریفی دیگر می فرمایند: عدالت یعنی هر چیزی را در جایگاهش قرار دادن.

مبنای تحلیل هایمان را بر این تعریف از عدالت استوار نمودیم. از دل این تعریف چند سؤال کلیدی در می آید.

1. چه کسانی باید اجزا را در جایگاهش قرار دهند؟

2. مراد از هر چیز چیست و ویژگی های چیز ها چگونه در تعیین جایگاهشان مؤثر است؟

3. جایگاه اجزا یا چیزها کجاست؟ چگونه می توان تشخیص داد و چگونه می توان عمل کرد؟

در پاسخ سؤال اول در یک تقسیم بندی کلی "عدالت" از دو بعد قابل بررسی است: یکی عدالت از بالا نام دارد (مراد از بالا همان حاکمیت است) و دیگری عدالت از پایین (جامعه). حال این سؤال می شود سازوکار "عدالت" از بالا به چه صورت است نیز "عدالت" از پایین چگونه؟

چطور می توان "عدالت" از بالا یعنی اینکه حاکمیت چگونه عمل کند تا اجزا در جایگاهشان قرار گیرد، رامیپرساخت؟ این اجزا در دو سطح یعنی درون خود بدنه ی حاکمیت بایستی به نحوی عمل کند که در جامعه قسط و عدالت برپا شود. در حقیقت بایستی سازوکاری وجود داشته باشد که به موجب آن هر کس آنچه را که حق اوست کسب کند.

بنابراین ما نیازمند یک نظام سیاسی عادلانه هستیم به نحوی که دوماً مشخصه ی بارز دارد.

1. هر کس طبق استعداد و تخصص وظیفه و جایگاهی را داخل نظام می یابد و فعالیت می کند.

2. کلیت نظام منجر به ایجاد عدالت، قسط در جامعه می شود.

2-7) نظر افلاطون در باب عدالت

برای پاسخ به سؤال اول می توان به نظر افلاطون در این خصوص اشاره کرد، او می گوید: عدالت اجتماعی در گروی حکومت دانشمندان و خردمندان است. این تعریف دو مشکل اساسی و بزرگ دارد. نخست: شما چگونه می توانید نظامی داشته باشید که در آن دانشمندان و خردمندان به حکومت برسند و در ثانی این تعریف "عدالت" به بعد تحقق عدالت از پایین توجه نمی کند و این یک خطای بزرگ و فاحش است چرا که اساس تحقق عدالت اجتماعی، از پایین و در واقع از جامعه است.

می توان اثبات نمود که جامعه اصالت دارد و حکومت فرزند جامعه است و به همین سبب نیز می توان اثبات نمود که عدالت از دل جامعه می روید و اصالت می یابد نه از حکومت. اصل جامعه است و تابع حکومت. اما حکومت نیز بر جامعه مؤثر است و تأثیر می گذارد و همین طور جامعه و حکومت. بنابراین نگاه از حاکمیت به سمت جامعه معطوف می شود. بنابراین بنظر می رسد بایستی

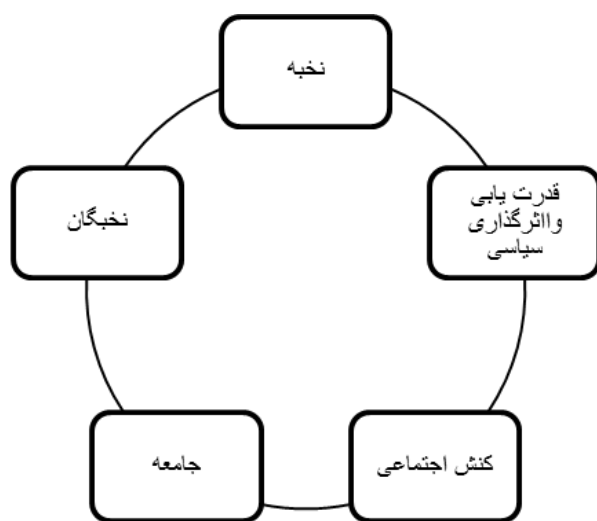
مبحث عدالت و روش تحقیق اش را چگونه این گونه مطرح کرد. جامعه به چه روشی می تواند هر چیز را در جایگاهش بگذارد؟ سؤال را اینگونه پاسخ می دهیم:

شما فرض کنید یک فرد می خواهد در اتاق بهم ریخته اش هر چیزی را در جایگاهش قرار دهد. حال جامعه را در نظریه گیریم، جامعه متشکل از افراد و روابط بین افراد است. جامعه نیز بایستی اینم قابلیت را داشته باشد که هر چیز را سر جایش بگذارد، چطور این مهم محقق می شود، زمانی که جامعه قدرت تشخیص جایگاه هر چیز و سپس توانایی رساندن هر چیز در جایگاهش را داشته باشد.

2-8) ارتباط بین عدالت و آگاهی عمومی

قدرت تشخیص جامعه در گروهی چیست؟ دانایی و آگاهی عمومی.

بنابراین تاب دین جامشخص شده که شرط تحقق عدالت نخست عدالت از پایین است و شرط تحقق عدالت از پایین نیز، آگاهی و دانایی عمومی است. بنابراین می توان گفت که میزان تحقق عدالت معلول میزان آگاهی و دانایی عمومی است. حال سؤال این است که چگونه می توان جامعه ای عقلانی داشت؟ پاسخ در همان چرخه ی کمال است:



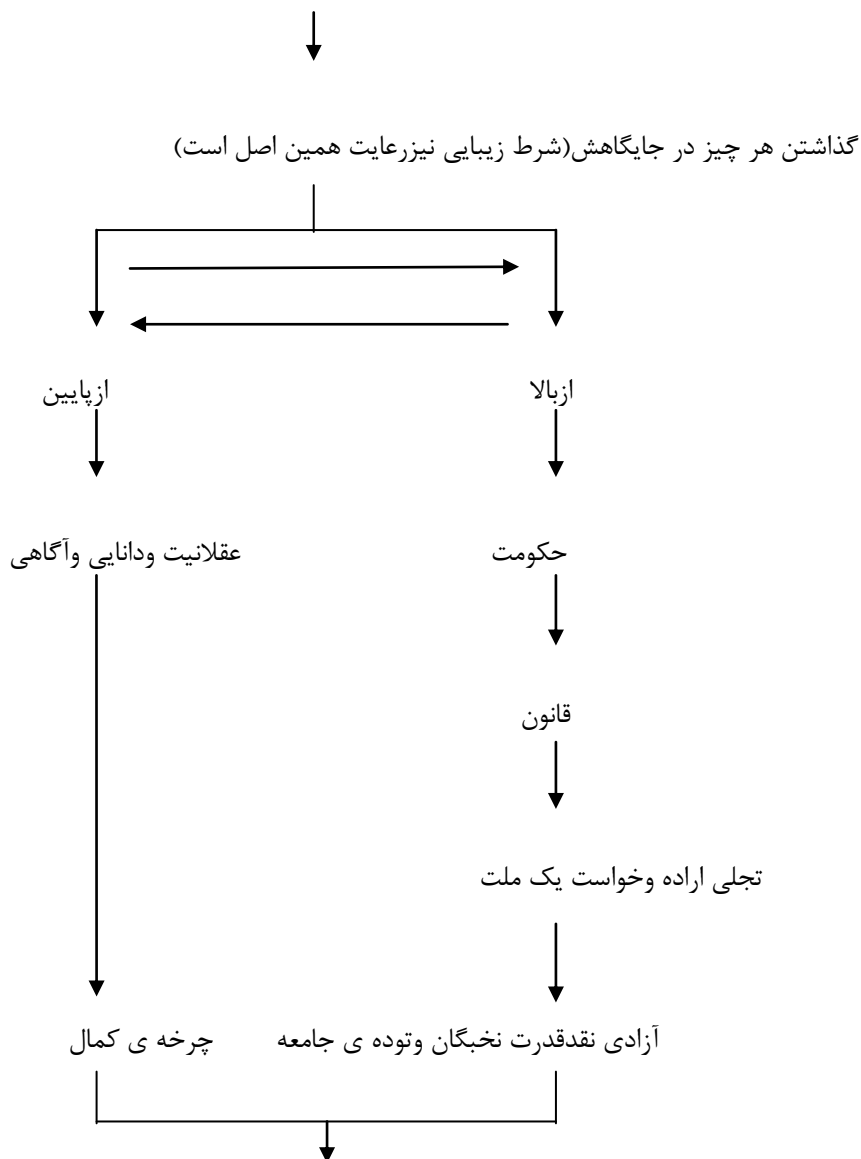
نحوه ی ایجاد یک نظام سیاسی عادلانه شرط

تحقق چرخه ی فوق (که خود چرخه ی فوق شرط چرخه ک تحقق عدالت از پایین و تحقق عدالت از پایین شرط تحقق عدالت از بالا و عدالت از بالا شرط عدالت از پایین و تحقق عدالت از بالا و پایین شرط تحقق عدالت به معنای فراگیر آن است) "آزادی" است.

اینجاست که آزادی با عدالت پیوند می خورد و حاصل این پیوند مبارک، کمال است. شاید از سنگین ترین و پیچیده ترین سؤالات بشر این است که آزادی در چه ابعادی و تا کجا؟

پاسخ این سؤال خارج از حوزه ی بررسی مسائل ما می باشد، بنابراین به طور خلاصه می توان گفت سازوکار تحقق "عدالت" به صورت فوق می باشد:

عدالت



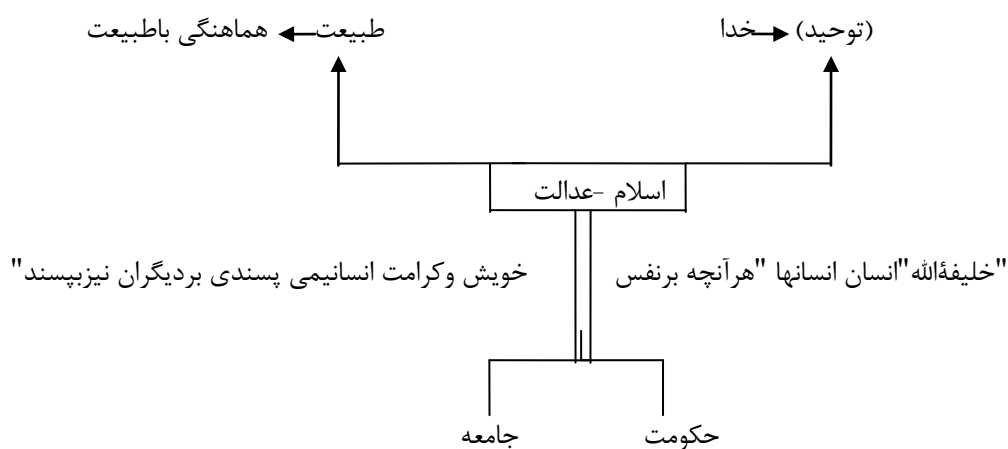
مدینه ی فاضله

(نمودار 2-3، تحقق عدالت)

حال سؤال ما این است که اگر شرط تحقق عدالت ،عقلانیت ودانایی جامعه است ،سؤال بعدی این می شود که عقلانیت ودانایی چگونه عملی می شود؟

2.آگاهی نسبت به چه چیزی؟

نخست از سؤال جواب دوم شروع می کنیم. گفتیم که محور اسلام عدالت است، در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت:



(نمودار 2-4، اسلام - عدالت)

2-9) انواع علم

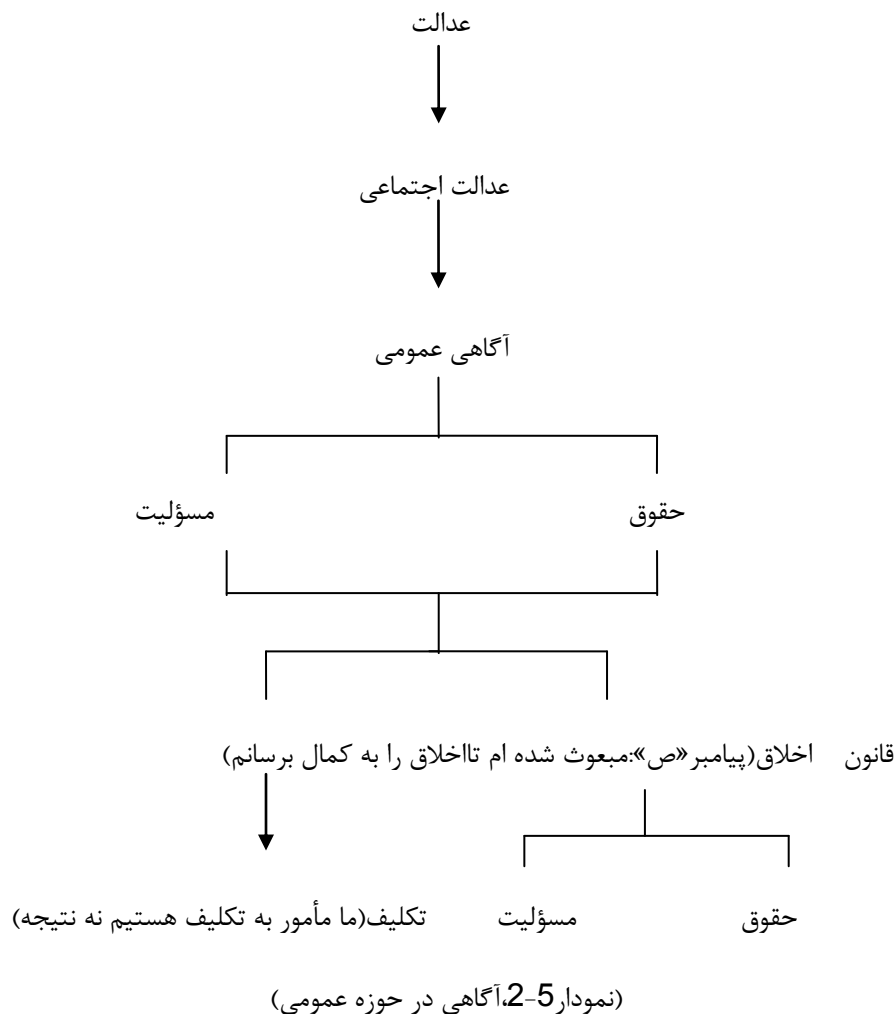
حال باید دانست که هر کدام از 4 جزء فوق برای رسیدن به جایگاه حقیقی شان توسط انسان، نیازمند معرفت برای انسان اند (یعنی انسان بایستی نخست بداند جایگاه هر جزء چیست؟ سپس تلاش کند تا هر چیز را به جایگاهش برساند) حال ما قادر خواهیم بود که انواع علم را در یک تقسیم بندی کلی به 4 دسته تقسیم نماییم:

1. علم خدا (خداشناسی - معرفت شناسی) 3. علم طبیعت و طبیعت شناسی

2. علم انسان و انسان شناسی (معرفت نفس) 4. علوم اجتماعی (جامعه شناسی، علوم سیاسی و...)

حال می توان گفت "دانایی - عقلانیت" عمومی که بدان اشاره شد در حوزه ی علوم انسان ها و روابطشان (فرد - جامعه - حکومت) قرار دارد البته هنگامی که می خواهیم علم مربوط به حوزه ی فوق را توضیح دهیم به ناچار علم انسان (نوع نگرش انسان به خودش، جهان، خدا، ...) و نیز علم خدا (خداشناسی، افعال خدا، نیز مؤثر و دخیل است).

حال بایستی دید که مراد از "علم و آگاهی" (فرد، جامعه، حکومت) چیست؟ که اگر این آگاهی محقق شود اساس و بنیاد یک جامعه و حکومت عادلانه پی ریزی خواهد شد. به طور کلی می توان "آگاهی و دانش" مربوط به این حوزه را در حوزه ی مسئولیت - حقوق متقابل تنظیم کرد. یعنی در یک جامعه که قرار است "عدالت" محقق شود بایستی اعضای آن جامعه علم به مسئولیت ها و حقوق متقابلشان در قبال یکدیگر و حکومت بیابند و نیز به تکالیفشان نسبت به خدای متعال در یک جامعه اسلامی. به طور کلی می توان این آگاهی در حوزه ی عمومی را به صورت زیر خلاصه کرد:



2-10) برقراری تعادل بین قانون و اخلاق

نکته ی مهم دیگر که امروز یکی از دغدغه های اندیشمندان تمدن غرب است این که چگونه میتوان بین کفه ی "قانون و اخلاق" تعادل ایجاد کرد. لازم به تذکر است که معمولاً هرچه کفه ی قانون سنگین تر شود، کفه ی اخلاق سبکتر می شود و بالعکس، یعنی هر چه کفه ی اخلاق در یک جامعه سنگین تر شود کفه ی قانونی سبک تر می شود. اگر ما قانون را یک الزام و قرارداد اجتماعی بدانیم که به وسیله قوه ی توسط حاکمیت اعمال میشود، آنگاه مشخص می شود که در یک جامعه ی متعالی چون کفه ی قانون سبک تر میشود، جامعه ی یک جامعه ی خود – تنظیم و متعالی میشود که نیاز کمتری به اعمال نیروها از سوی حاکمیت جهت ایجاد تعادل دارد، بنابراین به نظری رسد در یک جامعه متعالی حاکمیت بسیار بسیار کمتر مداخله می کند و جامعه بصورت "خودکار و خود تنظیم" در می آید. بنابر این مدینه فاضله، مدینه ای است که اعضایش طبق اصول اخلاقی عمل نموده و اصطلاحاً "خود – تنظیم" شده است. می توان اثبات نمود که دین آمده است تا فرد و جامعه را به کمال برساند و جامعه "خود – تنظیم" شود. "دولت تنظیم" بنابر این مانیز مؤظفیم که جامعه را به سمت کمال الشوق هدیم. کمالش را ترسیم کنیم. حال سؤال این است که چگونه میتوان جامعه را در مسیر تکاملش قرارداد و از آن ره به مدینه فاضله رسید. همانگونه که در سطور بالا اشاره کردیم، اساس تحقق عدالت "افزایش آگاهی عمومی و برقرار شدن اخلاقی (کتاب معنویت)" است، اگر اینها، جامعه به سمت عدالت و تکامل حرکت میکند، در واقع جامعه هنجاری "خود – تنظیم" میشود که طبق موازین "قسط و عدالت" سازمانیابد. بنابراین "خود – تنظیمی" معلول "عدالت"

است. شرط تحقق عدالت نیز رشد دانش، آگاهی و اخلاق نسبت به مسئولیت ها، حقوق و یکدیگر است. بنابراین ما نیازمند حرکت در راستای افزایش آگاهی و اخلاق عمومی هستیم. در واقع نیاز به نوعی اصلاحات "درون زای اجتماعی" هستیم. دکتر پیران در این خصوص می گوید: "در تاریخ بشر دو رؤیا مستقر است: رؤیای شهروند صاحب حقوق و رؤیای سلطان عادل. ما همیشه دنبال سلطان عادل بوده ایم به همین دلیل بیماری روشنفکری معاصر ما هم اصلاح از بالا و فراموش کردن پایین است.

این در حالی ست که ما اثبات نمودیم اساس رسیدن به یک جامعه متعالی، اصلاح خرد-مقیاس (از پایین) جامعه است؛ که از آن ره حکومت نیز اصلاح می شود.

و این فرآیند منجر به تسریع اصلاح جامعه و حکومت در یک فرآیند دو طرفه می شود، بنابراین نگاه مانع به جامعه است، و از آن ره بایستی حکومت نیز اصلاح شود.

و این فرآیند منجر به تسریع اصلاح جامعه و حکومت در یک فرآیند دو طرفه میشود بنابراین نگاه مانع نخست به خود جامعه است.

2-11) اصلاحات خرد - مقیاس محله محور

می توان اثبات نمود که بهترین و پایدارترین اصلاحات، اصلاحات خرد-مقیاس است. امام خمینی «ره» در این خصوص می فرماید: سر آغاز هر اصلاحی اصلاح نفس خویش است. این امر همان مسئله ایست که از آیات قرآن نیز می توان اثبات نمود.

تعداد آیهایی که مربوط به اصلاح فرد می شوند بیشتر از آیهایی است که مربوط به اصلاح جامعه می شود. بنابراین نقطه ی سز آغازین اصلاح ناراستی ها و کجی ها نخست در بعد فردی است که دین نیز امر بدان نموده است. حال از این نقطه می توان شروع به رشد و حرکت کرد. در مرحله ی بعدی "خانواده" است. (خانواده، دوستان، نزدیکان، آشنایان، ...) که در این خصوص نیز اسلام امر به "صله ی رحم" نموده است. "صله ی رحم" سطح بعدی است که یک فرد اصلاح شده می تواند در آن موجب اصلاح کاستی ها و روشن شدن تاریکی های جهل و نادانی شود.

مرحله بعدی رامیتوان بعد "محلی" نامید تا کید مؤکد نیز برای نبعد است. "محله محوری" و تحقق اصلاحات خرد-مقیاس در مقیاس "محله" و بدین صورت حرکت به سمت جامعه آرمانی و شهر انسانی - اسلامیدز این مقیاس که نقطه شروعش باشد. بنابراین نگاه ما معطوف به محله شد و اصلاحات خرد-مقیاس محله محور. حال سؤال مامتوجه این مهم می شود که اصلاحات محله محور (1) چه ویژگی هایی دارد؟ (2) چگونه میسر می شود؟

1_ اصلاحات محله - محور بایستس منجر به "خود-تنظیمی" جامعه شود؛ همانگونه که هاشار هشدلازمه ی این امر جاری شدن عدالت است و لازمه ی عملی شدن عدالت رشد "آگاهی و اخلاق عمومی" و "مسئولیت ها، حقوق و تکالیف" متقابلشان و همانگونه که اشاره شد نقطه ی کمال این امر "حاکمیت اخلاق" است و نه قانون.

و مجدداً دانستیم که طبق فرمایش رسول اکرم حضرت محمد «ص» دلیل بعثتشان را به کمال رساندن "اخلاق" می دانند بنابراین هدف این نیز حاکمیت اخلاق است.

و از آنجا که دین جزء اندوخته های پرارزش تاریخی ملی ماستدر نتیجه نقطه ی اصلی تحقق اصالات خرد-مقیاس در بعد محلی نیز "دین" است.

دینی که نماز ستونش است بنابراین "مسجد" ستون این جامعه و محله است. بنابراین مکان و فضای اصلی تحقق "اصلاحات خرد-مقیاس محلی نیز مسجد است. حال بایستی نشان داد که "مسجد" چگونه قادر است این مهم را انجام دهد.

2-12) جامعه خود تنظیم

همان طور که در صفحات قبلی نیز بدان اشاره شد در خصوص مسجد دو سؤال بزرگ مطرح است.

1) چگونه می توان مسجد را در جایگاه حقیقی اش قرارداد؟

2) فرض کنیم که مسجد به جایگاه حقیقی اش رسیده است آنگاه مسجد چگونه خواهد توانست امور را به جایگاهشان برساند؟

جهت پاسخ دادن به این دو سؤال نیازمند بررسی تاریخی هستیم که در قسمت مربوط به خودش به صورت تفصیلی به آن خواهیم پرداخت، اما هم اکنون در یک دسته بندی کلی می توان نشان داد که "مسجد" چگونه در تحقق عدالت اجتماعی و حرکت به سمت کمال و خود- تنظیمی حرکت می کند.

موارد فوق عبارتند از:

- لزوم حرکت به سمت اصلاحات خرد-مقیاس جهت نیل به اصلاحات بزرگ مقیاس
- لزوم رشد آگاهی و دانش عمومی در حیطه ی وظایف و حقوق اجتماعی- سیاسی
- لزوم رشد و حاکمیت قوانین اخلاقی
- لزوم پیشرفت بر مسیر اندوخته های فرهنگی- تاریخی
- لزوم وجود فضای جمعی محله جهت تعاملات اجتماعی - فرهنگی و کنش و یادگیری اجتماعی
- لزوم وجود فضایی که در آن طبقه ی نخبگان - مردم شکل گرفت و بدینوسیله امکان انتقال آگاهی - دانش و اخلاق شکل گیرد، همانند آنچه اساس تمدن بزرگ و شکوهمند یونان باستان را در عهد کلاسیک شکل می داد و در فضایی به نام "آگورا" شکل می گرفت
- لزوم پیوند میان امت و امامت و در مسجد جماعت و امام جماعت

پس از این مقدمات که در واقع میزان اهمیت مسجد را بزرگ تر می کرد، در قسمت های آتی به بررسی نقش تاریخی مسجد و سپس توضیح عملکرد و جایگاهش پرداخته، سپس جایگاه امروزی مسجد که چگونه است ترسیم کرده و نشان می دهیم که چگونه باید باشد و چگونه می توان این مسیر را طی کرد.

فصل سوم

3-1) اهمیت مسجد در قرآن و بررسی نقش تاریخی آن

یکی از راه های شناخت اهمیت موضوعات در اسلام، قرآن کریم است.

این کتاب آسمانی با نگرشی جامع و کامل به هر موضوعی فراخور حال و اهمیت آن، پرداخته است. نوع عبارت و تأکید و مقدار مطالب پرداخته شده برای هر موضوع، بیانگر اهمیت و جایگاه آن در قرآن کریم است.

«مسجد» و «مساجد» از جمله واژگانی است که در قرآن کریم به آن توجه شده و در 28 مورد به آن اشاره شده است.

3-1-1) نفی شرک و نفاق از حریم مسجد

بسیار روشن است که بنایی به نام مسجد هدف و انگیزه نیست، بلکه مقاصدی که موجب پدید آمدن مسجد می شود حائز اهمیت است؛ یعنی اساساً از ابتدا مسجد باید بر محور توحید و اتحاد و همدلی مؤمنان باشد و اساس آن تقوا و ایمان به خدا و اقامه ی نماز قرار گیرد. در آیه 17 و 18 سوره توبه آمده است:

(مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ)؛

مشرکان را نرسد که مساجد خدا را بنیاد کنند، با آنکه خود شاهد کفر خویشند؛ چه ایشان اعمالشان بی اجر و باطل است و خود در جهنم جاودانند. مسجدهای خدا را تنها کسی بنا می کند که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشد. نماز به پادارد، زکات بدهد، و جز از خدا نترسد، باشد که آنان از هدایت یافتگان باشند.

آیات مزبور پس از نفی نقش مشرکان در ایجاد بنای مسجد، تعمیر مسجد را مخصوص اهل ایمان می داند و سپس صفاتی راکه نشانه صلاحیت و لیاقت بنا کننده ی مسجد است را ذکر کرده و می فرماید: اهل نماز و پرداخت زکات باشد و از کسی جز خدا نترسد.

اگر اهل ایمان این سه شاخصه ی اساسی را دارا بود، اهل بنا و ساخت مسجد به شمار می آید.

بیان این اوصاف برای بنا کننده ی مسجد، گویای این است که مسجد به عنوان جایگاه عبادت و هدایت الهی ارزش و اعتبار فراوانی از دیدگاه قرآن دارد.

همچنین در آیه 107 و 108 سوره توبه می خوانیم:

(وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَلْحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ)

منافقان کسانی هستند که مسجد ساختند به قصد زیان رساندن و کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آن ها سوگند یاد می کنند که «جز نیکی نظری نداشته ایم» اما خداوند گواهی می دهد

که آنها دروغگو هستند. هرگز در آن نیست، آن مسجدی که از روز نخست بر پایه ی تقوی بنا شده شایسته تر است که در آن بایستی، در آن مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

آیات فوق ابتدا خطر جریان نفاق را برملا می سازد و سپس نقشه شوم آنان را در بهره برداری از عنوان مسجد برای ضربه زدن به پیامبر عظیم الشأن و وحدت مؤمنان بازگو می کند.

این هشدار نشان می دهد کسانی که اهل طهارت درونی نیستند و قلوب آنان مالا مال از نفاق و دورویی است از عناوین و اعتبارات مقدسی نظیر «مسجد» برای ضربه زدن به اسلام عزیز استفاده می کنند.

از این رو، مسجد مورد توجه خدای متعال بامعیار اسس علی التقوی و اقامه ینماز و علاقه به طهارت ظاهری و باطنی آن سنجیده شده است.

نکته حائز اهمیت اینکه، پرداخته شدن قرآن به جزییات مطالب مربوط به مسجد، گواه دیگری بر ارزش والا و گران بهای مسجد است. همچنین تأکید قرآن کریم در آیات مختلف مانند:

(قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛

بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجدی به سوی او کنید.

(يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد بردارید.

(وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا)؛

مساجد از آن خداست پس باید احدی از او را نخوانید.

همگی دال بر اهمیت مسجد در قرآن کریم می باشد؛ زیرا تأکید و بیان قرآن کریم به عنوان حکمت مطلق بهترین مؤید ارزش و اعتبار الهی این پایگاه معنویت و هدایت می باشد.

3-2-1 اهمیت مسجد در روایات

در روایات از ائمه (ع) پیرامون مساجد مطالب ارزشمند و گرانبهائی نقل شده است که همگی بر ارزش و عظمت مسجد دلالت دارند. بعضی از روایات به طور صریح اهمیت جایگاه مساجد را بیان کرده اند که به آنها اشاره می شود.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «المساجد انوار الله»؛

مساجد انوار الهی است. همچنین آن حضرت فرمود:

«أحب البلاد الى الله مساجدها»؛ محبوب ترین جای شهر ها پیش خدای متعال مساجد آن شهرهاست. در حدیثی دیگر نیز فرمود: «المساجد مجالس الانبياء»

مساجد محل جلوس پیامبران الهی است.

آنچه از کلام پیامبر عظیم الشان اسلام بر می آید این است که بهترین مکان هادر روی زمین که همراه بانوار الهی وتوجه وعنايت خدای بزرگ است،مساجد می باشد.

تأکید بر جلوس پیامبرات در مساجد مؤید این است که بهترین بندگان الهی ومحبوبترین ومقربترین بندگان خدا،یعنی پیامبران،به مساجد توجه داشتند وآنجا را محل جلوس خود قرار می دادند.

همچنین از امام صادق (ع)پرسیده شد:علت تعظیم وبزرگداشت مسجد چیست؟

حضرت فرمود:خداوند امر فرموده به تعظیم مساجد؛برای آنکه مساجد بیوت الهی در زمین است.

همچنین در روایت دیگری فرمود:بر شما باد به رفتن مساجد؛زیرا مساجد خانه های شما در زمین هستند.

3-2)عوامل حفظ وپایداری مساجد

1.اخلاص

در قرآن کریم آمده است (وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا)؛

مساجد از آن خداست،پس باید احدی جزاورا نخوانید.آنچه که از ظاهر آیه شریفه روشن می شود این است که اخلاص در فکر وعمل مورد عنایت است؛چرا که شخص باایمان باید بداند مسجد خانه ی خداست ودر آن فقط باید خدا خوانده شودوذكر وعبادتی غیر الهی نباشد.

اما نکته ی اساسی تر آن است که در شکل و تأسیس مسجدباید خدا محور باشد؛یعنی اساساًغیر خدا درنیت وانديشه انسان جایی نداشته باشد و انگیزه تأسیس وبنای مسجدبایدبرای خدا باشد.

2.تشویق وترغیب

- ساختنمسجد:پیامبر اکرم (ص)میفرماید:هر کهمسجدي،هر چندبهدانداز هیلانهییکپرنده،بسازدخداونددر بهشتبرایشخانه ای بنا می کند. امام صادق(ع) می فرماید:هر کس مسجد بسازد خداوند در بهشت برای او خانه ای می سازد.

- آباد کردن مسجد:«انمايعمر مساجداللهمنامبالله...فعسبوا لئکانیکونوا منالمهتدين».

پیامبر اکرم فرمود:کسی که این مسجد مارا توسعه بخشد خداوند خانه ای در بهشت برایش می سازد.

- رفتنبهسویمسجد:«منمشیالیمسجدیطلبفیهاالجماعةکانلهبکخطوةسبعونالفحسنة»؛

هر کس برای شرکت در نماز جماعت به سوی مسجدی برود برای هر قدمی که بر میدارد هفتاد هزار حسنه منظور شود.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:بهترین مردم کسی است که هنگام ورود به مسجد اولین نفر باشدو به هنگام خروج از مسجد آخرین نفر باشد.

در روایت دیگری از پیامبر اسلام (ص) آمده است: شب و روز به سوی مساجد شتافتن از اقسام جهاد کردن در راه خداست.

امام صادق (ع) می فرماید: هر کس پیاده به سوی مسجدی روان شود پای خود را به هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر آنکه از آنجا تا زمین هفتم به جای او پروردگار را تسبیح می نمایند.

• نشستند در مسجد: پیامبر اکرم (ص)

فرمود: نشستند در مسجد به انتظار نماز عبادت است، مادامیکه حدیثی سر نزنند، عرض شد: ایر سول خدا، حدیث چیست؟ فرمود: غیبت کردن.

همچنین پیامبر خدا فرمود: ای اباذر تازمانی که در مسجد نشسته ای خدای تعالی به تعداد هر نفسی که میکشی ده حسنه برایت نوشته می شود و ده گناه از تو پاک می گردد.

با نگاه به این روایات این نتیجه حاصل می شود که هدف اسلام تشویق و ترغیب و کشاندن مؤمنان به سوی مساجد است. ذکر پاداش، بیان حسنات و نیز از بین رفتن گناهان برای آن است که مؤمنان به سوی مسجد هدایت شوند، آن را یک مکان عادی فرض نکنند و رفتن به سوی این مکان مقدس را اقدام برداشتن برای آنرا برای خود غنیمت بشمارند.

3-2-1 عوامل جذب

مسجد یک مکان عمومی و جای تجمع مؤمنان است.

3-2-2 مسجد و جماعت

آنچه تاکنون مورد بحث قرار گرفت پیرامون عظمت و جایگاه مساجد، تقویت این جایگاه و پرهیز از تخریب موقعیت مساجد بوده است.

گرچه تاکنون بیان شده است که مسجد جای عبادت و ذکر الهی است، اما با نگاهی به دیگر روایات در خصوص مسجد و اهمیت جماعت و نماز جماعت در مسجد، نکته با اهمیتی روشن می شود و آن اینکه گویا تمام این هامقدمه ی تمرکز و وحدت و تجمع مؤمنان بوده است تا در کنار هم ولا قلب های مملو از محبت نسبت به هم در مقابل خدای بزرگ به تسبیح و عبادت بپردازند.

از کلام رسول خداست که می فرماید: «تحفه الملائکه تجمیر المساجد»؛ تحفه فرشتگان جماعت میان مساجد است. و نیز در کلامی دیگر در پرهیز از تفرقه و جدایی می فرماید: شیطان گرگ انسان است همانند گرگ گوسفندان، همیشه میش های دور افتاده و کناره گیر رامی گیرند. پس، از دسته بندی (گروه گرایی و دسته شدن) پرهیز نمایید و بر شما باد به حضور در جماعت و مجالس عمومی و مسجد.

پیامبر اسلام (ص) می فرماید: کسی که در پیوستن به نماز جماعت از دیگران پیشی گیرد چنان است که گویی در ایمان پیشی گرفته است.

پیامبر اسلام (ص) در حدیثی دیگر می فرماید: آگاه باشید کسی که برای اقامه ی نماز جماعت به سوی مسجد قدم بر می دارد برای هر یک قدمش هفتاد هزار حسنه منظور می شود. همه ی این روایات در اهمیت نماز جماعت است. برتر دانستن نماز مختصر جماعت از نماز طولانی فرادغا با مستحبات، حقیقتی را بیان می کند و آن وجود یک عنایت خاصه از سوی خدای بزرگ در جماعت است.

جماعت قدرت اسلام است؛ در جماعت دست الهی همراهی دارد؛ در مسجد باید قدرت اسلام نمایان شود؛ جماعت مسلمانان قدرت اسلام است. پیامبر اسلام (ص) می فرماید: هر کس بدون عذر موجهی با مسلمین در مسجد نماز جماعت نمی خواند نمازش کامل نیست و کسی که در منزلش نماز می خواند و نسبت به جماعت مسلمین بی توجه است غیبتش جایز می باشد. و کسی که نسبت به جماعت مسلمین بی توجه است از عدالت ساقط است و دوری کردن از او واجب است.

این تهدیدات برای آن است که کسی قصد جدایی و تفرقه نکند و آهنگ اختلاف با جماعت مسلمین سر ندهد و راه ترسم خویش را از جماعت مسلمانان جدا نکند؛ چرا که تفرقه و جدایی و بی توجهی به یکدیگر خواست دشمنان اسلام و دشمنان پیامبر گرامی اسلام است.

در روایت از پیامبر اکرم (ص) نکته قابل توجهی ذکر شده است و اینکه «من مشی الی مسجد یطلب فیه الجماعة کان بکل خطوه سبعون الف حسنه» (1) حرکت به سوی مسجد برای کسی که طالب جماعت است، برای هر گامی که بر می دارد هفتاد هزار پاداش و حسنه در نظر گرفته می شود. نکته مهم «یطلب فیه الجماعة» است؛ یعنی به قصد نماز جماعت و رسیدن به جماعت حرکت می کند. تمامی این روایات گواه بر این است که جماعت در مسجد هدف است؛ جماعتی که راه وحدانیت و وحدت و یکدلی را طی می کند. رسول گرامی اسلام (ص) برای ایجاد نظم و هماهنگی و ایجاد وحدت، شانه های نماز گزاران را در نماز جماعت می گرفت و منظم می کرد و می فرمود: مساوی و منظم باشید، نامنظم و جدا از هم نباشید که قلب های شما از همدیگر جدا می شود.

3-3) مسجد از دیدگاه قرآن و عترت

(إنما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر و أقام الصلاة و آتی الزکاة و لم یخس إلا الله فعیسی ألتک أن یکنوا من ألمهتدین)؛

مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و جز از خدا نترسند، امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

حضور در مسجد از مصادیق مهم و اصلی عمارت و آباد نگه داشتن آن است، به گونه ای که بدون آن، مسجد اساساً فاقد عمران و آبادی خواهد بود. از این رو در روایات از مساجدی که مسلمانان آن را رها کرده و در آن نماز نمی گذارند، به مسجد خراب تعبیر شده است.

در بررسی کلمات و بیانات قرآن کریم و نیز سنت درباره ی مسجد، نکته ی مهمی که توجه انسان را به خود جلب می کند، تأکید و تشویق فوق العاده ی پیشوایان دین مبین اسلام بر رفت و آمد به مساجد و انس گرفتن با خانه ی خداست، تا آنجا که

فقه‌های اسلام بااستناد به همین تأکیدات فراوان گفته اند: در شرع مقدس اسلام، بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه ی مسجد ها، مسجدالحرام است و بعد از آن مسجد پیامبر اکرم (ص) و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد از آن، مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد هر محله و بعد از مسجد محله، مسجد بازار (مسلمانان) است.

مستند این گونه احکام و فتاوا، روایات فراوانی است که پیشوایان دین ضمن بیان آثار و فواید رفت و آمد به مسجد، مخصوصاً به منظور برپایی نماز های واجب روزانه ترغیب و تشویق نموده اند.

3-4) مسجد، مرکز ذکر و یاد الهی

قرآن کریم می فرماید:

(...وَلَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَهَدَمْتُ صَوَامِعُ وَبِيعَ صَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكِّرُ فِيهَا أَسْمَاءُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛

و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر دفع نکند، دیر ها و صومعه ها و معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع کنند، یاری می کند، خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

در برخی از روایات با تعبیری لطیف از مسجد به عنوان بازار آخرت یاد شده، یعنی همانگونه که بازار، محل خرید و فروش و مبادله کالا و متاع های دنیوی است، مسجد نیز محل کسب امور معنوی و اسبابی است که در سرای آخرت دارای کاربرد و تأثیر می باشد. در حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل شده است:

«المساجد سوق من اسواق الآخرة قراها المغفرة وتُحَفَّتْهَا الجنة»؛

مساجد بازاری از بازارهای آخرت است. از کسانی که به آن وارد می شوند، با مغفرت پذیرایی می شود و هدیه ی آنان بهشت است.

از جبرئیل (ع) سؤال کرد: کدام مکان ها نزد خداوند محبوب تر است؟ جبرئیل عرض کرد: مساجد و دوست داشتنی ترین اهل مسجد نیز کسی است که پیش از همه به مسجد داخل و پس از همه از مسجد خارج شود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: کدام مکان ها نزد خدا مبعوض ترین است؟ جبرئیل عرض کرد: بازار ها و مبعوض ترین اهل آن نزد خداوند کسی است که قبل از همه به بازار وارد و پس از همه از آن خارج شود.

در برخی از روایات از آنان که در رفتن به مسجد شتاب کرده و گوی سبقت را از دیگران می برند، به عنوان پرچمدار بهشتیان، که در روز قیامت پیش از دیگران به بهشت وارد می شوند، یاد شده است.

پیامبر اکرم (ص) خطاب به ابوذر می فرماید:

«يا اباذر! طوبى لأصحاب الألوئىة يوم القيامة يحملونها فيسبقون الناس الى الجنة، ألا (و) هم السابقون الى المساجد بالاسحار وغيرها»؛

ای ابوذر! خوشا به حال پرچم داران روز قیامت که پرچم ها را بر دوش گرفته و پیش از دیگران به بهشت وارد می شوند. آنان همان کسانی هستند که در سحرگاهان و دیگر اوقات در رفتن به مسجد بر دیگران پیشی می گیرند.

تررد به مساجد، موجب پاک شدن از گناهان می شود. امام صادق (ع) فرمود:

«علیکم باتیان المساجد، فانها بیوت الله فی الارض، و من اتاهام تطهراً طهره الله من ذنوبه و کنت زواره فأکثروا فیها من الصلاه والدعا»؛

بر شما باد به رفتن مساجد؛ زیرا مساجد خانه های خدا در روی زمین هستند. هر کس پاک و پاکیزه وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمره ی زائران خود قلمدادش کند، پس در مساجد نماز و دعا بسیار بگذارید.

ثواب رفتن به سوی مسجد به منظور شرکت در نماز جماعت آنقدر زیاد است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من مشی الی مسجد یطلب فیہ الجماعه کان له بكل خطوه سبعون الف حسنه و یرفع له من الدرجات مثل ذلک و ان مات وهو علی ذلک و کلّ الله به سبعین الف ملک یعودونه فی قبره یؤنسونه فی وحدته ویستغفرون له حتی یبعث»؛ هر کس برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که بر می دارد، هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او باشند و زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند.

باز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «کُلُّ جلوس فی المسجد لغو الا ثلاثه، قراءه مصلّ او ذکر الله او سائل عن علم»؛ هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است. مگر نشستن سه کس: نماز گزاری که (قرآن) قرائت می کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به دنبال دانشی باشد.

شایسته نیست مسلمان از مسجد عبور کند و در آن مسجد نمازی نخواند، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لا تجعلوا المساجد طرقاً حتی تصلّوا فیها رکعتین»؛ مسجدها را گذرگاه خود قرار ندهید مگر آنکه دو رکعت نماز در آن بخوانید.

و حضرت علی (ع) می فرماید: «من اختلف الی المسجد أصحاب احدى الثمان: اَخامستفاد فی الله او علماً مستطرفاً او آیه محکمه او رحمظ منتظره او کلمه ترده عن ردی او یسمع کلمه تدله علی هدی او یتربک ذنباً خشیه او حیاء»؛ هر کس به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چیز دست یابد: برادر دینی سود مند یادانشی جدید یا آیتی محکم و استوار یا رحمتی منتظره یا سخنی که او را از هلاکت برهاند یا شنیدن جمله ای که او را به راه راست هدایت کند یا آنکه گناهی را از ترس یا شرم ترک گوید.

3-5) جلوگیری از یاد خدا در مسجد؛ بزرگترین ظلم

قرآن کریم می فرماید: (وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا)؛ کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟

اینکه قرآن کریم می فرماید: «کسی که تلاش در تخریب و ویرانی مساجد (از یاد خدادار مساجد جلوگیری) می کند، ظالم ترین انسان است، به قرینه تقابل روشن می شود کسی که در عمران و آبادی مساجد تلاش می کند، در بهترین وضعیت ایمانی به سر می برد».

خرابی و ویرانی مسجد، منحصر به تخریب فیزیکی نیست که مسجدی را خراب کنند و به جای آن منزل یا مغازه بسازند، بلکه هر برنامه ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در ویرانی مسجد محسوب می شود.

از این آیه شریفه نتیجه می گیریم ظالم ترین فرد، کسی است که نه خود به مسجد می رود نه می گذارد دیگران به مسجد بروند یقیناً اینگونه افراد یا منافق هستند یا مشرک یا کافر، چون از رونق انداختن مسجد- به علت تجمع مسلمانان در آن به منظور اتحاد، نیایش، تصمیم گیری در راستای اهداف دین مبین اسلام، بسیج نیروها و رفع مشکلات و منازعات و ایفا نمودن نقش محوری و مؤثر در جامعه ی اسلامی - آرمانپیدا نرا از دتر به منصفی ظهور و عمل می رساند.

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يَصِلُ فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالَمٌ بَيْنَ جِهَالٍ وَمَصْحَفٌ مَعْلُقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ غَبَارٌ لَا يَقْرَأُ مِنْهُ»؛ سه چیز نزد خدای عزوجل شکایت می کنند: مسجد خرابی که اهلی آن در آن نماز نخوانند و دانشمندی که در میان عده ای نادان قرار گرفته باشد و قرآنی که در کنار طاقچه ها گذاشته شده و غبار رویش را گرفته باشد و کسی آنرا نخواند.

3-6) لزوم انگیزه های صحیح در مسجد سازی

قرآن کریم می فرماید: (...لَمْسَجِدٍ أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ أَقَمْنَ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى التَّقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ...); ...آن مسجدی که از روز نخست بر پایه ی تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن به عبادت بایستی، در آن مردانی هستند که دوست میدارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. آیا کسی را که شالوده ی آن را بر تقوای الهی و خشنودی آن بنا کرده است، بهتر است یا...؟

مسجد سازی، علمی عبادی است و صرف ساختن بنای مسجد، بدون قصد قربت، مطلوب و مقبول درگاه الهی نیست. آیات و روایاتی که از ساختن و تعمیر مساجد به عنوان فضیلتی بزرگ یاد کرده اند، ناظر به مساجدی است که ساختن آنها برخاسته از انگیزه ی الهی باشد.

در روایات موجود (در کتب عامه و خاصه) تصریح شده که ثواب مسجد سازی از آن کسانی است که با انگیزه های سالم اقدام به ساختن مسجد می نمایند.

نبی مکرم اسلام (ص) فرمود: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيَذْكُرَ اللَّهُ فِيهِ بَنَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»؛ هر کس مسجدی را به قصد اینکه یاد خدا در آن بشود، بسازد، خانه ای در بهشت برای او ساخته می شود.

در روایتی دیگر فرمود: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِلَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَهُ»؛ کسی که مسجدی را برای خدا بنا نماید، خداوند خانه ای مانند آن در بهشت برای وی بنا خواهد نمود.

در برخی روایات، از اینکه مسجد سازی از حالت عبادی خارج شود و به عنوان عملی که مایه ی فخر و مباهات افراد و جمعیت ها نسبت به یکدیگر باشد، نهی شده است. پیامبر اکرم در مقام سرزنش و بیان انحراف امت و نشانه های برپایی قیامت می فرماید: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَبَاهَى النَّاسُ بِالْمَسَاجِدِ»؛ از نشانه های قیامت آن است که مردم، مسجد را وسیله ی فخر فروشی قرار می دهند.

3-7) شرایط و ویژگی آباد کنندگان مساجد

تأکید قرآن مجید بر وجود اوصاف و شرایطی خاص برای آبادکنندگان مساجد، در حقیقت دارای دو جنبه ی فردی و اجتماعی است: از جنبه ی فردی، شرایط مذکور از آن رو اهمیت پیدا می کند که آباد کردن مسجد بدون آن ویژگی ها، عملی بی روح و پیکری بی جان است که در بارگاه ربوبی بی ارزش است و عامل را نفع و ثمری نخواهد بخشید. از بعد اجتماعی نیز از آنجا که مسجد دارای نقش های مهم اجتماعی است، آبادکنندگان آن باید انسان های صالح و برگزیده باشند تا مسجد قادر به ایفای نقش حیاتی خود باشد.

3-8) متقین، سرپرستان مساجد

با قطع نظر از آیات 17 و 18 سوره ی توبه، می توان گفت قرآن کریم در جای دیگری بایبانی موجز و مختصر، شرایط لازم را برای متولیان مساجد ذکر نموده: (وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَ هُمْ يُصَدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ)؛ چرا خداوند کفار و مشرکان را عذاب نکند؟ در حالی که آنان با وجودی که سرپرست و متولی مسجد الحرام نیستند، راه آنان را بر بندگان خدا بسته و مانع از ورود مؤمنان به مسجد الحرام می شوند؟ سرپرستی مسجد الحرام تنها از آن اسان های متقی است، ولی بیشتر آن ها این را نمی دانند.

لزوم پیش بینی چنین شرایطی برای متولیان مسجد، تا حد زیادی به نقش حیاتی و حساس که یک مسجد باید در جامعه ی اسلامی ایفا نماید، مربوط می شود. اگر مسجدی بخواند حقیقتاً مرکز عبادت و بندگی خداوند متعال و پایگاه جهاد فکری و کانون تعلیم و تعلم معارف اسلامی باشد و به هنگام جنگ و بروز خطرات برای جامعه اسلامی، پایگاه تجمع رزمندگان و محل تقویت و پشتیبانی نیرو های جهادگر و در عین حال، مظهر تبلور وحدت جامعه اسلامی باشد، بسیار طبیعی است که باید از متولیان و گردانندگان مؤمن، موحد و خداجو برخوردار باشد.

3-9) حرمت نماز خواندن در مساجد منافقان

قرآن کریم می فرماید: (وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ قَبْلُ وَلِيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...)؛ و کسانی که مسجدی ساختند برای زیان به مسلمانان، و تقویت کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می کنند که جز نیکی و خدمت چیزی نداشته ایم، اما خداوند گواهی می دهد که آن ها دروغگو هستند، هرگز در آن مسجد به عبادت نایست!

اسلام از نمازگزاردن در مساجدی که با هدف تضعیف دین بنا شده است، نهی نموده و از اینکه خداوند متعال، رسول اکرم (ص) را از نمازگزاردن در مساجدی که از ابتدا بر بنیان تقوا، پی ریزی شده فرمان می دهد، روشن می شود که نمازگزار نیز باید توجه کند که در چه مسجدی نماز می گزارد و همراه با پرهیز از وسوسه های شیطانی و دقت های نابجا، مواظب باشد که نماز خواندن او در برخی مساجد، به گونه ای رونق بخشیدن به جمع دشمنان نباشد.

در مجمع البیان در تفسیر آیه (و إِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ قَبْلُ) آمده است: یعنی آن مسجد (مسجد ضرار) را برای بازگشت ابو عامر راهب ساخته و آماده کرده بودند. ابو عامر همان کسی است که قبلاً با خدا و رسولش جنگیده بود. داستان او چنین است که در جاهلیت جامه ی پشمی پوشیده و رهبانیت پیش گرفته بود، اما وقتی پیامبر به مدینه رفت، بر آن حضرت حسادت

ورزید و احزاب را علیه ایشان بسیج کرد. او پس از فتح مکه به طائف گریخت و چون مردم آنجا مسلمان شدند، او به شام و از آنجا به روم رفت و مسیحی شد. ابوعامر پدر حنظله (غسیل الملائکه) است.

رسول خدا (ص) او را ابوعامر فاسق نامید. وی به منافقان پیغام داده بود: خود را آماده کنید و مسجدی بسازید؛ زیرا من نزد قیصر رفته و با سپاهیان او آمده و با محمد (ص) را از مدینه بیرون می‌کنم! منافقان منتظر برگشت ابوعامر بودند، اما او پیش از رسیدن به نزد پادشاه روم، به هلاکت رسید. خداوند پیامبر خود را از نت پلید و باطن کثیف منافقان آگاه کرد. و رسول خدا در بازگشت از غزوه ی تبوک، عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن رخشم را فرستاد و فرمود: «به سوی این مسجدی که طرفدارانش ستمگرند، بروید و آن را ویران کنید و بسوزانید و دستور داد محل آن را به زباله دانی و جای انداختن مردارها و لاشه‌ها تبدیل کنند.»

3-10) پیاده رفتن به سوی مسجد

قرآن کریم می‌فرماید: (...وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ...)؛ و آنچه را که پیش فرستاده اند و نیز آثار آنرا می‌نویسیم.

در تفسیر مجمع البیان در زیر این آیه آمده است: مراد از آثار، گام‌ها و قدم‌های مؤمنین به سوی مسجد است و سبب تفسیر آن است که ابوسعید خدری روایت کرده است که بنی سلمه در منطقه‌ای از مدینه ساکن بودند، روزی از دوری خانه‌های خویش از مسجد و مشقت و سختی حضور در نماز پیامبر اکرم (ص) به آن حضرت شکایت کردند، آنگاه این آیه نازل شد.

در روایت دیگری آن حضرت فرمود: «من مشی الی مسجد من مساجد الله فله بكل خطوة خطاها حتی یرجع الی منزله عشر، حسنات و محی عنه عشر سیئات و رفع له عشر درجات»؛ کسی که به سوی یکی از مساجد، پیاده حرکت کند، خداوند در مقابل هر قدمی که در مسیر رفت و برگشت بر می‌دارد، به او ده حسنه پاداش می‌دهد و ده بدی را از او دور کرده و وی را دو درجه بالا می‌برد.

منظور از ترفیع درجه و ارتقای رتبه، که در این احادیث ذکر شده تنها پاداش و ثواب نیست، بلکه از آنجا که پیاده روی به سوی مسجد، خود موجب تقویت روح تواضع و تحکیم جوهره‌ی عبودیت در وجود انسان است، گویا مؤمن با گام‌هایی که به سوی مسجد بر می‌دارد، در حقیقت به درجه‌ی والاتری از عبودیت و در نتیجه تقرب به خداوند متعال نایل می‌شود. البته این امر منافاتی با فضل الهی و دادن پاداش و اجر اخروی ندارد. شاید بتوان حدیث زیر را مؤید این مطلب قرار داد:

امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما عبدالله بشیءٍ مثل الصمت و المشی الی بیه»؛ خداوند به وسیله‌ی هیچ عملی مانند سکوت و پیاده حرکت کردن به سوی خانه‌اش عبادت نشده است.

3-11) تاریخ و سنت مسجد

مسجد اساساً مرکزی برای عبادت دسته جمعی است؛ جایی که مسلمانان در آن مراسم عبادی برگزار می‌کنند. همچنین مکانی که به لحاظ تاریخی برای امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن گرد می‌آیند.

مسجد بزرگی که در آن جماعت عبادت کنندگان برای عبادت روز جمعه حاضر می‌شوند، مسجد جامعه، یا مسجد جمعه یا مسجد جامع (مکان اجتماع) نام می‌یابد که معمولاً به اختصار جامع گفته می‌شود.

بعد ها واژه ی جامع به مساجد بزرگ اجتماع، جایی که خطبه ی جمعه در آن ایراد می شود، اختصاص یافت، در حالی که واژه ی مسجد به مساجد کوچک خاص نماز روزانه اشاره دارد (به استثنای مسجد مکه و مدینه و بیت المقدس که نام های سنتی قرآنی خود یعنی مسجد را حفظ کرده اند). این تمایز هنوز آشکارا در ترکیه مشاهده می شود که در آنجا هر یک از اصطلاحات خاص جامع و مسجد به طور صحیح به کار می رود.

3-12) تعریف مسجد

کارکرد مسجد به وسیله این تیمیه فقیه سده ی هفتم، جمع بندی شده که شاید بهترین جمع بندی باشد. او مسجد را به عنوان «یک مکان اجتماع که در آن نماز اقامه و امور عمومی اداره می شود» تعریف می کند. به تعبیر ساده، مسجد یک ساختمان به اندازه ی کافی بزرگ است که جماعت مؤمنان را در بر می گیرد و از یک محل سر پوشیده برای نماز و یک مکان رو باز برای اجتماعات تشکیل شده و به سمت قبله ساخته شده است.

3-13) نشان های مسجد

ساختمان مناسب مسجد شماری نشان های اختصاصی دارد که آن را با لوازم ایمان می شناسند: در بیرون، یک منبع آب برای وضو آماده شده که مسلمانان می توانند با طهارت عبادی نماز بخوانند، و یک مناره در خدمت فراخوان مؤمنان برای نماز است. در حالی که در درون، یک طاقچه ی خالی کوچک (محراب) در مرکز دیوار قبله، سمت نماز را نشان می دهد، و در مساجد همگانی جمعه (جامع ها) یک منبر در سمت راست محراب برای پیشوای نماز (خطیب) قرار گرفته تا خطبه خود را ایراد کند. دیگر مشخصه ی اختیاری، عبارت از یک محل سربسته برای حاکم (مقصوره)، یک سکو برای خواننده «جهت دادرسی» (دکه)، و یک میز خطابه برای قصه گو (کرسی) است.

براین نکته باید تأکید ورزید که مسجد منحصرأ یک مکان مذهبی نیست، بلکه صحن مسجد مانده میدن عمومی یونان باستان یا مکان اجتماعات روم، مکان مطلوب برای گرد همایی عمومی است، که در آن، خطبه ی جمعه همواره مسائل سیاست، جنگ و مذهب را مورد توجه قرار داده است، و همین طور جمعیت برای خلفا و والیان ابراز احساسات نموده اند، قاضیان جلسه ی دادگاه تشکیل داده اند، بیت المال نگه داری شده و امر تعلیم دایر بوده است. مسجد بر خلاف یک کلیسا، نه تنها خدمات مربوط به ازدواج ها و تولد ها را ارائه نمی دهد، که اسلام آیین اعتراف و مراسم پذیرش به عضویت مسجد را هم مقرر نکرده است.

3-14) مناصب مسجد

از نظر تاریخی مساجد از راه اموال اهدایی (وقف) تأمین هزینه شده اند که از سوی یک متولی (ناظر) اداره می شود که به مدیریت منابع مالی مسجد و تعیین هیأت (امنای) آن نیز نظارت می کند. از آنجا که اسلام کشیش و آیین عبادت کلیسا ندارد، مقامات مسجد کم شمار بوده و وظایف آنها ساده و روشن است.

1. امام یا پیشوای نماز، مهمترین منصوب است. در صدر اسلام، حاکم خود این وظیفه را به عهده می گرفت. او رهبر حکومت، فرمانده جنگ و امام جماعت بود. در روزگار عباسیان، زمانی که خلیفه به مدت طولانی نمازها را برگزار نمی کرد، یک امام جماعت حقوق بگیر منصوب شد. در حالی که هر مسلمان سر شناس یا تحصیل کرده می تواند افتخار امامت نماز ها را داشته باشد، هر مسجد مخصوصاً مردی را که در موضوعات الهیات بسی ماهر است، نصب می کند تا در مقام امامت مسجد انجام

وظیفه کند. او مسئولیت فعالیت های مذهبی مسجد را بر عهده دارد و وظیفه ی اوست که پنج بار در روز جلوی محراب نماز گزارد.

وظیفه امام جماعت برای یک امام که معمولاً شغل دیگری مانند قضاوت، آموزگاری، یا مغازه داری دارد، یک حرفه نیست و این عنوان دایر مدار شغل است نه شخص.

2. خطیب یا واعظ جمعه، نیز یک منصوب مذهبی است. این شغل بسان امام جماعت به تدریج از زمانی شکل گرفت که خلیفه ی عباسی به مدت طولانی خطبه های جمعه را ایراد نکرد. مردی تحصیل کرده در موضوعات دینی، منصوب گشت تا نماینده ی حاکم باشد. اغلب قضات، به عنوان خطیب برگزیده می شوند و این شغل معمولاً موروثی است.

در مساجد بزرگ شماری خطیب منصوب شده اند تا به یکدیگر کمک کنند. در حالی که در مساجد کوچکتر وظایف خطیب و امام می تواند تلفیق شود. در کنار خطیب، واعظ و قاص «قصه گو» به عنوان مبلغ ارشاد گر، به طرزی متفاوت فعالیت می کند.

3. مؤذن نماز های پنج گانه ی روزانه و عبادت ظهر جمعه را به مؤمنان اعلام می کند. بر طبق سنت، اذان (اعلام) در نخستین سال آغاز دوره ی اسلامی وضع شد. بلال حبشی برده ی آزاد شده ی پیامبر (مشهور در داشتن صوت دلنواز)، نخستین مؤذنی بود که مؤمنان را به نماز فرا خواند. در آغاز مؤذنان از بالای مسجد فرا می خواندند، تا اینکه اذان به سرعت یک جایگاه رسمی در مأذنه (مناره) به دست آورد.

تا قرن بیستم مؤذن روزی پنج بار بر فراز مناره می رفت تا فراخوان نماز را ندا دهد. اما با رواج بلند گویای الکتریکی و اذان های ضبط شده، هنر خیلی پیشرفته ی مؤذن دیگر ضروری نیست.

مؤذنان که منصبشان گاه موروثی بوده، تحت رؤسای «مسجد» سازماندهی می شوند که در اهمیت پس از امام قرار دارند. مؤذنان همچنین در مواردی وظیفه ی موقت را انجام می دهند؛ یعنی اختر شناسی که قبله را تعیین می کند.

نهادهای صدر اسلام احداث مسجد، به عنوان وظیفه ی حاکم تلقی می شد، اما با گسترش اسلام، والیان شهر ها این نقش را بر عهده گرفتند و تابع افراد غیر دولتی بودند.

ساختن مساجد، یک وظیفه ی دینی و اجتماعی شمرده می شود؛ یک حدیث گزارش می کند که پیامبر فرمود: «هر کس مسجدی بسازد، خداوند یک خانه در بهشت برای او بسازد.» و از باب اظهار شهرت و اعتبار «از سوی بانیان»، شمار مساجد به نحو شگفت انگیزی افزایش یافته است. برای نمونه گاه شماران و مسافران سه هزار مسجد برای بغداد سده ی چهارم، دویست و چهل و یک مسجد برای دمشق در سده ی هفتم و دوازده هزار مسجد برای اسکندریه در سده ی هفتم، گزارش می کنند.

3-15) کارکردهای مختلف مسجد:

مسجد افزون بر کارکرد های دینی و سیاسی، همواره به عنوان یک کانون فعالیت اجرایی، حقوقی و آموزشی خدمت کرده است. در حال که کار اصلی حکومت اسلامی بی درنگ پس از شروع، از مسجد به دیوان یا مجلس مخصوص انتقال یافت، انجام امور مربوط به دارایی عمومی در مسجد باقی ماند و خزانه ی عمومی (بیت المال) در آنجا نگه داری شد. بدین سان در عصر پیامبر، مسائل حقوقی در مسجد حل و فصل می شد. در همان اوایل سال 22 و 23 هجری - قاضی قسطنطنیه، جلسا ت خود را در مسجد برگزار کرد و در قرن چهارم منابقا ضید مشقیر و اقویژ هدر صحن مسجد «بنیامیه» به خود اختصاص داد.

زمانی که قضات به طور رسمی به محاکم قضایی منتقل شدند، مسجد به صورت مرکز مطالعات حقوقی باقی ماند. سرانجام مسجد از طریق درس محافل (حلقات) که به طور سنتی در صحن مساجد برپای ستون ها گراگردد معلمان جمع می شدند، به عنوان پایدارترین مرکز آموزش در اسلام ایفای نقش کرده است. برخی مساجد مانند مسجد المنصور در بغداد یا مساجد اصفهان، مشهد، قم، دمشق، و قاهره مرکز فراگیری علم برای متعلمان از سراسر دنیا شدند. تعلیم در مساجد، حتی پس از گسترش مدارس که در آنها آموزش دایم، مورد تأیید دولت و با هزینه دولت عرضه می شد، ادامه یافت. در دوران معاصر، کارکردهای سیاسی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی مسجد عمومی، از سوی نهادهای تخصصی کنترل می شود.

3-16) مسجد وجنبه های عبادی آن

در کتاب قرآن کریم الهی نیز رونق مساجد تا بدانجا مهم شمرده شده که یکی از راز های تشریع فریضه ی «جهاد» پاسداری از پرستش گاه پر عظمت در برابر یورش حاکمان خودکامه و ستمگراست؛ زور مدارانی که چون بر تخت نشینند، به انهدام و ویرانی مساجد همت می گمارند و در راستای رکود و کاستی آن از هیچ تلاش شومی فروگذار نمی کنند. راز این امر روشن است؛ آنان باتوحید و یکتا پرستی در ستیزند و مسجد، تجلی گاه توحید و بنیان برافراشته ای است که با قامتی به بلندای همه ی تاریخ، طنین افکن سروش توحید بوده است.

(وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا...)

و کيفر این افراد را خذلان و خواری دنیا و عذاب الهی در سرای جاودانه دانسته است.

مسجد در آیین اسلام ناب و پاک محمدی (ص) مرکز نشر معارف بلند آمانی نیز هست. خدا جو یان و حق طلبان، گوهر گرانبهای آشنایی بادین و فهم آن رادر این مرکز مقدس به دست می آورند و دین را چنان که هست از زبان روحانیان دین باور و دانشمندان متعهد اسلامی فرا می گیرند. زمزمه ی آیات جانفزای قرآنی، آگاهی بر گوشه ای از راز های پنهان کلام الهی، تفسیر و تبیین معارف و احکام آسمانی در این مقر والا صورت می پذیرد. مسلمانان، علوم اسلامی گوناگون، از فقه و حدیث، تفسیر و عرفان گرفته تا تاریخ و مسائل اجتماعی-سیاسی رادر خانه ی خدا، کانون مبارزه با جهل و نادانی است. سدی است شکست ناپذیر در برابر امواج ویرانگر و بنیان براندازی که فرهنگ و اندیشه ی دینی را هدف قرار می دهد. متأسفانه با وجود این همه جلالت و منزلتی که مسجد داراست، نقش و جایگاه مهم آن حتی بر مسلمانان پوشیده و ناشناخته مانده است.

3-17) راز نام گذاری مسجد

قرآن کریم علت نامگذاری «مسجد» را چنین می داند:

مسجد را «مسجد» گویند؛ زیرا محل سجده و مقر تواضع در پیشگاه خداوند متعال است. سجده مظهر بندگی و تعظیم در برابر حق تعالی می باشد و در میان تمامی عبادت ها حتی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه ای برخوردار است. بنابراین مسجد به معنی محل سجده و نماز در واقع، به مفهوم جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال می باشد.

در قرآن کریم از مسجد به عنوان «بیت الله» نیز یاد می شود.

راز این نامگذاری آن است که مردم در این مکان به سوی خداوند متعال تقرب می جویند و با عبادت خالصانه و پر حضور به سوی او ره می سپارند همانگونه که انسان برای یافتن کسی او را در خانه اش می جوید، برای بار یافتن در محضر خاص

پروردگار وملاقات با وی نیز باید به مسجد که منزلگه اوست بشتابد. پس خانه ی خدا در حقیقت ،خانه مردم ومحل گرد آمدن آنها برای پرستش وبندگی حق تعالی است.

قرآن کریم همچنین کعبه را که برترین خانه خدا روی زمین است ،خانه ای برای مردم به شمار آورده و می فرماید:

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ).

خداوند متعال در آیه دیگری از قرآن کریم می فرماید:

(وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ).

3-18) مسجد ؛خانه ی ذکر ویاد خدا

قرآن کریم در جایی دیگر ،صریحاً مسجد را جایگاه ذکر ویاد خداوند متعال معرفی می نماید؛ آنجا که می فرماید:

(أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا).

(الَّذِينَ إِن مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ).

3-19) مسجد؛خانه ی تسبیح و ذکر مردان خدا

این نکته که مسجد جایگاه حضور مؤمنان برای ذکر و تسبیح خداست ،در آیه ای دیگر از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال می فرماید:

(فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ).

علامه ی بزرگوار، عارف بالله سید محمد حسن طباطبایی -رضوانا لله علیه- در تفسیر این آیه سخنانیدارند که حاصل آن چنین است:

مقصود از «رفع» در این آیه ،بالا بردن قدر ومنزلت مسجد، یعنی تعظیم وبزرگداشت آن است. اساساً عظمت وبزرگی از آن خداوند است. هر کس به همان میزانی که با خداوند پیوند ونسبت دارد، در عظمت وبزرگی با وی شریک است. پس اگر خداوند به بزرگداشت چیزی اذن می دهد، در واقع با توجه به پیوند وارتباطی است که از آن چیز با خداوند متعال پیدا کرده است. از آنچه ذکر گردید روشن می شود که راز تعظیم مسجد صفتی است که پس از کلمه ی «مسجد» ذکر گردیده وآن «بردن نام خداوند در مسجد» است.

درباره ی کلمه ی بیوت نیز ایشان می فرماید: «قدر مسلم از معنای آن ،همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست وبه همین منظور بنا شده». ایشان به هنگام بحث از روایت هایی که پیرامون این آیات وجود دارد نیز با ذکر روایتی می فرماید: «خانه های پیامبران وائمه (ع) نیز از مصادیق کلمه ی بیوت است».

همانگونه که ملاحظه می شود در این آیه نیز وصفی که برای مسجد ذکر شده آن است که در مساجد نام خدا برده می شود و مردان خدا برای تسبیح حق تعالی در صبح و شام بدان روی می آورند و این نکته به روشنی آشکار می شود که رسالت اولیه و اساسی مسجد در اسلام، کانون عبادت، ذکر و تسبیح خداوند متعال بودن آن است.

3-20) آبادانی مساجد از دیدگاه قرآن

(إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...).

مساجد الهی را فقط کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورد و نماز به پا دارد و زکات بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد. امید است چنین گروهی هدایت یابند.

منظور از آباد ساختن مساجد در منظر قرآن، صرفاً آبادی ساختمان نیست، بلکه به معنای اجتماع و شرکت در مساجد نیز میباشد. بنابراین، مشرکان نه حق شرکت در مساجد را دارند و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آنها را. عمران و آبادانی مسجد به هر شکلی که باشد، باید به دست مسلمانان انجام گیرد. البته متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از بین پاکترین افراد انتخاب شوند. باید دست های ناپاک را از تمام این مراکز مقدس کوتاه کرد.

از روزی که گروهی از زمامداران جبار یا ثروتمندان آلوده و گنهگار دست به ساختن مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح معنویت و برنامه های سازنده در آن مسخ گردید. از این رو میبینیم که بسیاری از این گونه مساجد، در کشورهای اسلامی، شکل مسجد ضار به خود گرفته است؛ یعنی ساختمان های عظیم و باشکوه و دارای جلوه های ظاهری و زیبا، اما درون تهی و بی روح.

فخر رازی درباره ی ارتباط زکات و عمارت مسجد می نویسد: «اعتبار اقامه ی نماز و پرداخت زکات در عمران و آبادی مسجد، گویی دلالت بر این دارد که آبادی مسجد به حضور در آن است؛ زیرا وقتی انسان نماز گزار باشد در مسجد حضور ب هم می رساند و مسجد را رونق می بخشد و وقتی زکات دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات به مسجد روی می آورند و بدین وسیله، این مکان معنوی آباد می گردد».

3-21) تأکید پیشوایان دین بر جنبه های عبادی مسجد

آراستن مساجد با طلا، نقاشی کردن مسجد، خرید و فروش، قضاوت کردن و اقامه ی حدود در مسجد، راه دادن دیوانگان و خردسالان به مسجد، بلند کردن صدا و به زبان آوردن سخنان بیهوده، اعلام اشیای گمشده و پیداشده در مسجد و اموری از این دست، هر کدام می تواند انسان را از توجه شایسته به نماز و عبادت باز دارد.

از چنین سخنانی به روشنی استفاده می شود که مسجد در اسلام، محلی برای عبادت و یاد خداست. لحن این گفتارها نشان می دهد این نکته که مسجد به عنوان یک مرکز عبادت و بندگی خداست، آنچنان در باور و اندیشه ی مسلمانان روشن بوده است که پیامبر (ص) تنها به بیان اینکه «مسجد را برای این کارها نساخته اند» اکتفا نموده اند. گرچه در مواردی، برای بیدار نمودن غافلان، به نقش و رسالت اولیه ی مسجد تشریح شده است. پیامبر (ص) خطاب به کسی که در مسجد شعر می سرود، فرمودند:

«...إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»؛...مساجد را برای قرآن خواندن ساخته اند.

3-22) مسجد الحرام قلب جهان اسلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ)؛ نخستین خانه ای که برای مردم بنا شد، همان است که در مکه می باشد؛ جایی که سبب برکت و هدایت برای جهانیان است. بنابراین، نخستین کانون توحیدی و عبادی با سابقه ترین مکانی که مردم در آن به عبادت مشغول بودند و با پروردگار خویش نیایش می نموده اند، خانه ی کعبه است؛ همان جایی که قبله ی تمامی مسلمانان بوده است و مراسم عبادی سیاسی حج راکثیری از مسلمانان در آن به جای می آورند. براساس تأکید قرآنی، این مکان از سوی خداوند کانون امن و امان اعلام شده و مقررات مهمی برای تحقق این موضوع از سوی شارع مقدس وضع گردیده است که رعایت آنها الزامی و اجتناب ناپذیر است.

ساختمان کعبه در میان مسجدالحرام قرار دارد که در حقیقت منشأ تأسیس شهری به نام مکه گردیده است؛ معراج پیامبر اکرم (ص) از مسجد مذکور بود که بر مساجد دیگر برتری و فضیلت دارد و طاعات و عباداتی که در آن به جای آورده می شود ثوابی فزونتر در پی خواهد داشت.

برای هر فرد مسلمان در هر نقطه ای از جهان که باشد، مسجدالحرام و خانه ی کعبه مفهوم خاصی دارد. دست کم اودر پنج نوبت در شبانه روز، از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه مکه می نماید، همه ی نگاه ها به هنگام نماز متوجه جهتی می شود که همان قبله گاه مسلمین است. در واقع، همه ی نگاه ها از هر نقطه دایره بزرگ شهر اسلامی که متوجه مرکز ثقل می شود، بر نگاه دیگر اصابت می نماید، اما مانند انعکاس در آینه، که جنبه مذهبی و اجتماعی فوق العاده مهمی دارد. این فضای والا و متعالی که در مکه واقع است، معرف نظامی از اصول، ارزش ها و معیارهای مقدس، اما مشخص و دقیق است. این برنامه ی اصلی را بر جامعه ی اسلامی حاکم می کند که فراتر از زمان و مکان جغرافیایی است و امت واحد را در اذهان تداعی می نماید. جامعه ای که یک سری آداب و روش زندگی را مشترکاً رعایت می کند، روی به سوی قبله ی واحد می آورد، که اگر استمرار یابد، همان بنیان مرصوص را که قرآن بر آن تأکید می کند به وجود می آورد؛ وحدت استواری که می تواند بر معماری شهرها و محل سکونت مسلمانان اثر بگذارد و مکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم پدید آورد. پرفسور نجم الدین یمات (1985-1922م) می نویسد: «مکه تنه یک جهت است برای نماز گذاردن و مکانی است برای تجمع و برای زیارت نه یک پایتخت. مکه مرکز جهان اسلام می باشد، زیرا محور کلیه مسیرهاست البته نه به صورت مرکزی دولت...».

مکه در واقع شهر عبور است؛ در و خله ی اول، یک سفر معنی می دهد و جاده ای برای مؤمنان و کاروانیان گذشته و مسافران امروزی که از همه ی نقاط دنیای اسلام به آنجا می آیند. اعراب بدوی گروهی هستند در میان بقیه، عده ی بیشماری از آفریقا و آسیا و از تمام مناطق دنیا بدین سومی آیند، ترکستانی ها در کنار افغانی ها، پاکستانی ها و اندونزیایی ها دیده می شوند؛ همچنان که از ایران و مالی و فیلیپین به جمع مسلمانان می پیوندند. در هیچ مکانی مانند مکه وجود امت واحد به این شکل احساس نمی شود؛ جامعه ای متحد در حرم امن الهی در مسجد الحرام و سایر مکان های مقدس مکه که وجه مشترک آنان مراسم حج است و راز و رمز فروزانی در آن نهفته است. اهل معرفت و اصحاب بصیرت در اینجا حکم توحید را از سر به علن و از باطن به ظاهر سرایت می دهند و جهات گوناگون خویش را در وحدت فانی می نمایند. از این رو، راز «لا شرقیه لا غربیه» را در می یابند و با توجه ظاهری به عین کعبه حق راباتمام وجود و همراهی با جمع کثیر مشاهده می نمایند.

3-23) مسجدالنبی و پرتو پرتابش آن

آنچه که مکه و مدینه را مکمل هم می کند این است که مکه یک جهت و مرکز حج و زیارت به سوی مکانی بالاتر است و مدینه جاگاه مسجدی است که خاتم رسولان آن را بنیان نهاد. این شهر مرکز حکومت اسلامی و کانون تلاش های فرهنگی-اجتماعی

پیامبر اکرم(ص) گشت. این مکان با ورود پیامبر به آن، از یثرب به شهر پیامبر تغییر نام یافت و با اشتیاق تمام به آن حضرت و اصحابش(مهاجرین) پناه داد. انتخاب این محل برای اقامت و هجرت بدان سوی از سوی رسول اکرم(ص)، یک تصمیم شخصی نبود، بلکه به مشیت الهی وابسته بود. اولین تلاش آن مصطفای پیامبران در مدینه، ساختن یک مسجد بود. در نخستین سال هجرت، بنای مسجد النبی با سنگ و گل آغاز شد و در نهایت سادگی احداث گردید. ستون‌هایش تنه‌ی درخت خرما و سقف آن از شاخه‌های و برگ‌های گیاهان پوشیده شده بود. کف آن با حصیر مفروش و بدون هر گونه آلاچی برای عبادت پیامبر و یاران و اصحابش آماده شد. در ادوار گوناگون، خلفا و امیران مسلمان بر توسعه و تأسیسات مسجد النبی افزودند تا بتدریج شکل کنونی را بدست آورد که شامل دو قسمت قدیم و جدید می‌باشد. این بنای مقدس به همراه بارگاه مقدس نبی اکرم(ص) بر سیمای شهری و معابر و فرایندهای اجتماعی - فرهنگی مدینه تأثیر قابل ملاحظه گذاشته است. مدینه بهر کتچنین بناهای مبارک و مساجد و اماکن مذهبی دیگر، حرمت فوق العاده‌ای به دست آورده است. به همین دلیل، شکار، قطع اشجار و کندن بوته در این ناحیه و حوالی آن، همچون مکه حرام است و رسول خدا فرموده اند: «حضرت ابراهیم مکه را حریم قرار داد و برای مردمش دعا کرد. من نیز مدینه را حرم امن قرار دادم.»

بهترین خیابان‌های مدینه و طولانی‌ترین آنها در غرب مسجد النبی قرار دارد که بناهای باشکوهی را در خود جای داده است. خیابان‌ها و کوچه‌ی مهم دیگری از مسجد النبی با سایر معابر و مناطق مسکونی تجاری مدینه ارتباط می‌یابد و گویی تابش درخشان این فضای مقدس مدینه را در موجی از ابهت، صلابت، معنویت و مباهات قرار می‌دهد.

نکته جالب این است که حضرت رسول اکرم(ص) برای آنکه آمیختگی مسجد را با زندگی اجتماعی مردم نشان دهد، خانه و مسجد را در یک واحد معماری برپا کرد و خانه‌های صحابه و مهاجرین و انصار در اطراف آن استقرار یافت. تعداد بسیاری از مسلمانان زاهد و اهل تعبد تحت عنوان «اهل صفه» در حوالی مسجد می‌خوابیدند. در کنار مسجد خیمه‌ای به عنوان بیمارستان برپا شد و مکانی به امور نظامی اختصاص داشت؛ زیرا دین مبین اسلام تمامی ابعاد زندگی بشر را در بر می‌گیرد و از این روست که تمامی ساختمان‌های مهم اجتماعی و عمومی و حیاتی در اطراف مسجد النبی تمرکز می‌یابند.

3-24) مسجد، اولین بنای شهر کوفه

شهر کوفه در سال هفدهم هجری در جایی بین حیره و فرات که آب و هوای بری و بحری داشت به عنوان دارالهجریه و منزل الجهاد احداث گردید. منظور از عمران این شهر آن بود که محل دایمی برای اقامت رزمندگان اسلام، که مشغول فتوحات شرقی بودند، فراهم آید.

اولین بنای کوفه مسجد آن بود که توسط مهندسی ایرانی به نام روزبه طراحی شد. وی برای این مکان طرحی ریزطخت که شامل دو قسمت می‌شد؛ در بخش اول، مسجد وسیعی قرار می‌گرفت که رواقی به مساحت دویست ذراع با ستون‌های مرمر و سقفی هموار داشت. خندقی اطراف مسجد حفر نمودند تا مردم در داخل و در نیز حریم آن بنایی نساژند. در سطح شهر پانزده راه اصلی ساخته شد که تمامی آنها به کانون مهم شهر، مسجد، ختم می‌گردید. پنج معبر از پشت صحن مسجد، چهار معبر از سوی قبله، سه معبر از سمت شرق و سه معبر از مغرب مسجد عبور داده شد. اطراف این معابر اصلی را براساس اهمیتی که برایشان قائل بودند، ناحیه بندی کردند و آنکه برحسب اهمیت، مشخصات و موقعیت اجتماعی قبایل برای خانه سازی میان سکنه کوفه تقسیم گردید. طبری می‌نویسد: هنگامی که اراده‌ی ساختن شهر کوفه را کردند، اولین چیزی که نقشه‌ی آن ترسیم و بنا گردید مسجد بود. مردی در وسط ایستاد و از چهار طرف تیری پرتاب کرد تا حدود چهارکانه‌ی مسجد تعیین گردد. مسجد در

زمین چهار گوشه بود که از هر طرف کشیده بودند و در جلوی آن رواقی ساخته شد. همین اعتقاد به بنای مشخصی برای عبادت، اثری ژرف در طرح و نقشه ی کوفه گذاشت. از این رو، محله ها، بخش ها و اجزای شهر در بافتی یگانه با مسجد جامع پیوستگی و پیوند تنگاتنگی برقرار نمودند.

حتی در گسترش و توسعه ی شهر و انتقال پاره ای از نقش های چند گانه مسجد به خارج از آن، باز هم در جایگزینی فضایی و تعیین مقر این نهادها، سهولت ارتباط با مسجد همواره از اولویت کامل برخوردار بوده است. عنصری که به فضای مرکزی شهر شکل می داد «رحبه» بود. این واژه وسعت راتداعی می کند؛ می دانی در گستره ی شهر که جز در مواردی خاص به اشغال در نمی آید. این فضا در جنوب غربی مسجد قرار داشت. در منابع روایی شیعه، میدان مذکور بانام حضرت علی (ع) همراه است؛ زیرا وقتی کوفه را به عنوان مرکز حکومت برگزید، در گوشه ای از این فضا خانه ای محقر بنا نمود و از اقامت در مقر شهر احتنا ب کرد. رحبه نقش مهمی برای مراسم اجتماعی – سیاسی و آمادهاش نظامی داشته و بیشتر به مسجد تعلق دارد و جزئی از آن محسوب می شود. در قرن اول و دوم این فضا در مجاورت مساجد قابل مشاهده بوده است. در سال 145 هجری به هنگام قیام شیعیان در مدینه، حاکم وقت به مردان مسلحی که به یاریش آمده بودند فرمان داد تا زمان سرکوبی مخالفان، در رحبه اقامت نمایند. این منطقه که در برزخ بین مسجد و محلات مسکونی قرار داشته، مظهر تعمیم یافته ی ساختار شهری بوده است؛ جایی که همه ی سنت های ویژه به هم پیوند می خوردند. آنچه مسلم است این که طرح اولیه ی کوفه از نظمی خاص پیروی می کرده، می توانسته به ایجاد شهری بزرگ دارای فضای باز و هندسی بینجامد. توسعه ی آن دایم تحت کنترل بوده و برای جلوگیری از فشردگی، از جهت طولی به پیشرفت ادامه می داده است.

اما در دهه ی بعد، کوفه از این ساختار فاصله گرفت و روندی معکوس و درهم ریخته را پیش گرفت. گستره ی مرکزی شهر که خندقی آن را محدود می کرد و منطقه ای ممنوعه بود که کسی حق ساختن خانه ای در آن را نداشت، به زودی توسط مالکان خصوصی، که غالباً از افراد اموی و از نزدیکان حاکم و در واقع، معاون زیاد و فرزندش عبیدالله بودند، مورد دست اندازی قرار گرفت و به این وسیله مقدمات برهم خوردن سیمای شهر کوفه، که تا پیش از آن نظم و انسجام خود را بر حول محور مسجد حفظ می کرد، فراهم آمد.

مساحت کنونی مسجد کوفه بالغ بر 40000 متر مربع می باشد و ساختمان آن شمالی جنوبی است و به مرور ایام تغییرات مهمی در شکل ظاهر و وسعت مسجد صورت گرفته است. از نخستین روز تأسیس بنا، مسجد کوفه دارای اهمیتی زایدالوصف در زمینه ی عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است. موقعیت خاص حکومت ها همچنان که سرنوشت کوفه را دگرگون می ساخت، در درجه ی اهمیت مسجداثر می گذاشت. اوج توجه به آن در ابعاد گوناگون در زمان خلافت حضرت علی (ع) بود. این مسجد همچون مسجدالنبی رفته رفته به صورت مرکز علمی و فرهنگی پر جوش وفعالی در آمد و جایگاه بحث و تدریس هزاران جوینده ی دانش گردید و در آن دهها حلقه ی درس تشکیل می شد. مسجد کوفه از نظر اجتماعی و سیاسی اغلب پایگاه قدرت نمایی موافقان و مخالفان دستگاه حکومت به شمار می رفته است و به دلیل نزدیک بودن به دار العماره، والی شهر نسبت به آن حساسیت ویژه ای داشت.

در شرافت و مقام بالای مسجد کوفه همین بس که یکی از چهار مسجدی است که طبق دستورات اسلامی به مؤمنان توصیه شده است تا هجرت کنند و خود را به این چهار مسجد برسانند. این مساجد عبارتند از: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدالاقصی و مسجد کوفه. بنا به روایت مستند، در مکان کنونی مسجد کوفه پیش از خلقت آدم، فرشتگان عبادت می کردند و محلی است که مشمول برکات خداوند شده و جایگاه عبادت آدم و سایر انبیاء، اولیا و صادقین بوده است.

منابع روایی تأکید کرده اند وقتی حضرت مهدی (ع) قیام کند کوفه را مقر حکومت خود قرارداد و پرچم حق و عدالت را در این دیار به اهتزاز در می آورد. امام صادق (ع) نیز فرموده اند نماز خود را در مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد کوفه و حرم امام حسین تمام بخوانید. برای مسجد کوفه فضایل و اعمالی ذکر شده که در کتب ادعیه چگونگی آن ها ذکر گردیده است.

3-25) سیر تاریخی جهاد مسجدسازی

توصیه به احداث مسجد و تأکید بر عمران و آبادانی آن از سوی رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع)، موضوعی است که در گسترش کمی و کیفی مساجد شهرها و روستاهای جهان اسلام تأثیر قابل ملاحظه ای داشته است. رسول اکرم (ص) فرموده اند: «ابنوا المساجد واجعلوها جما»؛ مساجد را بنا کنید و آنها را محل اجتماع خود قرار دهید. امام صادق (ع) متذکر گردیده اند: «من بنی مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة»؛ کسی که مسجدی تأسیس کند خداوند در بهشت برایش منزلی بنا می نماید. خاتم پیامبران آباد نمودن مسجد را از خصال اهل مروت دانسته و در جایی دیگر تأکید نموده اند عذابی که از آسمان فرود می آید خداوند متعال، بنیان و آباد کنندگان مساجد را از آن مصون می دارد. مسلمانان از صدر اسلام این توصیه ها را به کار بستند و برای احداث مسجد، آن هم به بهترین وجه و در مکانی مناسب و مرکزی، این کانون عبادی و معنوی را بنیان نهادند تا عطر روح افزای آن مشام جان و قلب مؤمنان را بنوازد. اولین مسجد در قبا، حومه ی مدینه بنا شد و سپس مسجد مدینه بنیان گردید.

رهنمودهای پیامبر به ساخت، نگه داری، دایر نگه داشتن و طهارت و رفتن به مسجد چنان شور و شوقی در اعماق دل مسلمانان پدید آورد که از همان صدر اسلام به ساختن مسجد در تمامی سرزمین های اسلامی به عنوان یک عمل با اجر عبادی مورد رضایت حق تعالی توجه می شد. هماهنگ با رشد و توسعه ی بلاد اسلامی مساجد به صور گوناگون در سطح زمین ظاهر گشت و به صورت یک شبکه یا نواری ویژه از پدیده های گوناگون شناخته شده ی جغرافیایی در آمد.

نخستین مساجد بسیار ساده ساخته می شد و نسبتاً کوچک می نمود.

دیواری گلی و چند تنه درخت خرما که سقفی از شاخه های خرما داشت. در واقع، هدف این بود که نمازگزاران در مقابل تغییرات شدید جوی حفظ شوند. این پدیده با نمونه ی قدیمی تمام مساجد متداول زمان که دارای یک صحن و یک حرم بود مطابقت داشت.

کریستین پرایس می نویسد: نخستین مسجدهای عربستان به روزگار حضرت محمد (ص) محدوده های مستطیلی بود که یک سوی آن برای پرهیز از باد و باران سقف داشت. در اتاق سرپوشیده نه محرابی بود و نه مجسمه ای از پاکان. گذاشتن مجسمه و تصویر موجودات زنده در مسجدها حرام بود. اثاث مسجد نیز مانند ساختمانش ساده بود. در حیاطش حوضی بود که مؤمنان در آن وضو می گرفتند. به شبستان یا جایگاه نماز با پای برهنه می رفتند.

به زودی احتیاج به داشتن بناهایی استوار احساس گردید و به معماران وسعت بیشتری برای مسجد سازی داده شد. به تدریج ساخت رواق، محراب، ایوان، گلدسته و گنبد متداول گردید و ساختن مساجد با شکوه، با عظمت و با معماری های پرجاذبه فصل جدیدی در احداث این بنای مقدس گشود و رفته رفته ساخت آن در مقیاس عظیم در تمامی سرزمین های اسلامی مرسوم گشت. صرف نظر از ویژگی های اقلیمی و چگونگی پیدایش شهرها و موقعیت اجتماعی آنها و جنبه های کاربردی هر شهر، تلاش گردید نه تنها در شهرهای قدیمی و آبادی های جدید، مسجد سازی برای حفظ شعار دینی امری عادی تلقی گردد، بلکه به

منزله ی یک امر ضروری برای حفظ شئون سیاسی واجتماعی سلزنده ی آن به شمار آمد. در زمانی که اوضاع مناسبی برسرزمینی حکمفرما بود، شمار مسجد فزونی می یافت.

از جمله شهرهای قاهره، اسکندریه، بغداد و بصره در سده ی آغازین اسلامی به داشتن مساجد متعدد و باشکوه شهرت یافتند. در واقع، بالندگی هر شهر به شمار وشکوه مساجد وابسته بود. ناصر خسرو می نویسد: «و در شهر مصر - غیر قاهره - هفتجامع است، چنانکه به هم پیوسته، و بهر دوشهر پانزده مسجد آدینه است که روز های جمعه در هر جای خطبه و جماعت باشد. در میان بازار مسجدی است که آن را باب الجوامع گویند و آن مسجد به چهارصد عمود رخام قائم است و آن دیوار که محراب بر اوست سرتاسر تخته های رخام سپید است و جمیع قرآن ها بر آن تخته ها به خطی زیبا نوشته و از بیرون به چها حد مسجد بازار هاست و درهای مسجد در آن گشاده و مقربان نشسته و سیاحتگاه آن شهر بزرگ مسجد است و هرگز نباشد که در او کمتر از پنج هزار خلق باشد.

3-26) شکوه معنوی شهرها

از سال 134 هجری مسلمانان توانستند بر اسپانیا مستقر شوند و سلسله ی مستقل را در این ناحیه تأسیس نمایند. در پرتو حمایت فرمانروایان حاکم بر این منطقه، سبکی ممتاز و اسیل در معماری اسلامی پدید آمد که بزرگترین اثر بر جای مانده از آن، مسجد غرناطه است که بنای آن از سال 163 هجری آغاز و در ادوار بعدی پیوسته ساختمانی بدان افزوده شد. جایی که محراب قرار داشت امروز دارای نوزده شبستان و سومین مسجد بزرگی است که هنوز پابر جای مانده است. به جز این مسجد آثاری تاریخی که از دوران اسلامی در قرطبه باقی مانده، مسجدی کوچک به نام «باب مردم» و شهر کاملی که آن را «مدینه الزهرا» می گفتند و بعد ها متروک گردید در این قلمرو وجود دارد.

از حفاری هایی که در این شهر پدید آمده، استفاده می شود که در آرایش دیوارهای منازل و گچبری های ساختمان های مسکونی، به خصوص سقف مسطح خانه ها، از مسجد قرطبه الهام گرفته شده است.

پریس در این باره نوشته است: مایه ی سرافرازی قرطبه مسجد جامع آن بود که یکی از مقدسترین مکان ها در نزد مسلمانان مغرب به شمار می رفت. زائران مسلمان از سرزمین های دور و نزدیک راه قرطبه را پیش می گرفتند و از میان کوه ها و دشت های سرسبز اندلس می گذشتند. این شهر در دامنه ی شمالی وادی الکبیر است، خانه ها و باغ ها و بیشه های آن در بیرون بارو بود و در دوسوی آن رود گسترده شده بود.

مناره های بلند مسجدها را همچون راهنمایی برای زائران برافراشته بودند و از پل بلند بیرون شهر به چشم می خوردند. یک خیابان کوتاه و سرایشیب از پل آغاز می شد و به دیوار غربی مسجد می رسید. زائران چون از دروازه به حیات و از آنجا به شبستان مسجد می رسیدند، خستگی این سفر دراز از تنشان می رفت و به جهان شور دینی گام می نهادند؛ می توانستند از میان درهای بزرگ شمالی مسجد تا گوشه های دور دست شبستان را مشاهده کنند. ردیف های درخت های پرتقال سایه ی دلپسندی بر حیاط می افکند و قطار های تنه باریک در ختان تادرون ساختمان گویی ادامه می یافت، اما در درون ساختمان مسجد مبدل به ستون های مرمرین می شدند که تا محراب پشت سر هم قرار داشتند.

اگرچه اکنون مسجد مذکور تبدیل به کلیسا شده، اما هنوز به دشواری می توان چنین موضوعی را باور کرد.

شهر فاس به خودی خود نمونه‌ی کامل از شهری است که باتمدن اسلامی هماهنگی دارد. جدایی بین شهر و زمین های اطراف محسوس است. سبزیس سرامیک بام ها در نور خورشید می درخشد و در بابر سبزی متمایل به خاکستری درخت های زیتون قرار می گیرد اما جالبی فاس بدان جهت است که اماکن مقدس مذهبی و در رأس آن ها مساجد، به شکوه آن افزوده اند. مسجد القرویین سند محکمی است برای سنجیدن فاس در حالیکه سایر بناهای آموزشی آن را تکمیل می کنند. پلان شهر به صورت دواير متحدالمرکز است و مشاغل از مجاور مساجد قدیمی آغاز می شود. احمد سفرلویی نظم شهر را چنین تشریح می کند: «شهر فاس انعکاس مفهوم متافیزیکی خاص اسلام است، شهر پیرامون کانونی از زندگی مذهبی و اجتماعی بر پا شده است. در اینجا مسجد، حمام، مکتب خانه و محکمه ی قاضی قرار دارد. سپس نوبت به راسته بازارهای مربوط به مشاغل باارزش می رسد. متأسفانه اخیراً جغرافیای شهر تغییر کرده و ترکیب آن به هم ریخته و مساکن قدیمی قطعه قطعه گردیده و به صورت آپارتمان در آمده اند و بدین گونه سه چهارم شهر تجزیه شده است. بااین وجود، شهر فاس شایستگی آن را دارد که به دلیل غلبه ی فضاهای مذهبی و حفظ شکوه فرهنگ سنتی از نمونه های بارز شهرهای اسلامی باشد.

3-1-26) محبوب ترین و مهم ترین مکان

رسول خدا(ص) فرموده اند: «احب البلاد الی الله مساجدها»؛ محبوب ترین مکان ها در شهر ها مساجد هستند. این کلام گهربار آن خاتم رسولان در سیمای شهرهای جهان اسلام صورت عملی و عینی به خود گرفته است؛ زیرا مساجد مهمترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته اند. اهمیت مساجد در شهر ها به حدی بود که اگر جایی مسجد جامع یا آدینه نداشت، از اهمیت شهری محروم بود. مساجد جامع شهر های ایران را نه تنها به خاطر کارکرد و رابطه ی مستقیم و وسیعی که با همه ی اقشار اجتماعی دارند، بلکه بیشتر به دلیل شکل فضایی و در هم آمیختگی با پیوند های کالبدی یا بافت مسکونی، بازرگانی و خدماتی اطراف و نیز به دلیل واحد و قطب بودن، باید یک عنصر شهرسازی اولیه به حساب آورد. در زمان های گذشته مسجد جامع مرکز استقرار دینی شهری بوده که بخاطر مراجعه ی مستمر همه ی قشر های مردم و به دلیل خلوصی که می تواند بالقوه داشته باشد، کانون انتشار هر گونه آگاهی نسبت به شرایط عمومی شهروندان و نحوه ی زندگی و نظام اداری آنان محسوب می شده است و در همین مکان خبر های نشر یافته به بحث گذاشته شده و انعکاس آنها در افکار عمومی هم نقطه ی بازگشت خود را می یابد. اگر چه مسجد جامع مرکزی مذهبی است تا یک مرجع اجتماعی، اما شکل گیری افکار عمومی و جهت گیری اهداف مربوط به آینده ی شهر در این مکان صورت می گرفته است و به همین لحاظ مسجد جامع شهرهای ایران بیش از هر چیز بنیادی است اجتماعی و فرهنگی و مساجد جامع ایران در ارتباط با شرایط جغرافیایی و اقلیمی محل، تناسب و معادله ای مقبول بین سه نوع فضای سر پوشیده، نیمه باز، و باز عرضه می کنند. این مکان که معمولاً بزرگترین و همیشه معتبرترین مسجد شهر است، در پی افزایش نیاز به آن یا همراه با فزنی یافتن قدرت مذهبی مسلمانان شهرها توسعه یافته و بخشی از فضای مسکونی مجاور را ضمیمه ی خود کرده است. اگر چه با وجود رشد صنعتی و توسعه ی روابط اجتماعی – اقتصادی و پیرو باز الگوها، شهرسازی غربی، از قطب شهر بیرون مسجد جامع است. هنوز هم به تکیه اعتبار عقیدتی و احترام معنوی که برپایه آن وجود دارد، به عنوان نقطه ی عطف مذهبی منحصربه فرد شهر نقش خود را ادامه میدهد. هنوز هم گنبد و مناره ی مسجد بلندترین ساختمان بسیاری از شهری کویری و نقاط مرکزی ایران به شمار می آید. اگرچه کارکردهای متنوعی که این شهرها بر عهده دارند به همراه تغییرات آب و هوایی، پستی و بلندی، مصالح ساختمانی و ساختار فرهنگی و اجتماعی سیمای متفاوتی را عرضه می دارند، اما مایه ی سرافرازی آنان مسجد می باشد.

سازمان های دینی در شالوده ی زندگی شهری چنان اهمیتی به دست آوردند که مسجد جامع از ارکان اصلی نظام اجتماعی سیاسی شهر گردید و شخری را کامل معرفی کردند که عدالت در آن اجرا شود، دارای مسجد جامع باشد و نماینده ی حکومت یا مقرر دولت در آنجا استقرار داشته باشد. به همین دلیل، در آغاز معمول نبود در شهر های بزرگ بیش از یک مسجد جامع احداث گردد. ولی به تدریج این سنت شکسته شد و گاه پاره ای از شهر های بزرگ دارای جامع های متعدد بودند. ابن جبیر، سیاح مسلمانان که در اواخر قرن ششم از بغداد دیدن کرده است، درباره ی آن می نویسد: «هفده محله دارد که هر محله ای شهری مستقل محسوب می گردد، هشت محله ی آن دارای مسجد جامع است که نماز جمعه در آنها برپا می گردد.»

در شهرهای سلامی برای نمایش جلال معنوی و شکوه و بالندگی ظاهر مساجد بزرگ، به ویژه مسجد جامع، جهدی تمام به خرج می دادند. گرچه غالب این مکان های مقدس به فرمان حکمران یا توانگری صاحب نفوذ بنیاد می گردید، ولی اغلب کسانی که به گونه ای در ساختن بنا، طراحی و آرایش مسجد سهمی داشتند، به دلیل اعتقاد درونی و اشتیاق به معبود، در عمل از ایثار آنچه در توان داشتند دریغ نمی ورزیدند. همین ایمان و شوق آنان موجب گردید که معماری با شکوهی پدید آید و هنرمندان محلی با ابتکار و خلاقیت خویش رونق مسجد را بالا ببرند و بخش کوچکی از زیبایی های جهان هستی را، که جلوه ای از عظمت خداست، با آجرکاری های جالب، گچ بری ها، طاق ها و قوس ها و... در حد توان به نمایش گذارند. در حقیقت مردمانی با اخلاص و صداقت تمام از آب و نان خویش مایه گذاشته اند تا این بنا را بر پای دادند و آن را در طول اعصار و قرون از گزند بادهای شدید، تیغه ی سوزان آفتاب، ریزش های جوی، هجوم قبایل وحشی و تاخت و تاز های غارتگران حفظ کنند. پیوند فضایی مسجد در قلب شهر و یا مراکز محلات شهر با سایر عناصر فعال شهری و منزلت فوق العاده ای که این مکان نزد عامه ی مردم دارد، امتیاز مضاعفی بدان بخشیده و زمینه ی مناسبی برای کاربری آن به منزله ی جایگاه نهضت های رهایی بخش علیه اهل ستم فراهم ساخته است. بدین ترتیب، مسجد به عنوان مکانی مقدس و امن علاوه بر برقراری ارتباط با دیگر عناصر فیزیکی شهری در برقراری ارتباط با مردم، پناه دادن، هماهنگ کردن، بسیج نمودن و به حرکت در آوردن آنان در راستای اهداف اسلامی، از توان بسیار بالایی برخوردار بوده است. از این روست که در دهه های اخیر عوامل استکباری در راستای سیاست اسلام زدایی خود با ترفندهای گوناگون، از حمله تبدیل عناصر مذهبی شهر برای کاربردهای سودمندتر و یا تحت عنوان عمران شهر و رهایی از بافت های فرسوده و کهنه و بایهانه ی آلودگی زیست محیطی آنها، با تخریب بخش های حساس از عناصر مذهبی در صدد برهم زدن پیوستگی مسجد با دیگر فضاهای شهری و گسستن پیوند معنوی و روحی مردم با این اماکن بر آمده اند.

معماری اسلامی، نه عظیم به معنای شکوه آرمان ها و دست آوردهای تمدنی خاص است، چنانچه که در مورد رنسانس می بینیم، و نه مروج بیان ذهنی فرد، آنگونه که در معماری مدرن مشاهده می شود. تنها به این معنی عظیم و شگفت است که بناهای تاریخی خود را برای تعظیم خداوند بر می افرازد و هر یک از وجوه آن ها یادآور قدرت الهی است. هر چند معماری مقدس در اسلام، در مسجد تجلی می یابد، با این همه، مسجد هیچگاه از بقیه محیط شهری جدا نبوده است. اسلام زندگی پیروان خود را به قلمرو های مقدس و غیر آن تقسیم نمی کند؛ امور معنوی در همه ی مظاهر محیط شهری جاری است و همه ی مناسکی که در مسجد اقامه می گردد در خانه های مسکونی و سایر اماکن شهری به جای آورده می شوند. ساختار محیط متراکم شهری از همه طرف مسجد را همچون شمعی مقنئدس و فروزان در میان گرفته اند و همه به یک سوی گرایش دارند. به همین دلیل، معماری شهرهای مذهبی یا سنتی جهان اسلام آدمی را از کثرت جهان بیرون می آورد و به قلمرو توحید و یکتا پرستی سوق می دهد. معماری که ریشه در سنت مقدس دارد، به هنگام نظم دادن به فضا این نظم را از فضای مادی به بیان نظم مقدس گسترش می دهد.

3-2-26 نقش مسجد در بافت شهری

در مرکز شهر، مسجد جامع و فضاهای وابسته به آن، همراه با مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهر را به وجود می آورند. بعد از این بخش، معابر، محلات مسکونی، بازارها و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاص قرار گرفته اند، اما مسجد همچون چشمه ای با صفایویبارهای معنوی را به سوی اماکن جاری می سازد و نوعی فرهنگ پویایی دینی را تبلیغ می نماید.

فضاهای شهری، خانه ها و معابر از ارزش هایی تأثیر پذیرفته اند که در مسجد بر آنها تأکید شده است. خانه ی شخصی فضای داخلی بسته ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می آید، پنجره ها کمتر به خانه های مجاور و کوچه ها اشراف دارند، البته پنجره ها چنان مشبک تهیه گردیده اند که افراد داخلی بتوانند فضاهای اطراف و مناظر شهری را مشاهده کنند و بدون اینکه خودشان دیده شوند، مشغول تماشای بیرون گردند.

درب محکم و سنگین مزین به جفت و بست و میخکوبی، پیش از آنکه دروازه ای به سوی خیابان باشد، سدی در مقابل رهگذران و عابران در حال تجسس است. حتی کوچه ادامه ی خانه است و به عنوان دالان تلقی می شود تا آنکه معبری برای دادوستد، گردش و وقت گذرانی باشد. وانگهی دادوستد به بخشی مشخص، بازار یا سوق اختصاص دارد. در شهر های اسلامی کهن هیچ چیز در نخستین وهله میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی کند؛ چرا که یک پیوستگی و تداخل پیچیده ای بین مسکن اغنیا و فقرا موجود است. آنچه که محلات زیبارا از خانه های ساده تر تفکیک می کند وجود مجموعه های ساده متوالی و متحدالشکل است. حال آنکه در نوگرایی جدید، منطقه بندی و تقسیم بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را کاملاً ترسیم می نماید. در یک سو خانه های اشرافی با امکانات رفاهی بسیار افراطی و در سوسی ریگر، تراکم شدید شهر در منطقه ای فقیر نشین؛ در شهر اسلامی هر چه از اماکن های مذهبی و آموزشی فاصله گرفته می شود، دایره گسترده تر شده و از فشردگی آن کاسته می شود. البته می توان جابجایی قومی را در برخی محلات مشاهده کرد؛ همچون محله های یمنی نشین در اندلس یا اندلسی های ساکن در فاس و نیز محله مربوط به موریتانی ها در مدینه، اما همه چیز در فضایی منجسم و بدون بریدگی و گسستگی پیچیده شده است. شهر اسلامی در مجموع ناپایداری، فناپذیری، و موقت بودن امور مادی را ترویج می نماید و بر ارزش های معنوی تأکید دارد. همانگونه که بازار با همه اهمیت حیاتی، شکل مجلل و تشریفاتی به خود نمی گرفت و سوای نقاطی که لازمه ی تمرکز و تبادل فشرده بود، در ارتفاع رشد چندانی نمی کرد، مردم به خود اجازه نمی دادند مساکن خویش را بلندتر از مسجد قرار دهند و احتراو آن را در احداث فضاهای شهری کاملاً مراعات می کردند. مسجد نیز در ارتباط با معانی عقیدتی و محدودیت های مادی بی آنکه از قدرتش کاسته شود، ابعادی بیش از آنچه متعارف به حساب می آمد به خود نمی گرفت. سوای مسجد جامع شهر، که به دلیل اهمیت سیاسی خود در چهاچوب فرهنگی - اجتماعی نمی توانست از گرویدن به ابعادی بزرگ و به خصوص رشد در ارتفاع مصون بماند، سایر مساجد شهرها به شکلی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شدند که بیش از هر چیز تلفیق حجم هماهنگی محیطی و تداوم فضایی را برای شهروندان پیاده جلوه گر می سازند.

به جدارهای خارجی این مساجد معمولاً توجه چندانی نمی شود و صرفاً ورودی هایی که به مجموعه فضایی مسجد راه می دهند تزیین می گردند تا از راه ابعاد بزرگتری که دارا هستند، تمییز دادنشان به راحتی مقدور باشد. این دسته از مساجد هیچگاه فقط یک ورودی ندارند، در حالیکه می توان غالباً ورودی اصلی آن را تشخیص داد. در توجیه این نکته باید یادآور شد که راهیابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن، چه از شاخه های گوناگون فضای مسکونی مسجد و چه از شاخه های متفاوت بافت بازار، مطالبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند داده است.

در شهر های ایران،مساجد به همراه زیارتگاه هاوتکایا چنان در چشم انداز های فرهنگی مؤثر واقع می شوند که در غالب آنها،تنها ساختمان مرتفع شهری این اماکن هستند.همچنین در بافت شهری نقش مسجد آنقدر تعیین کننده وحساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه وتعریض باز می دارد،به پاره ای از مشاغل اجازه ی فعالیت نمی دهد ودر عین حال،برخی حرفه ها را به شدت جذب می کند.

شهری که با محوری مقدس احداث گردیده وسازندگان آن پیگیر تحقق معماری مذهبی بوده اند،جامعه ای را به یاد می آورد که باید منسجم ،صمیمی ،ومتحد باشند.در این صورت،تمامی شهر یک خانه را تشکیل می دهد.از این رو،برای نشان دادن جامعه ی شهری ،«بیت الاسلام» مطرح می گردد ودر واقع،بعدانسانی ومعنوی بر فضاهای فیزیکی وکالبدی توفیق می یابند.

در محلات سنتی در پرتو مشترکات درونی وهماهنگی افراد در برگزاری آیین های مذهبی وفرهنگی،که غالباً در مسجد محل بر پا می شوند،افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگر در خود احساس می کنند.بزرگ محل که معمولاً انسانی متدین ،سالخورده ودارای شهرت اجتماعی بالا ومنزلت والاست،در جهت اتحاد وایجاد تفاهم بین اهل محل می کوشد واز نزاع ها وکدورت ها تا حد امکان جلوگیری می نماید.ساکنان محل به احترام او رفتار خویش را اصلاح وکنترل می نمایند و می کوشند هنجارهای مذهبی وسنتی را حفظ کنند.همبستگی مذهبی و پیوند هایی که در مسجد محله استحکام واستمرار می یابد،مرز بندی های اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل می برد وگروه های غنی در کنار اقشار کم در آمددر نهایت صلح وصفای زندگی می کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی رارعايت نموده اند؛زیرا کوشیده اند در ساختن خانه،همسایه ی خویش را از نور ونسیم وفضای باز محروم نکنند وزمینه های نگاه توأم با گناه رادر ساخت وسازها فراهم ننمایند.

ورودی خانه ها وپوشش روی پلکانی که به بام منتهی می گردد،از محراب مساجد و آجر کاری ایوانهای اماکن مذهبی الهام گرفته اند.کمتر خانه ای را می توان مشاهده کرد که از مساکن مجاور ارتفاع بگیرد.در این محلات میزان جرایم ،بزهکاری،و کجروی

این نقش وکارکرد همچنان تا آغاز قرن چهارم اسلامی ادامه یافت.زیرا تا آن تاریخ غالباً مساجد در غیر اوقات نماز ، حکم مدارس را داشت .اگر چه پس از آن تاریخ با ساخت مدارس ومراکز آموزشی به تدریج آموزش های رسمی به آن مراکز منتقل شد ولی مساجد همچنان تعلیم وتعلم قرآن ،حدیث ومعارف اسلامی رااز راه خطابه ومنبر ادامه دادند.

نکته ی بسیار جالب وقابل توجه آن است که در روایتی که به اساتید متعدد ازشش تن از امامان ،نقل شده است،یکی از وظایف وکارکرد های مهم مسجد ،ارائه ی علم مستطرف یا مستظرف یعنی دانش نفیس ونومعرفی شده است.

علامه مجلسی علم مستطرف را دانستن بدیع ومعرفتی که برای افراد تازه وطریف است،معنا نموده است.

افزون بر این در این روایت دستیابی بر آیات محکم قرآن یا دانش اصول عقاید واستماع سخنانی که او را به سوی هدایت راهنمایی نموده یا از ضلالت وگمراهی باز می دارد،از مواهب، فواید وآثار حضور در مسجد بیان شده است.

براستی مگر نه آن بود که پیامبر آیات را در مسجد برای مردم تلاوت می فرمود وهرگاه دو حلقه تفقه وتعلم دریک سو ودر سوی دیگر حلقه ی ذکر ودعا را در مسجد می دید،بی درنگ به حلقه ی نخست می پیوست ومی فرمود:«من برای آموختن مبعوث گشته ام».

3-3-26) مسجد مرکز اصلی ترین تشکیلات حاکمیت سیاسی

به اعتراف همه ی پژوهشگران تاریخ، پیامبر با بنای مسجد مقدس نبوی، در حقیقت بنیان مرکزیت تشکیلات سیاسی خود را بنا نهاد و به تعبیر برخی از پژوهندگان تاریخ، اساساً پیامبر تلاش سیاسی تشکیل حکومت خود را با ساختن مسجد آغاز نمود.

پس از آن نیز همواره مسجد بارزترین مرکز تحقق آیه کریمه (و مشاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله) بود.

آری پیامبر اغلب شورای عالی سیاست گذاری کلان و خرد حکومت مقدس خویش را در مسجد تشکیل می داد و بدین سان بود که برتری سیاست های بنیاد شده بر فضای ملکوتی مسجد را به همگان آموخت و الگویی بی نظیر برای همیشه ی تاریخ در اداره ی امور مردم پی نهاد. متون تاریخی را بنگرید. در طول دوران خلفا و به ویژه پس از قتل خلیفه ی سوم مردم در مسجد اجتماع نموده و با ذکر فضایل امام علی (ع)، به درب خانه ی آن حضرت هجوم آورده تا با او بیعت کنند.

بدون شک شکل گیری و هدایت انقلاب اسلامی از مساجد یکی از مصداق های روشن پیروی از آن اسوه ی حسنه و بی همانند است؛ امام خمینی رهبر فقید انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری اسلامی چه زیبا و جامع به این کارکرد مهم مسجد اشاره فرموده اند:

«مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را با رأی ملت ما درست کرد.»

اهمیت سیاسی مسجد به گونه ای است که امام خمینی در سخنی دیگر می فرمایند: «پیروزی ما برای اداره مسجد است؛ مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است، بسط فقه است و آن مساجد است.»

گفتنی است اداره ی امور سیاسی از مساجد، اصول، ساختار، تشکیلات اهداف، متد و روش های ویژه و خاصی دارد که با حاکمیت های دیگر تفاوت های چنان بنیادین را رقم میزدند که می توان گفت: تشابه آنان در اطلاق واژه ی حکومت بر همه ی آنهاست و بس.

براستی خدامحوری، خدمت رسانی صادقانه به مردم، ایجاد امنیت واقعی، رعایت حقوق، ساده زیستی و پرهیز از تکلف، قاطعیت بر اساس فرمان الهی، اعتماد سازی و ایثار کجا و ثروتمداری و روز محوری کجا؟

اکنون نیز نمی توان مصداقی زیباتر از مساجد برای تحقق دقیق مردم سالاری دینی و تعامل دولت و ملت یافت!

گفتنی است در نظریه های سیاسی معاصر که پشتوانه اصلی و بنیادین حکومت ها، مردم معرفی می شوند، مسجد به عنوان همایش و گرد همایی دائمی روزانه مسلمانان یکی از مراکز اصلی قدرت سیاسی جوامع اسلامی است که متأسفانه به این نقش و کارکرد عظیم توجهی در خور و متناسب مبذول نشده است.

گفتنی است انجام امور حسبیه که هم اکنون بخشی از وظایف شهرداری، نیروی انتظامی و دادستانی را در بر می گیرد در مسجد صورت می گرفت و محتسب برای رسیدگی به این امور در مسجد جامع شهر حضور می یافت.

3-4-26) مسجد جایگاه قضاوت و گسترانیدن آن

3-5-26) مسجد، نماد حضور اجتماعی زنان

در عصر بعثت و در محیطی که وجد زن با دیدگاهی کج اندیشانه، ننگ و عار تلقی می شد. پیامبر (ص) افزون بر تلاش برای تغییر دیدگاه جهانیان با فراخوان زنان به حضور در مسجد و توصیه ی مردان به عدم ممانعت از حضور آنان ، گام های نخستین فضاسازی لازم برای حضور و مشارکت اجتماعی زنان را برداشت.

برخورداری زنان از تعالیمی که در مسجد اراوه می شد و پرسش هایی که از پیامبر می نمودند، سطح آگاهی زنان را افزون ساخت و زمینه ی لازم برای احقاق حقوق واقعی زنان را فراهم ساخت و با محقق نمودن بیعت با زنان در مساجد ، مشارکت اجتماعی زنان را برای جهانیان آشکار ساخت.

فصل چہارم

4-1) راهکارهای احیای نقش و کارکردهای مساجد در دوران معاصر

4-1-1) ساماندهی و مدیریت

یکی از مشکلات اساسی کنونی، عدم وجود یک سازمان منظم برای سرپرستی تمام امور مساجد است؛ زیرا وجود تسکیلات موازی که هر یک به نحوی در امور مساجد خود رادارای مسؤولیت و حق اعمال نظر می داند مشکلات بسیاری ایجاد نموده است.

در پایان هشدار امام مسجدیان را بشنویم که فرمود: «از فانتوم های آمریکایی نترسید، از خالی شدن مساجد بترسید.»

4-2-1) مسجد نماد وحدت و هم گرایی مسلمانان

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا). ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید -آنچنانکه هشیاسته ی خدا ترس بودن است- تا نمیرید جز به دین اسلام و همگی به رشته ی محکم دین خدا (قرآن و عترت) چنگ زنید و به راه های متفرق نشوید.

4-3-1) مساجد؛ مراکز هدایت و عبادت

مسجد نخستین خانه ای است که برای هدایت و عبادت و پرستش پروردگار عالم در زمین و کسب آرامش بنا شده است.

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)؛ اولین خانه ای که در زمین برای عبادت و نیایش مردم تأسیس شد خانه ای است که در مکه بنا گردید کخ آن خانه مشحون از برکت و موجب هدایت جهانیان است و در آن نشانه های روشن خداپرستی و توحید است؛ از جمله مقام ابراهیم؛ و خر کس در آن داخل شود امان یابد.

آری! کعبه، مسجد الحرام یا هر مسجد دیگری که به نام خدا و برای خدا تأسیس شده و می شود باید در خدمت مردم و بندگان او باشد و آنچه که در خدمت بندگان خدا و توده های مردم باشد برای خدا محسوب می گردد.

مساجد خانه های خدا در زمین و محل عبادت پروردگار و بهترین عبادتگاه بندگان خدا و کانون آرامش و قداست و معنویت می باشند.

مساجد از آن خدا و بندگان خداوند، و خانه ی خدا متعلق به همه ی بندگان خداست؛ چنانکه در آیات و روایاتی چند به این حقیقت اشاره شده است.

(وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا)؛ به درستی که مساجد از آن خداست. پس در آن احدی را با خدا نخوانید و کسی یاجیزی را در ردیف خدا در مقام عبادت و پرستش قرار ندهید و یا حاجت نخواهید.

عبادت و بندگی و سرسپردگی تنها خدای را سزااست و تعظیم و سجده بایسته ی اوست:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ). ما اینکه مراد از مساجد در آیه ی 17 سوره ی جن چیست، تفاسیر گوناگونی از سوی مفسران ذکر گردیده است؛ از جمله: مکان هایی به عنوان «مسجد» از آن یاد می شود و مصداق اتم واکمل آن مسجد الحرام می باشد. مصداق دیگر آن، مساجد مختلف در هر کوی و برزن است و مصداق گسترده تر آن، تمام نقاط زمین و امکانه ای است که مؤمنان در آنجا نماز می خوانند و برای خدا سجده می کنند، چنان که نبی خاتم (ص) فرمود: «جعلت لی الارض مسجدا و طهورا»؛ جاهای زمین برایم سجده گاه و وسیله ی طهارت (تیمم) برای من قرار گرفته است. بنابراین، زمین متعلق به همه ی انسانها و مساجد از آن همهی بندگان مؤمن خداست.

4-2) مساجد حقیقی

- ناگفته نماند مسجدی نماد وحدت و مرکز تجمع مسلمانان خواهد بود که برابر آموزه های وحیانی، دارای دو شرط اساسی باشد.
- الف: بنیان و شالوده ی آن از آغاز پاک و پاکیزه بوده و برای تحقق هدفی مقدس تأسیس شده باشد.
- ب: دست اندر کاران و گردانندگان و اداره کنندگانش، انسان هایی با ایمان و راسته و درستکار باشند.

فصل پنجم

5-1) مساجدهویت مشترک شهرهای اسلامی

در تمدن اسلامی، مساجد علاوه بر اینکه عامل اصلی تشکیل شهرها بوده اند، تعیین کننده الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی به شمار می رفتند.

شهرهایی که به دست مسلمانان تغییر شکل یافتند یا احداث شدند، حیطة ی وسیعی از اقیانوس اطلس تا شبه قاره هند را در بر گرفته اند و علی رغم تنوع اقلیم و فرهنگ های بومی، با ساختار و الگویی یگانه ظهور نموده اند که مساجد در این فرآیند نقش کلیدی را برعهده داشته اند. از آن لحظه که شهرها و مساجد و محلات یگانه می شوند، دین و دنیا دیگر دو مقوله ی جدا از هم نیستند. مساجد، شهرها و محلات، در راستای مشترک جهت دارنده نحوی که شهرها و محلات از آنجایی آغاز می گردد که مسجد پایان یافته است. برخلاف دیگر اماکن مذهبی نظیر کلیساها، در مساجد که حاصل کار معماران آگاه و عارف می باشند، تضاد میان فضای درونی و برونی اماکن از میان رفته است. به عبارت دیگر، میان مسجد و جامعه اسلامی پیوندی پیوسته وجود دارد، چنان که صحن مساجد معمولاً دارای درها و دروازه هایی است مدهاد ماز دو یاسه طرف، ارتباط مردم محلات را با مراکز شهر و بازار تسهیل می نماید. (عرفان محمد هادی، معماری مساجد: ص 5)

5-2) مساجد و ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی

برای هر فرد مسلمان در هر نقطه ای از جهان که باشد، مسجد از مفهوم خاصی برخوردار است. هر فرد حداقل پنج نوبت در طول شبانه روز از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه خدا ساخته و در صورت عدم حضور در مسجد جهت ادای فریضه ی نماز هم راستا با موقعیت جغرافیایی مسجد که در مسیر قبله تأسیس یافته است، قرار می گیرد. این فضا والا و متعالی، معرف نظامی از اصول، ارزش ها و معیارهای مقدس امام مشخص و دقیق است؛ ارزش های اصلی که بر جامعه اسلامی حاکم بوده، فراتر از مکان و زمان جغرافیایی بوده و امت واحد را در اذهان تداعی می نماید. در صورت تقویت این مشترکات، همان بنیان مرصوص که قرآن بر آن تأکید می نماید به وجود می آید. وحدت استواری که بر معماری شهرها و محلات اسلامی اثر گذاشته و امکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و فاهم را پدید می آورد. در اینجا است که نقش کثرت در عین کثرت مساجد بر واحدهای مسکونی محلات تأثیر گذارده و کیفیت زندگی سالم را ارتقا می بخشد. شهرهای اسلامی سنتی، بر اساس احساس دینی از زندگی، استقلال هر مؤمن، حرمت حریم خانواده ها و اهمیت خلوت گزینی شکل گرفته است. این طرز تلقی از زندگی کاملاً در ساخت اکولوژیک شهرهای اسلامی مؤثر بوده است که مرزهای پردوام محلات و خانه ها، بن بست بودن کوچه ها و محلات، انتخاب نوعی استقلال در واحدهای مسکونی و زندگی مشترک همه ی مردم محله، نمونه ی روشن آن است. چیزی که اخیراً در باغ شهرهای اروپای شمالی متداول گردیده است. شهر اسلامی بیش از آنکه منزلگاهی برای قافله های عازم نواحی دور دست یا دژی برای حمایت از مؤمنان در برابر هجوم دشمنان باشد، مأمن شیوه ای از زندگی بود که در آن همگان در تصمیم گیری و اجرای امور به ویژه در سطح محله ای، مشارکت داشته و مساجد به عنوان میعادگاه چنین مشارکت ها و تجمعاتی از اهمیت به سزایی برخوردار بودند.

5-3) دیدگاه کل نگرایانه نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات

اصول معماری اسلامی ایران را که رأس آن معماری اماکن مذهبی و مساجد قرار دارد را می توان به پنج اصل به شرح ذیل تقسیم نمود:

- 1- مردم داری، به معنای داشتن مقیاس انسانی است، که می توان آنرا در عناصر مختلف معماری اسلامی ایران مشاهده نمود.
به طور مثال، اگر سه دری را که همان اتاق خواب است در نظر بگیریم، اندازه ی آن برحسب نیازهای مختلف یک زن، مرد و کودک یا کودکان آنان در نظر گرفته شده است.
- 2- نیارش که به مجموعه چیزهایی که بنا را نگه می دارد، اطلاق می شود. نیارش شامل استاتیک بنا، علم ساختمان یافن ساختمان و مصالح شناسی در آن است.
- 3- خودبسندگی بدین معناست که سازندگان بنا سعی می کنند تا مصالح مورد نیاز را از نزدیکترین مکان ها و با ارزانترین بها بدست آورند.
- 4- دون گرایی، در ساخت یک بنا ونحوه ی ارتباط آن با فضای خارجی لحاظ می گردد. بدین معنا که بنا به گونه ای ساخته می شود که همه ی فضای درونی آن با هم ارتباط مستقیم پیدا می کند. به دلیل موقعیت و وضعیت خاص بسیاری از مناطق ایران یعنی خشکی، بادهای مختلف، شن های روان و... بناهای درون گرا رایج شده است. (پیرنیا، معماری اسلامی ایران: ص 1)
در یک نگاه به معماری ایران، می توان گفت که ایران در هنر، معماری و ادبیات خود، مجذوب پرهیز و پروا از سنگینی است و همین امر، بهتر از هر چیز دیگری معرف ویژگی آن است. در اینجا است که معمار ایرانی با پیروی از اصول معماری اسلامی و به ویژه معماری مساجد، در جستجوی زیبایی فکر و بیان و بیش از آن، احساس راحتی و سبکی در احداث خانه ها در ساختارهای محله ای است. (آثار ایران: ج 3- ص 36-37)

5-4) پیوند ساختاری مساجد با ساختار کلی شهرها و محلات

در شهرهای اسلامی، معماری مساجد، معماری مرکزی شهرها و محلات است. هنگامی که معماری کوفه به علی (ع) سپرده شد حضرت ابتدا مسجد کوفه را بنا ساختند. بر اساس سنت اسلامی پس از مسجد، مدرسه و سپس بازار را احداث می کردند.

در تمدن های اسلامی، بر اساس سنن اسلامی سعی شده است تا هنگامی که تقسیم وظایف و گستردگی امور سبب شده است تا ساختمان های مجزایی به وجود آیند، حداقل با فضا سازی مشابه معماری مسجد، فضای معنوی مسجد به آن مراکز انتقال داده شود. در تمامی شهر های سنتی چه در ایران و چه در کشورهای عربستان، مصر، سوریه و حتی شمال آفریقا و هند شاهد آن هستیم که در شهر یا محله ای با هویت اسلامی، پس از مساجد که نماد مرکزی هر شهر یا محله ای هستند، خانه ها به همان قوس ها و مقرنس های معماری مسجد به وجود آمده و همان فضای مساجد را تداعی می کنند. در بنای بسیاری از مساجد، هنرهای گوناگونی با هم در آمیخته و زیر بنایی خاص به معماری آنها داده است. معماری د توازن اجزا کوشیده، نقاشی به الوان کاشی ها و نقوش توجه کرده، و خوش نویسی الواح و کتیبه ها را جلوه و جلا بخشیده است. علاوه بر شعر، موعظه ها و موسیقی نیز برای آنکه از دیگر هنرها باز نماند، در صدای مؤذن، بانگ قاری و واعظ مجال جلوه گری یافته است. حتی صنایع دستی نیز برای تکمیل و تزئین این مجموعه ی الهی به میدان آمده اند؛ از این رو اثرگذاری معماری مساجد بر معماری محلات و خانه های موجود در آن، از منظر زیبایی شناسانه مسئله قابل توجهی است؛ چرا که زیبایی محیط بر روان انسان تأثیر مطلوب گذاشته، تجربه ی فضایی

محله را تسهیل نموده و در تقویت روابط عاطفی متقابل مؤثر است. وجود تنوع یا تسهیل ارتباطات اجتماعی میان شخص و گروه در یک محله نیز در زمره ارزش های زیبایی شناختی هستند. از این رو، یکی از اهداف کلان طراحی و برنامه ریزی شهری است. می بایست حفظ و کثرت زیبایی محیط شهری باشد، ایجاد فضای دلپذیر و آرامش بخش در شهر وابسته به عاصرگوناگونی است. رنگ و نوراز جمله مهمترین عناصری هستند که الگوی معماری و طبیعت ساختاری مساجد در بسیاری از موارد، بهترین الگو برای ترکیب رنگ هاست؛ اما در شهرهای مدرن و امروزی عناصر طبیعی حضور کمتری داشته و بناهای محلات پیوسته به خاکستری و سیاه نزدیکتر می شوند.

5-5) مساجد و تغییر شکل و رشد شهرهای مسلمان نشین

عده ای از محققین براین باورند که دین اسلام به واسطه نظام ارزشی خود، الگوهای رفتاری، نقش سازمان های اجتماعی و مردمی نظیر مساجد در محل سکونت مسلمانان و مورفولوژی سکونت گاه های انسانی را تعیین نموده است. برای این عده شهرهای اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی است و تنها بادرک اصول و قوانین اسلامی است که می توان با اکولوژی شهرهای اسلامی آشنا شد. در عوض، برخی محققین نیز به جای استفاده از عنوان شهرهای اسلامی، به مفاهیم حاصل از اسلام در شهرها معتقد می باشند. از اوایل دهه ی 1960، اعتراض به بازنگری نسبت به تکنولوژی مهار نشده و اثرات آن در محیط زیست، به ویژه انطباق نوع تکنولوژی بر محیط زیست و بازنگری به تکنولوژی پیشرفته و نتایج حاصل از تخریب محیط زیست، کاملاً با اصول و معتقدات اسلامی پیوند می خورد. جهان و تعادل های فوق العاده حساس محیط زیست که آفریدگار جهان آن را سامان داده است، امروزه در غرب به عنوان نظام اکولوژیک، بحث هایی را موجب گردیده است.

5-6) مساجد و بهینه سازی توسعه ی شهری و محله ای

نقش مساجد در بهبود بهینه سازی توسعه ی شهری و محله ای در راستای ایجاد منطقه یا محله ی فعال و زنده ی شهری از لحاظ کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جهت تأمین مطلوب نیازها و خواسته های شهروندان به ویژه حفظ هویت و احیای فضاها و ابنیه ی قدیمی و تاریخی ارزشمند از یک سو و ارتقای توان تولیدی شهر یا محله و استفاده به هنگام از زمین و تولید اراضی شهری مناسب جهت توسعه ی شهری و محله ای سازمان یافته و اصولی با تعیین کاربری ها و عملکردهای مطلوب از سوی دیگر، یا به عبارت دیگر سازمان دهی ساختار فضایی-کالبدی محله ای و استفاده بهینه و به هنگام از پتانسیل ها و قابلیت های بالقوه محله ای و ایجاد تعادل میان کالبد قدیم و جدید شهری از اهمیت به سزایی برخوردار است.

5-7) مساجد و رشد بعد معنوی و فکری شهرها و محلات

درنگاهی کلی، اماکن مقدس و مذهبی به منزله ی تکرار کار نمونه خدایان در ادیان و آیین های مختلف است. به معنای دیگر هر مکان یا شیء که مورد تقدیس قرار می گیرد، سمبل و نماد تجلی نیروهای غیبی و الهی می گردد. همانندی معابد و اماکن مذهبی به کوه های کیهانی از این اعتقاد نشأت می گیرد که کوه مرکز جهان است. آنجا که کوه، زمین و آسمان را به هم پیوند می زند، به یک معنا آسمان را لمس می کند، فرازترین نقطه ی جهان را مشخص می سازد. کوه می تواند نمادی برای اتصال به مبدأ و جهان ماوراء الطبیعه باشد. در شکل ظاهری بسیاری از معابد و اماکن مذهبی معمولاً به عنوان نماد پیوند میان آسمان و زمین مورد توجه بوده است. در تمدن های بزرگ شرقی-از بین النهرین و مصر تا چین و هند و در تمدن های اسلامی، معابد و اماکن مذهبی، ارزش مهمی داشته اند. معابد و اماکن مذهبی منحصراً تصور جهان نبوده، بلکه به نمایش دوباره دنیای نمونه خارج از جهان مادی نیز تعبیه شده اند.

میرچا الیاده بر این باور است که جهان به عنوان کیهان به همان اندازه که خود را به عنوان یک جهان مقدس آشکار می سازد، درک پذیر می شود. (الیاده، میرچا-مقدس و نامقدس) (نصرالله زنگویی: ص 74)

از این روانسان معتقد به مذهب و دین، هرگونه تصمیمی که برای استقرار در مکانی می گیرد، این تصمیم گویای این باور مذهبی است که کیهان کوچکی همانند ساختن آن با جهان برین که متعلق به ارواح قدسی و فرشتگان است، تقدیس نموده و غم غربت خود را کاهش می دهد. آرزوی او این است که با قدسیان و خدای خود پیوند داشته باشد. از این رومعابد و مراکز مذهبی را تجلی این پیوند می داند. و شهرها و محلات اسلامی، مساجد و فضاهای وابسته به آن همراه دیگر مراکز آموزشی و زیارتی، بعد معنوی و فکری شهرها را به وجود می آورند. در شهرهای اسلامی، محلات مسکونی، بازارها و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاصی حول محور مساجد قرار گرفته اند. در واقع مسجد همچون چشمه ای با صفا جویبارهای معنوی خود را به سوی محلات و اماکن جاری ساخته و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می نماید. (بمات، شهر اسلامی: ص 110)

فضاهای شهری، خانه ها، محلات و معابد از ارزش هایی تأثیر پذیرفته اند که در مسجد بر آنها تأکید شده است. خانه شخصی، فضای داخلی بسته ای است که ضمن تأمین امنیت و آرامش خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می آید. پنجره ها کمتر به خانه های مجاور و کوچه ها اشراف دارند. البته پنجره ها چنان مشبک تهیه گردیده اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله ای را نظاره گر باشند بدون اینکه خودشان دیده شوند. کوچه ادامه خانه است و به عنوان دالان تلقی می گردد، تا آنکه معبری برای دادوستد، گردش و وقت گذرانی باشد. شهرهای اسلامی کهن، هیچ چیز در نخستین وهله میزان تمکن و دارایی صاحب خانه را مشخص نمی نماید؛ چراکه پیوستگی و تداخل پیچیده ای میان مسکن فقرا و اغنیا وجود دارد. آنچه که محلات زیبا را از خانه های ساده تر تفکیک می کند، وجود مجموعه های ساده، متوالی و متحدالشکل است که در صورتی که در نوگرایی جدید، منطقه بندی و تقسیم بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را کاملاً ترسیم می نماید. در شهر اسلامی هر چند از اماکن مذهبی نظیر مساجد، فاصله گرفته می شود، دایره گسترده تر شده و از فشردگی آن کاسته می شود.

وجود مساجد در محلات و شهرهای اسلامی در مجموع، ناپایداری و فنا پذیری موقت بودن امور مادی را ترویج نموده و بر ارزش های معنوی تأکید دارد. (بمات، شهر اسلامی: ص 116)

مساجد در شهرها و محلات اسلامی، به شملی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شده اند که بیش از هر چیز، تلفیق حجم هماهنگی محیط و تداوم فضایی را برای شهروندان جلوه گر می سازد. مساجد هیچگاه از یک ورودی برخوردار نیستند، در حالیکه غالباً می توان ورودی اصلی آنها را تشخیص داد. در توجیه این نکته باید یاد آور شد که راه یابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن از شاخه های گوناگون فضای مسکونی مسجد، مطلبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند زده است. (فلامکی، باز زنده ساز بناها و شهرهای تاریخی: ص 58)

در شهرها و محلات ایران، مساجد به همراه زیارتگاه ها و تکیا، چنان در چشم اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می شوند که در غالب آنها تنها ساختمان های مرتفع شهری، این اماکن هستند. همچنین در بافت شهری و محله ای، نقش مسجد آنقدر تعیین کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعریض باز می دارد، به پاره ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی دهد و در عین حال برخی از حرفه ها را به شدت جذب می کند. (شکویی، جغرافیای شهری: ج 2، ص 405)

شهر یا محله ای که با محوری مقدس احداث گردیده وسازندگان آن پیگیر تحقق معماری مذهبی بوده اند،جامعه ای را به یاد می آورد که بایدمنسجم،صمیمی و متحد باشد.در این صورت تمامی ساختار شهر یا محله،یک خانه راتشکیل می دهد.از این رو برای نشان دادن جامعه شهری(بیت الاسلام)مطرح گردیده ودر حقیقت بعد انسانی ومعنوی بر فضاهای فیزیکی وکالبدی تفوق می یابد.(بمات،شهراسلامی:ص88)

در محلات سنتی،در پرتو مشترکات درونی وهماهنگی افراد در برگزاری آیین های مذهبی وفرهنگی که غالباً در مساجد محل برپا می گردد،افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگرددرد خود احساس می کنند.بزرگ وریش سفید محل که معمولاً انسان متدین،سالخورده ودارای شهرت اجتماعی ومنزلت والاست،در جهت اتحاد وایجاد تفاهم میان اهل محل می کوشدواز انزاع ها وکدورت هاتا حد امکان جلوگیری می کند.ساکنین محل به احترام وی،رفتار خویش را اصلاح وکنترل می نمایند ومی کوشند تا هنجارهای سنتی ومذهبی را حفظ کنند.

همبستگی مذهبی وپیوند هایی که در مسجد محله استحکام واستمرار می یابد،مرزبندی های اقتصادی وطبقاتی را به تحلیل برده وگروه های غنی در کنار اقشار کم درآمد،در نهایت صلح وصفا زندگی می کنند.فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام ومعیارهای ارزشی را رعایت نموده اند،زیرا کوشیدن اند در ساختن خانه،همسایه های خوی را از نور ونسیم هوا وفضای باز محروم نساخته وزمینه های نگاه توأم با گناه را در ساخت وسازها فراهم ننمایند.ورودی خانه ها وپوشش های روی پلکانی که به بام منتهی می گردد،از محراب مساجد وآجرکاری های ایوان اماکن مذهبی الهام گرفته اند.کمتر خانه ای را می توان مشاهده کرد که از خانه های مجاور ارتقاع بگیرد.در این چنین محله هایی،میزان جرایم،بزه کاری وکجروی های اجتماعی ناچیز وقابل اغماض است.احساس تعلق مردم به فضاهای بارزش مذهبی،از مشکلات وتنش های روانی آنان می کاهدوروح امید وآرامش را در ساکنین آنها تقویت می نماید.(کوثری،مشارکت فرهنگی:ص194)

در سیمای شهرها ومحلات جدید،اعم از ایران ودیگر کشورهای اسلامی معماران وبرنامه ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت ساز وتعیین کننده زلال فرهنگ قرآنی وسنت های دینی وبومی مساجد بیگانه گشته اند وبیش از آنکه مبلغ مفاخر و سبک های هنر ومعماری اسلامی باشند،جلوه های غربی ومادی گرایی وگرایش های اقتصادی را درساخت شهرها ومحلات مدنظر قرار داده اند که ارمغان آن،پیدایش ناهنجاری های اجتماعی-فرهنگی،فساد وابتدال،نابسامانی های خانوادگی وجلوگیری از روند آرام سازی سیمای ساختاری محلات می باشد.

5-8) مساجد و آرام سازی سیمای ساختاری محلات

قرار گرفتن عمده مساجد محلی در مسیرهای دسترسی وبرخورداری این مراکز از خدمات جانبی نظیر پارکینگ اتوموبیل وخیابان های عریض جهت فراهم آوردن امکان تخلیه ترافیک در معابر جانبی وبرخورداری این مراکز از اماکن سرویس دهی هم زمان به کلیه مراجعه کنندگان،علاوه بر اینکه برای ساکنین محلات مشکلاتی را ایجاد نمی نماید بلکه چنین طراحی شهری از مساجد،به تناسب توسعه فضایی با کارکردهای محله ای و آرام سازی سیمای ساختاری محلات منتهی می گردد.

5-9) مساجد وساختار منظم خانه های مستقر در محلات

در بررسی های به عمل آمده از قدیمی ترین مساجد ایران،اینگونه به نظر می رسد که مرکزیت ومحوریت مناطق مسکونی با مساجد بوده ودر مکان یابی مساجد سعی گردیده که این اماکن جهت کلی شهر وساختمان های مسکونی را مشخص نمایند.

در بررسی بافت قدیمی اکثر شهر های ایران جهت جغرافیایی تمامی ساختمانها خصوصاً ساختمان های مسکونی هم جهت با مسجد و هم مسیر قبله بوده و عموماً مساجد دارای درب های مختلف در سه امتداد غیر قبله می باشند؛ به صورتی که دسترسی به این مراکز در هر مسیری امکان پذیر باشد. مهمترین نقش مساجد در توسعه ی فضایی و ساختاری محلات شهری در این است که چون مساجد اغلب به عنوان مراکز عمومی فرهنگی- مذهبی به شکل یک مجتمع برخوردار از کلیه امکانات فرهنگی اعم از سالن مطالعه، کتابخانه، سالن اجتماعات و صحن و رواق طراحی گردیده اند، از این رو، امکان انجام هر گونه فعالیتی در این مراکز در جهت اشاعه فرهنگ دینی و رفاه افراد ساکن در محلات شهری فراهم می باشد که این خود به طراحی محیط سازمان دهی شده با کارکردهای متعدد در نظام محله ای منتهی می گردد.

5-10) آسیب شناسی ساخت مساجد در شهرها و محلات

در حال حاضر از نظر جغرافیایی و فیزیکی، ساخت مساجد، در کوچه ها و پس کوچه ها و مناطق کاملاً دور افتاده واقع شده و در مسیر عادی زندگی افراد ساکن در محلات قرار نمی گیرد. از نظر محتوایی نیز مسجد باید محور بسیاری از فعالیت ها قرار گیرد. در گذشته به این صورت بوده و مدارس علمی و حوزه های علمیه در کنار مساجد و در صحن و حیاط مساجد ساخته می شدند. بسیاری از مراکز درمانی و آموزشی با مساجد در کنار مساجد بودند؛ به نحوی که اگر به عقب بازگشته و معماری اصیل برگرفته از آموزه های دینی خود را بررسی نماییم، خواهیم دید که مساجد به واقع محور اصلی معماری شهری و محله ای بوده و در حقیقت معماری ما، معماری مسجد محور بوده است. کلیدی ترین ساختمان ها پیرامون مساجد ساخته شده و محل ساخت مساجد در یکی از بهترین نقاط آبادی، شهر و محلات تعیین می گردید. به طور کلی می توان گفت که در گذشته محوریت به تمام معنای معماری ما با مساجد بوده است و این در حالیست که در حال حاضر فهم این مطلب کمی دشوار شده و عادت کرده ایم که مساجد را مستقل و جدا از بافت شهری و بدون در نظر گرفتن تأثیر گذاری معماری آن بر بافت شهری و محله ای تعریف نماییم.

فصل ششم

6-1 نقش مدیریت در زندگی اجتماعی

صاحب نظران علم سازمان و مدیریت بر این اعتقادند که جوامع امروزه بشری، همراه با گسترش روابط اجتماعی، توسعه صنایع و دگرگونی ارتباطات، اختراع وسایل جدید زندگی و تجمل گرایی و رفاه زدگی بشر به همراه شاخص های دیگر که برای تأمین نیازمندی های روز افزون اجتماع پایه عرصه وجود نهاده اند، مسائل مدیریتی و تئوری های جدیدی را مطرح نموده است که حل و فصل آنها نیاز به دید علمی و جامع مدیریتی دارد.

با توجه به کمبود منابع مادی و انسانی و توسعه روز افزون سازمانی در جهت تولید و توزیع کالا و خدمات و به اقتضای پیشرفت های تکنولوژیک و تکامل و تحول ارزش های فرهنگی و مذهبی ضرورت رفتار عقلایی و خردگرایی سازمانی را مشهود می سازد.

ماکس وبر خردگرایی را متضمن طرح ریزی و ایجاد یک سیستم اداری از طریق تقسیم کار و هماهنگ کردن فعالیت ها بر اساس بررسی منظم روابط یک فرد با افراد دیگر به منظور بدست آوردن بهره وری بیشتر می داند. (اقتداری، سازمان و مدیریت: ص 2)

با مشاهده سیر تکاملی جوامع بشری پی می بریم که ادامه زندگی انسا بدون وجود سازمان و تشکیلات اجتماعی امکان پذیر نمی باشد، زیرا در آن روزی که انسان پا به عرصه ی وجود نهاد و زندگی خویش را آغاز کرد، بطور فطری نخستین واحد سازمانی را به نام خانواده تشکیل داد. (بوس کوئن، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، 740، ص 127)

از دیگر نهادها و سازمان های اجتماعی که عمری بس طولانی داشته و احتمالاً از نظر قدمت چندان فاصله ای با سازمان خانواده نداشته باشد (سازمان حکومت) یا (سازمان مدیریت) است چرا که بشر در آغاز احساس کرد که نیاز به تشکیلاتی دارد که در قالب آن وظایف و مسؤولیت هارا مشخص نماید. امروزه که زندگی و آگاهی های علمی بشر توسعه یافته و نیازهای گوناگون انسانی، سازمان های متنوعی را می طلبد به اهمیت سازمان افزوده شده است. استجابایی که دنیای پیشرفته، انواع و اقسام سازمان ها را برای اداره امور زندگی خود به وجود آورده است. سازمان های تربیتی و پرورشی، سازمان های اخلاقی و انسانی و... که هر یک از آنها با طبایع مخصوص به خود انجام وظیفه می نمایند. با توجه به اهمیت، تعاریف و شاخص های سازمان از نظر صاحب نظران علم مدیریت و با نگاهی به فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم است با سازماندهی و سازمان با دیدی عمیق نگرینسته می شود.

تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، دامنه اختیار و آزادی محدوده ی مسؤولیت، همه از جمله مسائلی هستند که جهت نیل به سعادت و سیادت و توسعه در نظام اسلامی از ضروریات زندگی اجتماعی به شمار می روند. امروزه آمار و سنجش های آماری، نقش مهمی در برنامه ریزی ها و مدیریت عرصه های مختلف بازی می کنند. چگونگی و ساختار برنامه ها را آمار مشخص می کند. از این رو به دلیل گره خوردن این دو مقوله و ارتباط مستقیمی که با هم دارند آنها را در کنار هم در نظر گرفته اند. در مباحث جامعه شناسی گفته می شود که هر چه آمار دقیقتر و مشخص تر باشد، از عملکرد دقیق تر و مشخص تری در برنامه ها به ویژه برنامه های مدیریتی برخوردار خواهیم بود. بررسی نسبت جمعیت منطقه یا محله و خدمات رفاهی و اجتماعی آن، داشتن درک درست از سرانه مصرفی مردم هر محله و تدوین آمار کسبه و سکنه هر محل و یا آمار مساجد و کانون های فرهنگی محله ای و نسبت آن با جمعیت و سکنه هر محله دقیقاً همان نقشی را در برنامه ریزی شهری و به ویژه محله ای ایفا می کند که عقربه های ساعت در مشخص کردن زمان.

به طور کلی می توان گفت که مبنای برنامه ریزی و مدیریت در امور محله ای و منطقه ای باید در قالب برنامه ریزی بر مبنای آمار صورت گیرد. با درک هر چه بیشتر تبعات آمار محلی به عنوان مثال دانستن آمار درستی از میزان مصرف افراد در هر محله، بی شک امر برنامه ریزی و مدیریت برای جهت دهی به مصرف و عرضه خدمات نیز روشن تر می گردد. به عنوان مثال با در دست داشتن آمار نماز گزاران هر مسجد در محله های مختلف، با توجه به نسبت جمعیت ساکن در هر محله، می توان درک درستی از شرایط مذهبی و فرهنگی آن محل و میزان موفقیت مساجد در مدیریت محله ای به دست آورد.

6-2) مدیریت در سطح کلان شهری: در جهان امروز، شهرها ابعاد پیچیده ای یافته و گویی هزاران سال تلاش و تکاپوی انسان در ابعاد فرهنگی، هنری، دینی، اجتماعی، اقتصادی،... هستند. شهرها همچون یک نظام، با موجودیت خود به عنوان تنظیم کنندگان روابط عینی اجتماعی شهروندان و اثرگذار بر زمینه های باورها، اندیشه ها و رفتار آنان عهده دار نقش متفاوتی نسبت به گذشته هستند. طی دهه های اخیر حساسیت این موضوع بسیار فراتر از گذشته به چشم می خورد. چه اینکه شهرها تجسم عینی ایده آل ها، آرزوها، نگرش ها و مناسبات اجرایی یک جامعه شده و چه بسا مؤثرتر از نظام های آموزشی و اطلاعاتی کل کشور، به صورتی عمیق و نامحسوس، تاروپود وجودی شهروندان را می سازند. اتکای مردم به نظام مدیریت شهری ابعاد فزاینده ای یافته است، به گونه ای که ابتدایی ترین نیاز های آنان بدون پشتیبانی مدیریت شهری برآورده نمی شود. از این روست که در دنیای امروز، شهرداران در ردیف مدیران اصلی اداره کننده حکومت ما محسوب می گردند. کلان شهر تهران در کشور ما ابعاد بسیار پیچیده و مسایل بسیار گسترده ای را یافته است. این شهر مرکز و کانون فعالیت های گوناگون در جامعه ایران گردیده است. تهران به عنوان مرکز حکومت، اقتضای ساماندهی سیاسی و مدیریتی جامعه رادر وسیعترین شکل ممکن یافته است، به گونه ای که بخش عظیمی از دستگاه های اندیشه ساز، پردازش گر اطلاعات و تصمیم ساز و کلیه نهادهای تصمیم گیر در این شهر استقرار یافته اند.

تصمیم سازی و تصمیم گیری در گروی فضای متعادل و آرامی است که اجازه شکوفایی فهم و تعقل را بدهد. بیش از پیش به نظر می رسد که تهران از آرامش برخوردار نبوده و مرکز اصلی اداره کننده کشور از توازن و بالنده سازی کارشناسان و مدیران جامعه دور می شود.

کلان شهر تهران در درون خود بسیاری از چیزها را جاداده اشست که در یک کلام نظام تکاملی (ناهنجار) به نظر می آیند. حل مسایل این شهر صرفاً به اتکای داده ها، اطلاعات و دانش کلاسیک امکان پذیر نبوده و ضرورت ساماندهی فهم و تعقل صاحب نظران و نخبگان فکری جامعه و شهروندان این شهر را طلب می کند. کلان شهر تهران را به عنوان یک (شهر پایدار) می باید نگرست. شهر پایدار در نظام جمهوری اسلامی ابعاد متعادل و ظرفیت تری می یابد و نظام مدیریت شهری عهده دار فراهم آوردن شرایطی می گردد که در چهارچوب آن شهروندان از آرامش روحی برای توسعه نیایش و آسایش ذهنی جهت گسترش اندیشه و سلامت جسمی برای تلاش و فعالیت اجتماعی جهت نیل به توسعه شهری- محله ای برخوردار گردند. بدین ترتیب نقطه آغازین مدیریت شهری در تهران، به اجرای طرح جامع 25 ساله و ارائه خدمات شهری محدود نگردیده بلکه نیازمند فلسفه مدیریتی است که در جهت اعتلای اهداف برشمرده، در تعامل گسترده با شهروندان به نتیجه برسد چراکه براین اعتقاد راسخ عستیم که اکثریت شهرها، تولید و مصرف را متمرکز ساخته و الگوهای ناسازگار با طبیعت را اشاعه داده اند، اما همین شهرها در محیط تمدن ساز خود، بزرگترین نوآوری و فرصت هخای تحول خود را با جمع آوری تضارب افکار، منابع و دانش بشری فراهم آورده اند. سامان یافتن مدیریت کلان شهر تهران در گرو اقدامات گسترده، پیوسته و همه جانبه ایست که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- 1-افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری به جهت معطوف داشتن توجه بر توسعه محله ای.
- 2-حفاظت واحیای مراکز باستانی ومساجد مستقر در محلات مختلف شهری.
- 3-اصلاح نظام اداری شهری وتغییرنظام شهر محوره نظام محله محور.
- 4-سامان دادن مدل های ذهنی ویا ساختار ذهنیت مدیران از طریق برقراری ارتباط بانهادهای مدنی وتشکل های مردمی نظیر مساجددر راستای نهادینه سازی تحول وبالندگی در اداره شهر تهران.
- 5-گسترش کمی وکیفی تفکر نظام گرا ومنظومه ای وفراهم آمدن رفتار توسعه یافته در تمامی دست اندرکاران اداره شهر تهران
- 6-ایجادتهران پایدار به واسطه بهره گیری از وجود مساجد،فرهنگسراها،خانه های فرهنگ،مدارس ،دانشگاههاو... به عنوان کانون های توسعه تفاهم اجتماعی وبرقراری امکان تبادل نظرمیان این کانون ها ودستگاه های دست اندر کاربرای یادگیری جمعی.

دین وجایگاه آن در ورود به مدنیت

کمتر عاملی به اندازه دین وایمان در ایجاد تحولات تاریخی ودوران ساز از جمله تشکیل سلسله ها وخاندان های حکومت گر دخالت داشته است.

در کمتر درباری از دربارهای قدیم است که دین داران نقش ونفوذ نداشته باشند.در بسیاری از ادوار تاریخی،بسیاری از شاهان وفرمانروایان برای حکومت خود به حق یا ناحق،الهام یا منشأالوهی قایل شده اند.کلیسا از بدوتأسیس تا عصرجدیدغالبدولتی در برابر دولت یا مسلط بر دولت بوده است،ازاین رواست که غالباً مدیران (حکمرانان)از نقش ونفوذ دین سواستفاده می کرده اند وگرنه از آنجا که دین غالباً هم عنان با اخلاق است،پیوندش با مدیریت (حکومت)می تواند باروروبه نفع حکومت شوندگان وجامعه بشری باشد.به طور کلی می توان گفت که دین وایمان از جمله مهمترین نهادهای اجتماعی – فرهنگیشربوده اند.شاید عصرما،عصربازنگریوبازگشتبه دینباشد.دوقائمهبررگمادیگریومادینگری،یعنیپوزیتیویسم(درزمینه اندیشهبه ومارکسیسم/کمونیسم)(درزمینه عملواقتصادوجامعه گرایی)شکست خورده وبرای بشریت رنج دیده امروز،مجال تأمل در معنویات وبازگشت به سنت های معنوی که جامع ترین مصداق آن دین است،فراهم آمده است.از سده های نخستین ظهور اسلام در عامه مجامع اسلامی(مساجد)به عنوان شاخص ترین وبارزترین نهادهای اسلامیت تجلی داشته وآنچه در منظر ابتدایی مایه های فرهنگ اسلام را بروز داده است همانا وجود مناره های بلندوزیبای مساجددر پیشانی شهرهاومحلات مسلمان بوده است.درحقیقت آموزش عملی بنیانگذار مکتب اسلام بر رهروان راهش نیز بر این مدارپایه گذاری شده است.در طراحی وبرنامه ریزی اساسی حکومت اسلامی (مسجد)نخستین پروژه ای است که معمار نهضت اسلامی در آستانه ورود به یثرب در محله قبا آن را به مورد اجرا می گذارد.وی باورود به یثرب نام مدینه را بر آن برگزیده ومسجد دیگری در مرکز شهر بنا می نهد.بدین ترتیب می نمایاند که برای ورود به مدنیت صحیح وتوسعه آن جهت برخورداری از جامعه سالم از قالب مسجدباید گذر کرد ورنگ وبوی مسجدی که همانا صبغة الله است بر خود گرفت وآنگاه در مدینه حکومت اسلامی ودر مساجد آن ستاد حکومتی (مدیریتی)تشکیل داد ودین وآیین سیاست(مدیریت)را آموخت ودانست که اسلام دین بهزیستی فردواجتماع وعامل اصلی مدیریت توسعه شهری ومحله ای است.در مسجدشکاف طبقاتی حذف ونظام برابری وبرادری بر آن حاکم است.آنچه که در آن

مورد نظر است تعمیم روح حاکم بر مساجد در سایر بخش های جامعه است. کارکردهای نمونه یک امت بدون تمایز ظاهری حتی در روش نشستن مسلمانان در مساجد به وضوح مشهود است.

6-3) مدیریت و اسلام

ابعاد گوناگون زندگی انسانی دو موضوع را به ما ثابت می کند که نیاز به مدیریت از لوازم ضروری زندگی و وسیله ای برای سعادت او می باشد و این ضرورت آنگاه آشکار می شود که انسان در ابعاد مختلف فکری از آن بهره می برد. دین مبین اسلام، ضرورت مدیریت را تا آن حدی می داند که می گوید قبل از آنکه به کاری اقدام کنید برای خود مدیریت را برگزیند تا در پناه نظم و هماهنگی سریعتر به هدف برسید. (تقویه دامغانی، سیدرضا، مدیریت اسلامی: ص 53)

مطالعه تاریخ گذشتگان، ما را به نقش و تأثیر مدیریت در ارتقاء و انحطاط ملت ها واقف می گرداند. چه بسیارند ملت هایی که از نظر امکانات مادی و زمینه های مساعد فکری و مایه های غنی فرهنگی هیچ کمبودی نداشتند، اما بخاطر نداشتن مدیریت مدیرانه و رهبری آگاهانه در راستای برنامه ریزی صحیح و سازماندهی اصولی و استفاده از نیروهای موجود در جهت نیل به هدف در سراسیمگی سقوط و شکست قرار گرفته اند. در مقابل ملت هایی بوده اند که با سازمان دهی و بسیج نیروها، و مدیریت منسجم از کمترین امکانات بزرگترین افتخارات را کسب نموده اند. زندگی انسان از آن جهت که یک زندگی اجتماعی است از واحدهای مختلفی تشکیل شده که ما هر یک از آنها را ارگان های نظام اجتماعی می نامیم. با پیشرفت زندگی اجتماعی به تدریج سازمان های جدیدی نیز شکل گرفته است. به دیگر سخن در هر جامعه ای برای انجام وظایف خاصی و رسیدن به اهداف معین یک سازمان به وجود می آید. این سازمان برای انجام مسئولیت خویش، دارای سیستم و کارکرد مخصوص به خود می باشد. در جامعه اسلامی هر مسجد یک سازمان منسجم معنوی است و دارای اهداف، کارکرد و سیستمی مخصوص به خود می باشد و باید به شکل صحیح مدیریت شود تا خود بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید.

تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی و یا تجاری نیست بلکه سازمانی الهی مردمی است که با مدیریت معنوی و نفوذ کلمه امام جماعت و با حضور توده مردم سازماندهی می شود. (محمد آشنائی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، مرکز رسیدگی به آمار مساجد، ص 19)

جام ام گائوس می گوید:

«سازمان عبارتست از تنظیم افراد جهت تسهیل در به ثمر رساندن مقاصد همگانی از راه تجنيس کارکرد و وظایف». (پرهیزکار، کمال، تئوری های مدیریت: ص 18)

در تعریف مدیریت اسلامی آمده است:

«فعالیتی که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر و امامان معصوم و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام یا سازمان در ابعاد مختلف همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند مدیریت اسلامی است». (مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت: ص 12)

پیامبر اکرم با ارائه تعریف جدید از دین و دینداری، جامعه نوینی را بر اساس شریعت اسلام پایه گذاری کردند و محور این حرکت را مساجد قرار دادند و همراهی دین و سیاست، دنیا و آخرت، مردم مداری و خدا باوری را در نهاد جمعی، اجرایی و مدیریتی به نام مسجد سازمان بخشیدند و مساجد را به عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت در امت مسلمان مطرح ساختند.

6-4) مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت

از آنجا که در حکومت اسلامی میان مقامات مسؤول و توده های مردمی جدایی نیست، و مسلمین می توانند بر مسیر و جهت گیری های حکومت بر روند اداره امور جامعه نظارت کنند، و موضع خود در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... را به طور آشکار اعلام نمایند و با ارایه برنامه ها، طرح ها و پیشنهادات سازنده، حکومت را یاری دهند، براین اساس، پیامبر اکرم پس از بنیان گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه به منظور دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه حکومت (مدیریت) و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمین برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت (مدیریت) و نهاد سیاسی-حکومتی (مدیریتی) اسلام برگزید و از آن پس تجسم عینی همبستگی دین با حکومت (مدیریت) در اسلام به بهترین نحو در مسجد متجلی گردید. پیامبر اکرم در مسجد، اصول سیاسی - حکومتی (مدیریتی) اسلام را بر مردم اندر میان گذارده و در حلو فصل مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جامعه اسلام را به ایشان مشورت می کرد. پیامبر اکرم همچنین مقدمات فکری - اجتماعی و مدیریتی بیشتر غزوات را در مسجد فراهم می نمود. آنحضرت با ایراد خطبه های پیرشور، مسلمانان را بر این نبرد با دشمنان اسلام بسیج و از همانجا مدیریت می نمود. مساجد در دوران پیامبر اکرم از نظر عملکردهای سیاسی و اجتماعی بسیار فعال بودند و در این زمینه نقش بارزی را ایفا می نمودند. در وهله اول از مساجد به عنوان مراکز اصلی حکومت یاد می گردید. باید دانست که دفتر کار خلفای مسلمین نیز در مساجد بود و در آنجا به رفق و فتق امور کشوری پرداخته می شد. هرگاه افرادی برای انجام پاره ای از مذاکرات به مدینه می آمدند، در مسجد با خلیفه ملاقات می نمودند. در تاریخ المدینه المنوره آمده است که گروه هایی از فارس به مدینه آمدند و جوایای محل جلوس خلیفه دوم شدند. وی را در منزلش نیافته، گفتند: خلیفه در مسجد است. پس بدانجا رفته و وی را در حالیکه هیچ کسی با او نبود یافتند.

ایشان گفتند سلطنت واقعی همانا چنین سلطنتی است نه سلطنت کسری. (بلازری، فتوح البلدان: ص 226)

علاوه بر این مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی به عموم معرفی شده بود. خلفاء انجمن های مشورتی را در مساجد تشکیل داده و در آنجا با مردم یا خبرگان محلی به مشورت و مذاکره در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... جامعه اسلامی می پرداختند.

به عنوان مثال هنگامی که علی (ع) می خواست برای نبرد با سپاه معاویه به شام برود، با مهاجرین و انصار در مسجد پیامبر در مدینه به مشورت پرداخت. ابن ابی الحدید می نویسد: چون فرستاده علی (ع) از نزد معاویه بازگشت، امام در مسجد برای مردم خطبه سر داده و گفت: معاویه با سپاه شام برای نبرد و لشکر کشی به سوی عراق خود رامهیا ساخته است. رأی شما در این باره چیست؟ به این ترتیب مساجد در آن روزگار به عنوان مجالس شورای اسلامی نقش بارزی را در مدیریت ایفا می نمودند. واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن مشارکت و حضور مردم در صحنه های گوناگون اجتماعی از جمله تأمین نیازهای فراوان اجتماعی از ویژگی های جامعه مدنی شناخته می شود. یکی از مفاهیم جامعه مدنی این است که تا حد امکان فعالیت های اجتماعی به خود مردم واگذار گردیده و از تصدی دولت کاسته شود. حتی المقدور مردم خود داوطلبانه در انجام فعالیت های اجتماعی حضور داشته و در حد ضرورت دخالت کنند. (مصباح یزدی، محمدتقی، خلاصه مقالات همایش دین و توسعه: ش 5)

بنابراین مهمترین وظیفه مساجد این است که در اعتلای فرهنگ انسان کوشیده و او را تا مقام خلافت الهی پیش برده و از هر فرد جامعه موجودی مهذب بسازد.

در این صورت علاوه بر اینکه جنبه مشارکت مردم در امور تقویت می گردد، ساختار مدیریتی مساجد منسجم تر شده و توسعه فرهنگ دینی و اعتلای نهادها و فعالیت های نهادی با توجه به نقش ها و کارکردهای آن نهادروشن و آشکار می گردد. نگاهی گذرایه نقش ها ی گوناگون و مهمی که مساجد باید در عرصه های اجتماعی، عبادی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... ایفاکنند. اهمیت نقش مدیریتی مساجد را روشن می سازد. از یک سو خداوند متعال کافران و مشرکان را از دخالت در اداره امور مدیریتی مساجد بازداشته (ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر) و از سوی دیگر، مؤمنان را که شرایط خاصی دارند برای اداره امور مدیریتی مساجد شایسته دانسته است (انما یعمروا مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر).

مسجد پایگاه مدیریت کشور پیامبر بود. بعدها، علی (ع) نیز از مسجد به عنوان پایگاه رسیدگی به امور مملکتی استفاده کرد. نقش مدیریتی مساجد عبارتست از:

اداره روابط اجتماعی از طریق هماهنگ سازی منابع (انسانی، مالی، مادی)، در جهت تحقق اهداف الهی و معنوی و توسعه بشر.

این وظیفه خطیر مستلزم آن است که مساجد با محور قرار دادن بعد عبادی مسجد، هر فعالیتی که تحقق ارزش های الهی و دینی را تسهیل می سازد به انجام رسانند.

این فعالیت ها و کارکرد آنها در ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... می باشند که تمامی آنها در جهت توسعه حیات بشر و قرینه الی الله صورت می پذیرد. نکته شایان ذکر آن است که با چنین برداشتی، نقش مدیریتی مساجد تبدیل به حوزه ای پیچیده و ظریف می گردد چه آنکه در این مؤسسه، هم اداره کننده، هم اداره شونده و هم محصول انسانها هستند. به عبارت روشن تر نقش مدیریتی مساجد با قلمرو های پیچیده فعالیت های انسانی سروکار دارد که اداره امور آن بسیار پیچیده و مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد مختلف می باشد. به عبارت دیگر در مقایسه با سایر شاخه های مدیریتی که عمدتاً از زاویه و چشم انداز خاصی، مدیریت را مدنظر قرار می دهند، نظیر مدیریت امور آموزشی، مدیریت فرهنگی، مدیریت اجتماعی و... نقش مدیریتی مساجد با تمامی این قلمروها سروکار دارد. به این دلیل می توان گفت که علاوه بر نقش عبادی مسجد که البته محوری ترین کارکرد مسجد به شمار می آید، نقش مدیریتی مساجد باید به قلمروهای مختلف مدیریت که در چهارچوب عملکردها و فعالیت های مسجد قرار می گیرد، آگاهی و اشراف داشته باشد. با عنایت به این ویژگی است که می توان گفت، مدیریت مساجد دارای ماهیت منحصر به فرد و پیچیده ای است که اعمال کار آمد و اثربخشی آن مستلزم خبرگی و مهارت های متعدد است. (ابوالقاسمی، محمد جواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی: ص 11)

مساجد خود را موظف می دانند که در مواقع نیاز روح جدید و تازه را در همه ارکان حاکمیت دمیده و آنها را فعالتر سازند. یکی از کارهای مهم مساجد انتقال نقطه نظرات و خواسته های مردم محلات و شهرها به سمع مسئولین کشور است که این امر یکی از امور مهم در اندیشه سیاسی اسلام است تا تصمیم گیری و مدیریت کلان کشور متناسب با نظرات و خواسته های مردم در سطح خرد باشد. مساجد پشتیبان دولت و نظام اسلامی هستند. مساجد برای ادای وظیفه ظریف، دقیق و پیچیده خود در حوزه مدیریت به آگاهی های بسیاری نیازمندند از این رو می باید کاملاً در جریان امور مملکت قرار گرفته و این امر جز با هماهنگی تنگاتنگ دولت و مساجد میسر نیست. در این صورت است که مساجد می توانند با توجه به تناسبات زمانی و نیاز اجتماعی به نقش آفرینی مؤثر خود در حوزه مدیریت ادامه دهند. مساجد باید به منظور ایفای نقش خود از ساختارهای مختلف جامعه

استفاده کنند. به کارگیری تکنولوژی پیشرفته اطلاعاتی در دنیای جدید مجازی با محتوای متناسب با مساجد محلی از امور مهم است که می تواند با استفاده از آن آرایه خدمات خود را گسترش دهد. نقش مهم دیگر مساجد، تربیت دینی انسان های مؤمن است که بتوانند در عرصه های مختلف با استفاده از تجربیات علمی بشری جامعه را اداره کنند. بازیابی نقش گمگشته مدیریتی مساجد همچون صدر اسلام در سیره نبوی، ایجاد دولت در دولت نیست، بلکه ورود دولت به مسجد محلی است. مسجد تنها یک مکان نیست، بلکه سازمانی بس مهم برای اجتماع مسلمانان و برقراری اتحاد، یکپارچگی و هدایت آنان به سوی نیکی است. از این رو هنگامی که مسجد ضارب برای ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان احداث شد، خداوند رسولش را فرمود تا آن را ویران کند. مسجد، میراث بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمانان است. مسلمانان در هر شهری که توسط سپاهیان اسلام فتح می گردید، مسجدی بنا می نمودند. هدف از انجام این کار این بود که مرکز فرهنگ، اشاعه تمدن و تکوین و مدیریت افکار عمومی صحیح اسلامی هم به شمار آید.

هر گاه مسلمانان به مکانی جدید مهاجرت می نمودند، مسجدی احداث می کردند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد. خطبه جمعه نقش اساسی و فعالی در توجیه افکار عمومی اسلامی دارد. این در صورتی است که خطیب جمعه، نمازگزاران را ارشاد، نصیحت و توجیه کنند. بدین ترتیب افکار عمومی اسلامی در زیر سقف مساجد و براساس شورا شکل گرفته و جنبشهای آزادی بخش اسلامی از مساجد محلی شهرهای سوریه، الجزایر، ایران، مصر و... آغاز شد.

مساجد، تشکیلاتی مدیریتی براساس نظام اسلامی می باشند. رسول خدا امت خود را فرمان می دهد: «هرگاه سه نفر بودید، یکی را از میان خود امیر کنید». نظام اسلامی بر تمامی اوضاع خانواده، معاملات، بازارها و مظاهر زندگی اسلامی از کوچک تا بزرگ، حاکم بوده و مدیریت می نماید. اهل مسجد یک تشکیلات شرعی مربوط به اداره مسجد به شمار می روند. اداره مساجد جامع بر عهده هیأت های امانست که از میان نمازگزاران مسجد انتخاب می شوند که در میان مردم به حسن رفتار و صداقت معروف هستند. مردم محلات در کارهایشان به این افراد مراجعه کرده و بدون مشورت با آنان هیچ اقدامی را انجام نمی دهند.

6-5 نقش مسجد در مدیریت اقتصادی

یکی از چالش هایی که همواره در کشورهای در حال توسعه و عقب مانده در اجرای برنامه های توسعه خود با آن مواجه هستند، مسئله فقر و محرومیت اقشار قابل توجهی از افراد جامعه است. از یک سو رهایی از مشکل توسعه نیافتگی، نیازمند سرمایه گذاری کلان و نرخ رشد بالای اقتصادی است و از دیگر سو، فقر موجود در جامعه امکان چنین اقدامی را نمی دهد. ضمن آنکه دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی به گونه ای می تواند شکاف طبقاتی در جامعه را دامن زده و موجبات فشار بیشتر بر روی قشر آسیب پذیر را فراهم آورد. اگر از منظر جامعه شناسی، نظری به جوامع گوناگون بیندازیم چه در کشورهای به اصطلاح سرمایه داری و چه در کشورهای کمونیستی و بانظام های مختلف، نوعی تبعیض بین افراد جامعه مشهود است و همین تبعیض باعث ایجاد فقر و توسعه نیافتگی در جامعه می گردد. از این منظر بحث (عدالت اجتماعی) و نوع رویگردهای توسعه می تواند به این موضوع داشته باشند همواره یکی از مباحث اصلی در تدوین و اجرای هر برنامه توسعه به ویژه توسعه شهری بوده است. در صدر اسلام مسجد، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود که این خود نشانگر ارتباط محکم میان دین اسلام و عدالت اجتماعی بود. در آن زمان از مساجد به عنوان مرکز امنی جهت نگه داری ثروت ملی استفاده می شد. در حال حاضر نیز با معطوف داشتن توجه به مساجد به ویژه مساجد محله ای می توان با توزیع متناسب بیت المال و اجرای صحیح عدالت اجتماعی از فقر و توسعه نیافتگی جلوگیری نموده و گام در جهت توسعه پایدار به ویژه توسعه شهری و محله ای برداشت. مساجد بهترین پایگاه عدالت خواهی و آگاهی بخشی می باشند. ما خوف آن داریم که اگر ذنچنانچه خارج از

مساجد، سخنی از عدالت به میان آوریم، مفهوم عدالت منحرف و تحریف گردد و این در حالی است که می توان عدالت اجتماعی را در مسجد به عنوان پایگاه عدالت معرفی نموده. در این صورت نیز عدالت ظرف خوبی پیدا می کند و انحرافات به کمترین حد خود می رسند.

6-6) مسجد و مدیریت توسعه

از آنجایی که مسجد از بدو تأسیس، فعالیت اطلاع رسانی را در سنت خود که نماد آن اذان است، داشته اند، از این رو می توان از این مراکز با عنوان مراکز مدیریت اطلاع رسانی در سطوح شهری و محله ای یاد نمود. مساجد به جهت برخورداری از مبناهای دقیق برای اطلاع رسانی، تأثیر بیشتری در امر اطلاع رسانی، به ویژه در سطح محله ای خواهند داشت. مسجد به عنوان یک واحد اجتماعی از کارکردهای متعددی برخوردار بوده و میعادگاه مؤمنین است، از این طریق به زندگی اجتماعی وصل شده و می تواند در ارتباطات اجتماعی نقش آفرینی کرده و منبع و مرجع مهمی برای انتشار اخبار به ویژه در سطح محله ای باشد. با وجود 57 هزار و 635 مسجد در سراسر کشور (با تراژ 36 میلیون متر مکعب) به جرأت می توان گسترده ترین شبکه فراگیر اجتماعی در کشور را مساجد دانست.

از این رو، نقش مدیریتی این شبکه گسترده در توسعه شهری و به ویژه محله ای (هرچند که واحدهای کوچکی را در خود جای داده اما با پیوند یکدیگر مجموعه بزرگی را می سازد که از ظرفیت و پتانسیل بالایی برخوردار است) حایز اهمیت است. مزایای ایفای نقش مساجد در مدیریت توسعه محله ای مهمترین فواید دخالت مساجد در حوزه مدیریت توسعه محلات شهری چون کلان شهر تهران می توان به موثرتر زیر اشاره نمود:

1- کاهش بار مالی نظام اسلامی

هنگامی که گروهی از افراد بومی محله به عنوان افراد خدمت گذار در مساجد به فعالیت و انجام وظیفه در راستای انجام اقدامات مدیریتی جهت نیل به توسعه محلی به عنوان عبادت مبادرت می نمایند چرا باید وظیفه مدیریت توسعه محلات شهری بردوش مأموران رسمی نظام قرار گیرد و گروهی را از کار خیر باز دارد و بار مالی قابل توجهی را به نظام اسلامی تحمیل نماید؟

2- تشکیل نهادها و استخدام کارکنان رسمی در راستای مدیریت توسعه محله ای.

3- انتخاب مدیران شایسته در لوای هیأت امنای مساجد از میان مردم محلات.

4- معمولاً مردم یک منطقه با توجه به شناخت بهتری که از اوضاع و احوال منطقه و افراد شایسته ساکن در منطقه خود دارند، بهتر می توانند با مشارکت مساجد به انتخاب مدیران محله ای در قالب هیأت امنای مساجد مبادرت نمایند.

5- از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هرگاه کار به مردم و نهادهای مردمی نظیر مساجد واگذار شده است، آنان وظیفه خود را به خوبی انجام داده اند و این در حالی است که هر زمان مردم بانهادهای مردمی حضور نداشته اند یا حضورشان کم رنگ بوده، یا کاری انجام نگرفته و یا به کندی صورت گرفته است.

6- برقراری هماهنگی میان مدیران و ساکنین محله.

در جامعه ایران نیز همچون هر جامعه دیگر، جریان های گوناگون فکری وجود دارند و مردم هر منطقه و محل برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی، در مسجد نزدیک به محل کار و زندگی خود حضور می یابند.

از این رو، وجود مدیران محله ای در بافت مساجد، خود به خود باعث هماهنگی میان مدیران و ساکنین محلات در راستای بررسی و مطرح ساختن مشکلات یا مسایل پیش روی محلات دیگر می گردد. حال آنکه انتخاب مدیران محله ای از سوی مراکز یا نهادی رسمی، چه بسا به نوعی بی تناسبی میان مشکلات و مسایل موجود در سر راه توسعه محله و اقدامات مدیران انتخابی بینجامد و در نتیجه در عوض توسعه محله ای رکود و بی رونقی در محلات رادری داشته باشد.

6-7 نقش مدیریتی مساجد در توسعه محله ای

برخی از روندهای بارز زندگی اجتماعی در کلان شهری چون تهران در اکثریت شهرهای بزرگ جهان در فرآیند شهرنشینی و نوگرایی حضور دارند.

نوشته های جامعه شناسان معتبری چون امیا دورکیم، کثورت زیمل و لویی ورت در اشاره به مشکلات جامعه شهری ابتدای قرن بیستم آغازگر این مباحث بوده اند.

به عنوان مثال، زیمل معتقد بود که ساکنان شهرهای بزرگ به طور مداوم در معرض «تحریک عصبی» قرار دارند که لاجرم فرد را به بی تفاوتی و جدایی از افراد دیگر سوق می دهد.

لویی ورت نیز براین باور بود که تضعیف پیوندهای سنتی در شهر در اثر تخصص های گوناگون از وابستگی متقابل افراد و ارتباطات نزدیک آنان می کاهد. در تحلیل نهایی آنها زندگی شهری رابه تنهایی، انزوا و احساس عدم امنیت معادل می گرفتند.

در نقطه مقابل، پایه و اساس دین اسلام بر اصل اجتماعی بودن قرار گرفته است تا انسان را از زندگی فردی و خزیدن در کنج غربت به تنهایی برهاند و او را به سوی زندگی جمعی و اجتماعی سوق دهد. از این رو، اسلام همواره مؤمنین را به شرکت در اجتماعات برای عبادت خداوند ترغیب می کند زیرا تنها از طریق اجتماع است که مسلمانان می توانند به صورت ید واحدی در مقابل مصایب و مشکلات ایستادگی کنند.

در این جاست که مساجد به عنوان جایگاه های سنتی نهادهایی در راستای رفع مشکلات مادی و معنوی رخ می نمایند.

با مرکزیت یافتن مساجد به عنوان نهادهای مدیریتی در سطح محله ای نهاد خانواده نیز قوت می گیرد. شواهد بسیاری در دست است که نهاد خانواده در ایران در اثر عواملی مجزا از جمله ادامه عمومی مدرنیزاسیون و شهرنشینی و افزایش ولع ارتقای اجتماعی در تلاش برای ورود به دانشگاه و مدارس خصوصی و گسترش در کنار عدم درخواست و توانایی دولت جهت تقویت نهاد خانواده، همه و همه فرآیند تضعیف این نهاد مهم اجتماعی را فراهم آورده است. علاوه براین با مرکزیت مساجد، محلات نیز قوت می گیرند. از حیث تاریخی محله کارکردهای متعدد اجتماعی دانسته است که به ویژه در مراکز تجمع گروهی همچون مساجد، هیأت ها، قهوه خانه ها و... تبلور می یابد. این فعالیت های جمعی و هنجار و ارزش های نسبتاً بیشتر در آن طبعاً اثری تنظیم کننده بر رفتارهای جمعی دارد.

فرد عضوی از محله محسوب شده و نوعی همبستگی جمعی میان او و دیگران شکل می گیرد. در چنین حالتی فرد در ارتباط های مدنی و ضابطه مند قرار گرفته، خود را به گفتگو و همبستگی های سنتی پایبند نموده و از هویت جمعی جدیدی برخوردار

می گردد. در این جاست که با گسترش چنین وضعیتی، ارتباطات مدنی و ضابطه مند گسترش یافته و محله به عنوان بخش خردی از ساختار کلان شهری چون تهران مطرح شده و رابطه ملموس توسعه و پیشرفت آن در رابطه با مساجد و ارتباطات افراد محله مشهود و هویدا می گردد.

فصل هفتم

7-1) حوزه های اجتماعی شهرها

حوزه های اجتماعی در شهرها سابقاً به عنوان حوزه های طبیعی خوانده می شد و از آن تعریفی بدین سان ارائه می گردید: حوزه طبیعی در شهرها، یک حوزه جغرافیایی است که به وسیله مشخصات طبیعی محل و خصیصه های فرهنگی مردم، از سایر بخش های شهری کاملاً متمایز داده می شود. (لنکستر، جونز-ابعاد ساختار اجتماعی شهری، دانشگاه تورنتو).

مطابق این تعریف، حوزه های شهری عبارت است از یک مکان جغرافیایی در داخل شهرها که ساکنین آن از خصلت های فرهنگی و روابط اجتماعی خاصی تبعیت نمایند.

به دیگر سخن، از نظر اکولوژیکی، یک حوزه طبیعی، بوم طبیعی گروه کاملاً مشخص اجتماعی است. در حقیقت هدف از طرح حوزه های اجتماعی شهرها، شناخت محلات و مناطق شهری با شاخص های انتخابی است تا بتوان به هنگام برنامه ریزی شهری از واقعیت های اجتماعی در این حوزه ها کاملاً مشخص بهره مند گردید. پیشگامان مکتب اکولوژیک شهری که حوزه های طبیعی را در داخل شهرها مطرح می نمودند، بر این باور بودند که در دنیای طبیعت، جنگلها، صحراها، دشتها و کوه ها با بوم طبیعی، گونه های مختلف گیاهی و حیوانی عرضه می دارند. جامعه بشری نیز بدین سان عمل می کند و در این جامعه، در نتیجه عامل رقابت گروه های مختلف اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده و ناگزیر به یک جدایی گزینی اکولوژیکی تن در داده اند. بنابراین آنچه گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که حوزه های اجتماعی در داخل شهرها از عده ای از خانواده های شهری تشکیل می گردد که در یک حوزه جغرافیایی محله یا در یک منطقه کاملاً معین با مرزهای مشخص زندگی می کنند. این عده از پایگاه اقتصادی-اجتماعی مشترکی بهره مند می باشند.

7-1-1) محلات به عنوان حوزه های خرد اجتماعی

در ساده ترین تعریف، محله از خانه های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می شود. خانواده ها نسبت به محله خود همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبرو می بینند.

محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط مستحکم همسایگی و اتحاد مشارکت غیر رسمی میان گروهی از مردم به وجود می آید. برای تشکیل یک محله شهری شرایط چندی به شرح ذیل لازم است:

1- دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد.

2- پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک از گروهی از مردم شهر.

3- وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم. (تامپلسون، والف، ساختار شهری: ص 118)

در محلات به افرادی که بر پایه خانه مجاور هم زندگی می کنند، همسایه گفته می شود.

ارتباط همسایگان در محلات شهری، به هنگام نیاز و بحران بیشتر شده و تعاون و همیاری آنان افزایش می یابد. مراسم تدفین، جمع آوری اعانه، آتش سوزی و عدم امنیت از آن جمله است. میزان وابستگی و ارتباط همسایگان در روستاها بیش از شهرهاست و با توجه به کیفیت کار در روستاها همیاری همسایگان بیشتر شدت می یابد تا آنجا که نگه داری کودکان بی سرپرست و بی مادر را اغلب همسایگان بر عهده می گیرند. در محلات قدیمی به ویژه محلات طبقه کم در آمد، ارتباط همسایگان نه مانند روستاها اما با تعاون و همیاری بیشتری همراه است. ارتباط همسایگان در محلات از طریق مراکز مذهبی و عبادت گاه ها نظیر مساجد، تکایا، باشگاه های ورزشی، قهوه خانه ها و کچه ها و... صورت می گیرد. معماً در محلات شهری، کیفیت واحدهای فیزیکی (محله) منطبق بر رفتار اجتماعی است. از این رو هر محله ای از مشخصاتی متمایز به سایر محلات برخوردار است. از طرفی، هریک از محلات دارای منطقه ای نفوذی است که در آن مغازه ها، مدارس، مراکز مذهبی و مساجد و... قرار دارند که مردم محله می توانند به آسانی در همه روزها از آن بهره مند گردند.

حضور در مؤسسات محله نظیر مراکز مذهبی، مساجد، مدارس و... به مردم محله امکان می دهد تا خود را در یک محدوده کاملاً مقید احساس نموده و تعلق بیشتری نسبت به منطقه مسکونی خود بیابند. بنابر آنچه گفته شد می توان گفت که محله هم یک واحد فیزیکی و هم یک واحد اجتماعی است. در میزان احساس محله ای، عامل وسعت نقش اساسی را ایفا می کند، به نحوی که هر اندازه سهولت دسترسی به مؤسسات عمومی و تجهیزات محله ای نظیر مساجد، مدارس و... بیشتر باشد احساس تعلق فرد یا افراد به محل و اجتماع محله ای هر چه بیشتر تقویت شده و افزایش می یابد. در مقابل، هر اندازه که دسترسی به نیازهای روزانه و تجهیزات شهری با اتومبیل صورت گرفته و فاصله حرکت بیشتر باشد به همان اندازه احساس محله ای کاهش می یابد. (پورتیوس، داگلاس، رفتار محیط: ص 72)

شرایط فیزیکی و اجتماعی منطقه مسکونی و محله هر یک به نحوی در میزان رضایت از روابط همسایگی مؤثر است. در یک بررسی انجام گرفته در خصوص محلات برخوردار از تعداد محدود مراکز مذهبی و مساجد، مشخص گردید که در محلاتی که از تعداد محدودی مساجد و مراکز مذهبی برخوردارند به ویژه محلات طبقه مرفه جامعه- هر یک از افراد در گذر از محله خود تنها موفق به ملاقات تعداد محدودی از دوستانشان می گردند و این در حالی است که در محلات برخوردار از تعداد بیشتر اماکن مذهبی و مساجد، میزان ملاقات ها از افزایش چشم گیری برخوردار می باشد. محله به صورت یک واحد فیزیکی با هویت کاملاً مشخص اجتماعی، الگوهای مشترک زندگی، استفاده برابر از امکانات و مؤسسات عمومی به عنوان ابزار کار برنامه ریزان شهری شناخته می شود. به نظر عده ای در برنامه ریزی های جدید لازم است که روی پیوند طبقات شهری و گروه های قومی و مذهبی تأکید بسیار صورت گیرد تا بیگانگی و اضطراب دایمی زندگی شهری در مردم شهرها کاهش یابد. این عده معتقدند که ترکیب طبقات مختلف در محلات سبب تقویت روابط اجتماعی - انسانی و کاهش محدودیت های میان افراد ساکن شهرهاست. حتی این نظر تقلید خصوصاً گروه ها ی قوم می و مذهب گوناگون در یک محله، فکر اعمال تبعیضات نژادی و همچنین پیش داوری نسبت به این گروه ها را تضعیف می نماید.

از طرفی، محلات متشکل از گروه های قومی و مذهبی با طبقات مختلف نه تنها از نظر اجتماعی بلکه از جهت فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی نیز مهم می نماید. به عبارتی احتمالاً پدیده اجتماع محله ای و ترکیب اجتماعی موجود در آن که پاره ای از برنامه ریزان شهری بدان معتقدند، از زندگی روستایی متأثر شده اند که غنی و فقیر می توانند در نهایت آرامش در مجاورت یکدیگر به زندگی پر احساس ادامه دهند.

7-2) دین به عنوان یک نیاز اجتماعی

ارزش از بنیادی ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و همچنین شکل گیری حیات اجتماعی است. (ساروخانی، 1376: 909)

ارزش های اجتماعی از اساسی ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می توان جامعه را به زوال یا تعالی کشاند. (رفیع پور، 1378: 267)

ارزش های مذهبی نیز یکی از انواع ارزش ها در هر جامعه ای است و باید گفت تجلی آن در کلیه جوامع به یک شکل خاص نیست. همانگونه که جلوه آن در افراد مختلف و با توجه به شرایط زمانی می تواند متفاوت باشد. به نظر می رسد توجه به یک امر مقدس در همه زمان ها وجود داشته است. دین مفهومی است که می توان برای آن ابعاد مختلفی قایل شد. برخی دانشمندان علوم اجتماعی دینداری یا وابستگی به مذهب را دارای حداقل دو بعد (اجرای قوانین مذهبی) و اعتقادات مذهبی (دانشته اند) اجرای فرایضی نظیر نماز، روزه، انجام مناسک گوناگون مذهبی در مساجد از طریق مشاهدات علمی آشکار می گردد. اعتقادات مذهبی نیز از طریق پاسخگویی به سؤالات عقیدتی مکشوف خواهد شد. (طالبیان، نمایه پژوهشی: ص 122)

مناسک مذهبی و دینی، ناظر بر نیازهای اجتماعی ریشه دار انسانی است و دین واقعیتی اجتماعی است. وقتی شخصی به دین عمل می کند یا در اماکن مذهبی چون مساجد حضور می یابد، در واقع حس همبستگی و خود اتکایی به گروه و حس بودن در جامعه را نشان می دهد.

دین، زبان مشترک اخلاقی جامعه و امری است که در تثبیت اوضاع نقشی به سزا دارد. دور کیم معتقد است که در جامعه برای بقا باید عاملی در درون فرد آحاد جامعه حضور داشته باشد و این عامل مذهب و دین است که در درون افراد احساس اخلاقی نسبت به مصالح اجتماعی را پدید می آورد، بنابراین مکانیسمی است که سازمان اجتماعی را حفظ نموده و یک نیاز اجتماعی محسوب می گردد. (فراست خواه، 1377: 14)

7-3) مسجد، مهمترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی

با وجودی که خانواده، مؤثرترین عامل حفظ هویت دینی و ایمان فردی است و در میان اعضای خانواده، مادر (البته با حمایت پدر خانواده) بیش از هر فرد دیگری مستقیماً در هویت دینی فرزندان نقش و مسئولیت دارد. اما با این حال نقش مسجد در این جهت به عنوان مددکار خانواده از اهمیت به سزایی برخوردار است.

به عبارت دیگر، با وجودی که مهمترین اجتماع در ساختار زندگی اجتماعی، خانواده است، با این حال مساجد چه به عنوان مراکز تأمین کننده آموزش های دینی و چه به عنوان محل تجمع و همبستگی افراد به ویژه در سطح محله ای به ایفای نقش در این زمینه می پردازند.

به عبارت دیگر، مسجد به افراد جامعه به ویژه افراد ساکن در محلات یاد آوری می کند که مسلمان اند و باید هویت و وحدت اسلامی را حفظ کنند.

مساجد از اهمیت بسیاری در دین اسلان و نزد مسلمانان برخوردارند و این نه تنها برای آن است که مساجد، محلی برای ادای فریضه نماز، استماع خطبه های دینی و تشکیل کلاس های آموزشی دینی است، بلکه به عنوان مکانی برای تجمعات اجتماعی

وهمیاری مسلمانان در مناطق، محلات، شهرها، به ویژه برپایی مراسم اعیاد مذهبی و جشن هایی است به این مناسبت وگرد هم آوری مسلمانان گرد کانون اجتماعی وحدت مطرح است. از این رو مساجد با برگزاری جشنها یویژه و اعیاد مذهبی، فرصت های مناسب و مقتضی برای برادران و خواهران دینی جهت آشنایی و تبادل نظر با یکدیگر را فراهم می آورند که در نتیجه این چنین برخوردهایی، احساس مذهبی و مسلمانی افراد تقویت شده و به غنای هر چه بیشتر گردهم آیی مسلمانان در قالب اجتماعات محلی و محله ای مکنجر می گردد. در طول تاریخ تمدن اسلامی، مسجد و شهر همواره در یک رابطه کل نگرانه، متضمن حیات یکدیگر بوده اند. رابطه متقابل، زنده و پویای میان مسجد و شهر در تاریخ تمدن اسلامی برقرار است. مسجد همواره جز لاینفک شهرها و محلات مسلمان نشین و بیش از آن، عنصر تشکیل دهنده و هدایت کننده تغییرات و توسعه شهری و مبنای تمایز شهر از روستا به شمار می رفته است. دین اسلام با سرعتی سرسام آور، جغرافیای سیاسی دنیای باستان را متحول ساخته و شهرنشین و بیابان گرد را در قالب امت واحد گرد می آورد که با پیوندی فرهنگی و معنوی، تمدنی بس گسترده را برپا داشته است؛ تمدنی که به سرعت بر آثار باقی مانده شهرهای باستانی رشد نموده و شهرهای با هویت و ویژگی های خاص خود را پدید می آورد. به طور کلی می توان گفت که نقش مساجد در این هویت بخشی، نقش محوری بوده است. استعاره (بیت الاسلام) برای شهر، اشاره ای نمادین به تقدس و حرمت شهر از دیدگاه اسلامی دارد، هم چنان که مکه (دارالامان) است. باوری دیرین در تمامی بینش های توحیدی به ویژه در دین مبین اسلام، شهر را به گونه ای نمادین محل و عامل ارتباط بشر با جهان هستی و کیهان می داند؛ جایی که انسان تعادل خویش را میان جسم، روح، زمین و آسمان در آن کسب می کند. از این رو شهرهای باستانی، بالگوهای نمادین برگرفته از هندسه مقدس بیانگر نظم جهان هستی، پی افکنده می شوند. در حقیقت می توان گفت که هر شهری محوری است از تجمع ارزش هایی که تمدنی را می سازند و در نتیجه تصویر جهان را (براساس یک جهان بینی) به وجود می آورند. تصویر جهان در شهرهای اسلامی براساس پیوند زندگی مادی و معنوی، رابطه جدانشدنی اقتصاد، سیاست و مذهب اشاره دارد و براین اساس هویت ویژه و متمایز خود را می سازد. (بوات، شهر اسلامی: 7 و 97)

7-1-3 نقش تعاونی و اجتماعی مسجد

وحدت اجتماعی عنصری اساسی برای سلامت و بنای اساسی هر جامعه ای است. مساجد در تحکیم این عنصر اساسی، نقش بس خطیر ایفا می نمایند. در چنین کانونی، زن و مرد، بزرگ و کوچک با افکار و سلیق مختلف همه در یک جا گرد آمده و همواره و هم سو دوش به دوش یکدیگر می ایستند. حضوری این چنین، وحدت و همدلی را در جامعه استوار می سازد. برپایه چنین ترسیمی از مسجد است که خداوند متعال، پیامبر خویش را از اقامه نماز و حتی حضور در مسجدی که وحدت جامعه اسلامی را دچار آسیبی می نماید، بر حذر می دارد. یکی از مهمترین علل تأکیدات پیامبر (ص) و ائمه معصومین مبنی بر حضور مسلمین در نماز جماعت در قالب صفوف فشرده و نزدیک، ایجاد روحیه تعاون در صف نماز گزاران و افزایش بعد اجتماعی در کنار انجام اعمال عبادی است. از آغاز اسلام، از مسجد علاوه بر پرداختن به وظایف دینی و الهی، استفاده های دیگری نیز شده است. این کار حتی پیش از هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه صورت می گرفت. مردم برای بحث در خصوص مسایل روزانه و انجام فعالیت های دیگر خود، گرد کعبه گرد آمده و به بحث و گفتگو با پیامبر می پرداختند. با احداث مسجد پیامبر در شهر مدینه، استفاده از این مؤسسه جدید (مسجد) به عنوان مرکز اجتماع مردم، آغاز شد.

در حال حاضر، مساجد به عنوان مراکز اجتماعی از سه طریق اجتماعی، سیاسی و آموزشی به مراجعان خود خدمت می رسانند. مساجد به واسطه در دسترس بودن و توزیع کلیه محلات شهری، محل مناسبی برای برگزاری مراسم گوناگون عبادت

ومذهبی واجتماعات محلی به شمار می آیند. مساجد نقش مهمی را درتشکل مسلمانان ایفا می نمایند. مساجد همواره و در هر عصر وزمانی می توانند چنین نقشی را ایفا نموده ومحور ومركز مناسبی برای تشکل وهماهنگی مسلمانان باشند. مؤمنان حق جو، همه روزه برای تحکیم میثاق بندگی وپرستش در مساجدحضور می یابند.

از این رو مسجد به طور طبیعی وبی آنکه به امکانات ویژه ای نیاز داشته باشد زمینه پی ریزی وایجاد تشکیلات طبیعی وسالم را فراهم می آورد. تشکلی که در پرتو مسجد پدید می آیداز بسیاری از آفت ها ومخاطرات که اغلب گریبان گیر احزاب وگروه های سیاسی می گردد، دور می ماند. چنین تشکلی در دیدگاه همگان قرار داشته وبرای عضویت در آن ،محدودیت هایی که معمولاً از باورهای خودمدارانه ریشه می گیرد، وجود نداردچرا که هر مسلمان مؤمنی می تواند در این تشکل شرکت جوید. حضور افراد گوناگون از اقشار مختلف جامعه در مساجد به ویژه مساجد محله ای سبب می گردد تا این تشکل ریشه دار بوده وبا بخش های مختلف جامعه وطبقات گوناگون اجتماعی پیوند داشته باشد. نقش تعاونی واجتماعی مساجد در ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار فعال بوده است. فعالیت صندوق های قرض الحسنه، جمعیت های خدمت ورسیدگی به مستمندان وبیماران، جمعیت های حمایت از معلولین، گروه های تهیه وتدارک جهیزه، صندوق های کمک به امر ازدواج ودرمانگاه های ویژه بیماران سرپایی در مساجد، همه وهمه نشان از اعتبار ومیزان اهمیت کارکرد اجتماعی مساجد به ویژه در سطح محله ای دارد. مساجد همچنین در رشد وتوسعه زندگی مردم حتی در وضعیت کمبود منابع نقشی داشته وهمواره به عنوان ناظر بر روندانجام امور مطلوب اجتماعی ومردمی فعالیت داشته اند. در این راستا ،مساجد با انگیزه سازی درمردم به رشد روحیه خود یاری وانجام امور داوطلبانه در سطح محله ای کمک به سزایی نموده اند. امروزه با وجود گسترش شهرنشینی وافزایش جمعیت شهرها وهرچه صنعتی شدن مراکز ومحلات شهری وکمرنگ تر شدن ارتباطات اجتماعی به ویژه در سطح محله ای، نفوذ اجتماعی مساجد به عنوان مهمترین کارکرد مساجد از اهمیت به سزایی برخوردار گردیده است . مساجد به واسطه برخورداری از چنین کارکردی با دیگر عبادت گاه های مذهب رسمی قابل قیاس نیستند. از این رو امروزه کلیسا از حق دخالت در امور اجتماعی وجوامع حتی در سطح محله ای ومنطقه ای برخوردار نیست. از این رو مسیحیان در هفته یک روز به کلیسا رفته وبه عبادت خدا می پردازند اما با خروج از آن مکان، رابطه مسیحیت و کلیسا بادنای اجتماعی وافرادپیرامون آن قطع می شود. این در حالی است که در دین اسلام، نخستین سنگ بنای جامعه بااحداث مسجد بنیان نهاده شد مسلمان قرین شد.

7-2-3) مسجد کانون اجتماعات محلی

مسجد تنها محل برگزاری مجالس ترحیم وعزاداری نیست، بلکه پذیرای مسایل ومراسم ازدواج، تعلیم وتربیت، مذاکرات وتصمیم گیری های اقتصادی وتجاری وامور مربوط به خانواده می باشد. دراینجاست که زمینه ایجاد اخوت اسلامی فراهم می گردد. فلسفه اساسی تأسیس مسجد در محله ها وشهرها ،تحقق همین امر است.

به عبارت دیگر ، مسجد صرفاً مکانی برای انجام فریضه نماز ودیگر مراسم مذهبی نبوده وبه عنوان کانون اجتماعات ایفا نموده است . در حال حاضر اجتماعات محله ایدر بدو امر در قالب حضور افراد محله در مساجد محلی ودیگر فعالیت های جمعی مشابه رشد یافته وبه مرور زمان به بلوغ می رسد. برقراری روابط میان فردی با هدف گذاری های جمعی در سایه مساجد به عنوان نهاد های اجتماعی مستقل وفعال از جمله مهمترین روش های ایجاد سازگاری اجتماعی افرادودرک مسایل اجتماعی وفرهنگی جامعه به ویژه اجتماعات محله ای محسوب می گردد.

7-4) آسیب شناسی نقش اجتماعی محلات

تا سه دهه پیش در اغلب شهرها، محلات از اعتبار خاصی برخوردار بودند و این در حالی است که طی سه دهه اخیر، محلات شهری به صورت جزیره ای در دریای فرهنگی ملی جوامع و خرده فرهنگ های شهری در آمده اند. تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک از اعتبار محله ای به عنوان عامل مهم در زندگی فردی اجتماعی کاسته است. در گذشته محلات جدید شهری از کسانی تشکیل می شد که یا به ندرت از حوزه های روستایی آمده و یا از شهر های کوچک متوسط به شهر های پرجمعیت مهاجرت کرده بودند. این عده معمولاً در محلات معینی جای می گرفتند. توسعه شبکه های تلویزیونی، افزایش میزان جابجایی افراد در فضای شهری را سرعت بخشیده و سابقه ده ها سال اقامت خانواده ها در محلات معین متزلزل ساخت. از سویی، زمانی که اتومبیل وارد خانواده های شهری شد، محلات جدید و نوسازی به روی صاحبان اتومبیل گسترده شد. معیارهای محله نشینی که قبلاً بر پایه مذهبی قومی-قبیله ای و شغلی استوار بود، شکسته شد. در گذشته همسایگان را سوپر مارکت های کوچک و بزرگ با انواع تولیدات و مواد غذایی در اغلب ساعات شبانه روز انجام می دهند. سابقاً که همسایگان با برقراری تماس های دوستانه نزدیک از اخبار مهم محله، شهری و جهانی باخبر می شدند، امروزه این مهم را رادیو و تلویزیون ها، روزنامه ها و رسانه های خارجی به میان خانواده ها می برند.

گسترش تماس با تلفن شهری با دیگر شهرها و روستاها و افراد خانواده، مشکلات فاصله را از میان برده و افراد و خانواده ها را به گوشه های مختلف شهری کشانیده است. پر واضح است که تمامی این عوامل در کاهش ارزش های محله ای بسیار مؤثر افتاده است. (پورتیوس، داگلاس، محیط و رفتار: ص 85)

7-5) کارکرد اجتماعی مساجد

مسجد به عنوان یک مکان از دو جلوه متفاوت برخوردار است. به عبارت دیگر دو گونه رفتاری در این مکان ویژه تجلی می یابد که در امر تعلیم و تربیت و جهت دهی رفتارهای فردی و جمعی بسیار مؤثر است. در جلوه ظاهری مساجد، رفتارها و اعمال و روابط پسندیده دینی و مذهبی و مقبول شرع و دین رخ می نماید و این در حالی است که در جلوه پنهانی مسجد، رفتارهای شخصی، غیر جمعی و کنترلی رخ می دهد. هنگامی که انسان ها به صورت جمع در حال برگزاری مناسک و انجام فرائض دینی هستند، رفتارهای جمعی مقبول و عمومی ظاهر می گردد. هنگامی که افراد به صورت جمعی و غیر فردی در مسجد ظاهر می شوند خود به خود به محاسبه، کنترل و بررسی رفتارهای شخصی و فردی خود می پردازند. ویژگی مساجد به عنوان مکان های مقدس در مقابل سایر اماکن در این است که مسجد ماهیتاً علاوه بر اینکه محلی برای تجمع و همبستگی جمعی است و انسان ها با حضور گروهی خود در آن به همبستگی رفتارهای جمعی می اندیشند، بلکه به طور مکانی و موقعیتی و با عنایت به نگاه خاص فردی که در آن مکان حضور می یابد، خود به خود فرد را به درون خود ارجاع داده و آنچه را که در جمع از طرح آن پرهیز می نمود، در حالت انفرادی به طرح آن می پردازد. گفتنی است که طرح موضوعات و مسایل رفتاری و فکری بیشتر حالت اصلاح کنندگی، ترمیمی و کنترلی دارد. براین اساس می توان پذیرفت که هم حضور جمعی و هم حضور فردی در مساجد می تواند رفتارهای مطلوب فردی و جمعی را در فرد برانگیزاند و این در حالی است که سایر اماکن ممکن است تنها یکی از این حالات تأثیری را بر جای گذارند.

به عنوان مثال حضور در مدرسه، ماهیتاً و به لحاظ موقعیتی که دارد، حضوری جمعی است و اثرات احتمالی آن تنها با حضور جمع معنا دار می گردد. به عبارت کلی، مدرسه جایی نیست که افراد بخواهند به طور انفرادی در آن جا حاضر شده و به فعالیت

بپردازند. بدین ترتیب برای مساجد نیز می توان نقشی دوگانه قایل شد. نقش نخست، کمک به اصلاح وانجام رفتارهای جمعی افراد است؛ چرا که افرادی که در مساجد گرد هم می آیند، از طریق دین و آیین ها و مناسک جمعی به یکدیگر متصل می گردند و این از آن روی است که عقاید مذهبی درونی بوده و نیاز به آیین ها و شرکت در مراسم رادر پی دارد. افراد با حضور در این مراسم وانجام فعالیت های عبادی، هویت جمعی خود رسامان می بخشند. اگر چنانچه به رابطه میان دین و مذهب و ماهیت روابط ونهادهای اجتماعی توجه کنیم، در این صورت کارکرد اصلی دین (تنظیم نیازها و کنش های انسانی از طریق جلب اعتماد به امور مقدس و اتصال افراد از طریق آیین ها و مناسک جمعی به گروه) خواهد بود. به هر حال مساجد می توانند به ایجاد وتقویت رفتارهای مقبول کمک کنند. رفتارهایی که ممکن است انجام آن در جامعه معمول باشد، ممکن است در مسجد پسندیده ومقبول نباشد. از این رو، کارکرد مهم مساجد، ایجاد تمایز میان رفتارهای بطن جامعه با رفتارهای داخل مسجد است.

به عبارت دیگر، برای ظهور وتجلی برخی رفتارها، لاجرم به موقعیتی مکانی به نام مسجد نیاز است. (سجادی، سید مهدی، مسجد وتعلیم وتربیت: ص 247)

7-1-5) مساجد وتعاون اجتماعی

مساجد، پایگاه عمومی مسلمانان ومحل حضور اقشار مختلف اجتماع به شمار می آید. از این رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان ومشارکت آنان در برطرف نمودن نارسایی ها و آسیب های اجتماعی است. مسجد در جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزش گذاری است؛ به عبارتی ارزش های فراموش شده مجدداً در مساجد مطرح می گردد. از دیگر نقش های اجتماعی مساجد می توان به کارکرد مسجد دررورش نیروهای متعهد اشاره کرد که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد، زیرا مسجد با هدایت فکری وتربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت وآمد افراد به مساجد، اخلاق، آداب وخط مشی آنان تا حدود زیادی هویدا می گردد که این خود در روابط افراد با یکدیگر سازنده ومؤثر است. حاکمیت اسلامی نیز می تواند از این رهگذر، نیروهای متعهد مورد نیاز خود را جهت تحقق فریضه امر به معروف ونهی از منکر شناسایی کند. در این راستا، در سایه تجمع وانسجامی که مؤمنان در مساجد می یابند می توان بهترین تشکل مردمی راجهت مبارزه با منکرات ومفاسد وآسیب های اجتماعی پی ریزی نمود.

7-2-5) مساجد وبرقراری عدالت اجتماعی

برقراری امنیت ورفاه اجتماعی در جامعه، دامنه وسیعی از فعالیت ها وبرنامه های پیش گیرانه، حمایتی وامنیتی وخدمات اجتماعی خاص راشامل می گردد که تحت نظارت وکمک دولت ها ونهادها وگروه های مردمی نظیر مساجد، کانون های اجتماعی-فرهنگی، به منظور حفظ سلامت همه افراد جامعه صورت گرفته واز دو رویکرد در جهت گیری خاص وعام بخوردار می باشد. در رویکرد عام، برای برقراری امنیت اجتماعی با محوریت قرار دادن سلامت وباتأکید بر اصول پیشگیری از ارتکاب جرم برای ارتقای کیفیت زندگی آحاد مردم ومشارکت همه جانبه آنان، برنامه های ارتقایی پی ریزی وبه مور اجرا گذارده می شود. در رویکرد خاص، ارائه خدمات اجتماعی به افراد به خصوص افرادی که در معرض خطر بیشتری نسبت به آحاد جامعه هستند، به ویژه در سطح خرد(محل ای) مدنظر قرار می گیرد. در این راستا اصول راهنمایی جهت تحقق امنیت اجتماعی به شرح زیر مدنظر می باشد:

1- تأکید بر سلامت وسلامت محوری جامعه وارتقای مستمر کیفیت زندگی آحاد جامعه.

2- تأکید بر ارائه خدمات امنیتی علاوه بر ارائه خدمات حمایتی

3- محور قرار دادن آسیب های اجتماعی و جرایم در مقابل افراد آسیب دیده و پیشگیری از بروز آنها.

4- بهبود شناخت علمی و سیستماتیک آسیب اجتماعی و انجام برنامه های اجرایی و پیش گیرانه در این خصوص .

5- تأکید بر تسهیل شرایط مشارکت و رقابت مردم بانهادهای مرکزی نظیر مساجد و تکایا در برنامه های امنیتی به ویژه امنیت محله ای.

7-3-5) ستادهای حفاظتی اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی

همانگونه که مساجد از صدر اسلام تاکنون به عنوان مردمی ترین پایگاه اعتقادی و اجتماعی و مرکز نشر فرهنگ اسلام مطرح بوده اند، امروزه نیز در مبارزه با تهاجم فرهنگی و تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر پیش قدم می باشند. با تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مساجد به ویژه مساجد محله ای و اداره آنها در قالب تشکل های مردمی و سازمان یافته، کارکرد امنیتی و پیش گیرانه مساجد از بروز و گسترش جرایم و آسیب های اجتماعی پررنگ تر شده و به همان نسبت امنیت اجتماعی افراد جامعه به ویژه در سطح محله ای افزایش می یابد. با تشکیل هسته های ستاد حفاظت اجتماعی به عنوان نهاد حفاظت اجتماعی صدرصد مردمی در بیش از یکصد هزار محله کشور، برقراری امنیت شهری در سطوح شهری و محله ای هر چه بیشتر تضمین می گردد.

در حقیقت ستاد حفاظت اجتماعی عهده دار نقش کشف و پیگیری از وقوع جرایم و در نهایت حفاظت از امنیت و نیاز های اجتماعی جامعه توسط خود شهروندان است. به عبارت دیگر این ستادها به عنوان سیستم دفاعی هر محله در برابر بزهکاران و مجرمین فعال می نماید. باره اندازی چینی هسته های اجتماعی در محلات و اماکن عمومی، آسیب های اجتماعی هر محله شناسایی و تحریکات مجرمین و بزهکاران اجتماعی محلات زیر ذره بین اعضای مردمی ستاد قرار می گیرد. در اغلب کشورهای پیشرفته، امور امنیتی و حفاظت اجتماعی، به تشکل های مردمی و یا بخش های خصوصی نظیر کاراگاهان غیر رسمی واگذار می گردد. به عبارتی، این چنین تفکری از سال ها پیش در جوامع توسعه یافته در حال اجراست. امروزه حفاظت از محیط زیست با تخریب کنندگان طبیعت و محیط زیست به مقابله می پردازد، حفاظت اجتماعی نیز نقش مبارزه با بزهکاران و خاطیان اجتماعی را بر عهده داشته و از آلوده شدن جامعه به جرم و بزه و ناامنی جلوگیری می کند. در کشورهای اسلامی من جمله ایران، هسته های ستاد حفاظتی در مساجد و یا کتابخانه های محله ای تشکیل می یابد. با تشکیل ستاد حفاظتی در مساجد محلات، حقوق و آزادی های شهروندان تضمین شده و با جلوگیری از تعرض های نابجا به زنان، دختران، پسران و جوانان، امنیت گروه های سنی مختلف تأمین می گردد.

7-6) نقش دین و مساجد در کاهش آسیب پذیری اجتماعی

عنصر عظیم اجتماعی دین، کارکرد های ارزشمندی در تحرک و شادابی اجتماعی در عرصه های مختلف داشته، و عامل مهمی در سلامت جامعه و کاهش آسیب پذیری اجتماعی محسوب می گردد. از این رو بدیهی است که تقویت آن در جامعه به ویژه در سطح محلی و محله ای، به ارتقای سطح ارزش های اخلاقی و انسانی و سلوک اجتماعی و بالا رفتن ضریب امنیت و مشارکت های مردمی و مسئولیت های اجتماعی منجر گشته و کاهش مفاسد اجتماعی و اخلاقی و بسیاری از جرایم را نیز در پی دارد. این کارکرد ارزشمند و منحصر به فرد دین، آن را در میان سرمایه های اجتماعی متفوق ساخته و بر این اساس باید در صذر کالاهای

عمومی در نظام برنامه ریزی کشور قرار گیرد. با نگاهی اجمالی به برخی کشورها از جمله جمهوری ترکیه می توان مشاهده کرد که آنها نیز علی رغم تمایلاتشان در پرداختن به مباحث دینی، به لحاظ کارکردها و تأثیرات عمیق دین بر بهبود و سلامت زندگی فردی و اجتماعی و برقراری امنیت اجتماعی، به انجام سرمایه گذاری کلانی در این بخش مبادرت نموده اند. مسجد محلی است که مشکلات اجتماعی با امید و وحدت در آن مطرح شده و ارضای نیازهای جنسی و روحی در سطوح تصمیم گیری بانیت خیر در آن منعقد می گردد. در مساجد می توان شاهد بازگشت تمامی طبقات و اقشار مختلف جامعه بود. کدورت طبیعی افراد جامعه در آب زلال مساجد شستشو شده و حب و بغض های بیهوده و مظاهر دنیوی به فراموشی سپرده می شوند، اگر مسجد نقش آفرینی خود در تهذیب روح اجتماع را به درستی انجام ندهد، شدت مشکلات و اضطراب های تمدن به ظاهر ماشینی، جامعه را در هم ریخته و انحرافات و آسیب های بسیار اجتماعی در جامعه بروز می نماید؛ از این رو مساجد با برخورداری از کارکرد امنیتی خود، نقش به سزایی در مهار واز میان بردن آسیب های اجتماعی به ویژه در سطح محله ای ایفا نموده و بدین ترتیب موجبات برقراری امنیت در محله ها و شهرها را فراهم می آورند. با حضور در مساجد به عنوان مراکز عبادی اسلام در اصل ظهور یک واکنش و رفتار و نه لزوماً در کیفیت آن است. نقش امنیتی مساجد، نقش تکمیلی و تربیتی در جهت ایجاد و تقویت رفتارهای مطلوب و نه صرفاً نقش تثبیت رفتارهایی است که در مساجد رخ می دهند. (سجادی؛ سیدمهدی، مسجد و تعلیم و تربیت: ص 31)

مساجد، حافظ و پاسدار جهان اسلام اند. در جهان اسلام بسیار اندک اند شهرهایی که از دیوار هایی بلند و مستحکم همچون سایر شهرهای جهان برخوردار باشند. در جهان دژهای استواری برپاست که ضخامت و درازای برخی از آن به دیوار معروف چین می رسد، و برج هایی بلند و مستحکم همچون برج های مستقر در شهرهای اروپایی وجود دارند. این در حالی است که در جهان اسلام، تعداد دژها و دیوارها بسیار اندک است، زیرا در تمامی شهرها و محلات اسلامی، مساجد به عنوان دژهای اسلام و مراکز مدافع امنیت اجتماعی و ایمان و قدرت برتر به شمار می آید. در گذشته امت های مسلمان تنها به فضل دین اسلام و وجود مساجد متعدد از وجود فتنه های کوبنده و ویرانگر و آسیب های اجتماعی در امان مانده اند. به جرأت می توان اذعان داشت، همانگونه که آیین مسیحیت به همت پیروان خود زنده ماند، جهان اسلام و امت مسلمان نیز به فضل وجود مساجد پایدار و زنده مانده اند.

7-1-6) نقش مساجد در کنترل کنش های نابهنجار محلات شهری

به راستی آیا هنجارها در حال دگرگونی است؟

آیا بی هنجاری در حال گسترش است؟

آیا به سوی فروپاشی اجتماعی پیش می رویم؟

بی تردید یافتن راه حل برای مشکلات اجتماعی، صرفاً از توان دولت ها خارج بوده و بر نمی آید. سیاسی و امنیتی دیدن مسایل اجتماعی نیز که روش لا پوشانی را تجویز می کند، به تخریب بیشتر می انجامد. در این میان مراکز علمی و پژوهشی، نهادهای مدنی و به ویژه مساجد در جامعه اسلامی و رسانه های همگانی هستند که در کنار مردم و دولت ها یا حتی پیشاپیش آنها به چاره جویی بر می خیزند. بی هنجاری یا نابهنجاری متضمن فقدان، گسست، شکست یا تعارض هنجارهای اجتماعی است. این اصطلاح از منظر دورکیم، مبین حالتی نابهنجار است که در نتیجه گذار جامعه از انسجام مکانیکی به ارگانیک رخ می دهد.

به عبارت دیگر، بسط تقسیم کار اگرچه زمینه ساز نیل جامعه به انسجام ارگانیک می گردد، لیکن سبقت گرفتن اقتصادی بر اصول و تنظیمات اخلاقی در فرآیند تفکیک پذیری ساخت های اجتماعی و تخصصی شدن وظایف کارکردی، موجبات بروز آسیب های نابهنجار را فراهم می آورد، در چنین شرایطی، احساس سرخوردگی اجتماعی و همچنین نبود پیوندهای جمعی فرد را و می دارد تا کنش های نابهنجاری را از خود بروز داده و با گذشتن از نظم اجتماعی، در صدد ارضای تمایلات خویش بر آید. البته انجام این اعمال نیز چیزی از بی معنایی و احساس آشفتگی درونی فرد نابهنجار نمی کاهد. اما با این حال نظم عمومی را مخدوش می نماید.

این مفهوم اما از نظر مرتن، نارسایی فشارهای ساختی جامعه در همنوایی با ارزش های فرهنگی و دینی بازگشته و بروز انحراف را ناگزیز می سازد. به عبارت دیگر اگر افراد برای نیل به اهداف مطلوب فرهنگی و دینی نتوانند از ابزار مناسب اجتماعی بهره گیرند، ناچار به تأکید یک سویه به اهداف ساختی بالارزش های فرهنگی و دینی بسنده کرده و یا به جای چنین تأکیدی، راه انزوا و طغیان در پیش گرفته، و در نهایت سر از انحرافات اجتماعی در می آورند. از آنجا که بحران ها و انحرافات اجتماعی محصول عدم تراز مبادلات داده-ستانده خرده نظام های اجتماعی بوده و تنش های اجتماعی، از ناتوانی خرده نظام های اجتماعی در ایفای کارکردهای ساختی آنها حکایت دارد، از این رو اگر چنانچه خرده نظام های اقتصادی، سیاسی جامعه ای نتوانند پول، قدرت، نفوذ و تعهد ایجاد کرده و با خرده نظام های ارگانیستی شخصیتی، اجتماعی و رفتاری، از تولید نقش به تعلق، هنجار و ارزش باز مانند، براین سیاق، بروز بحران ها و تنش های اجتماعی حتمی است. در این جاست که نقش تربیتی و امنیتی کان های عبادی اسلام (مساجد) محله ای به عنوان خرده نظام های ارگانیستی و اجتماعی در از میان بردن احساس سرخوردگی اجتماعی و برقراری ارتباطات گروهی، فرد یا افراد جامعه را و می دارد تا به کنترل کنش های نابهنجار خود پرداخته و با رعایت نظم اجتماعی، از ارضای تمایلات خویش که بر خلاف مصالح اجتماعی آنان است، پرهیز نمایند. نقش امنیتی مساجد با نقش تربیتی این مراکز در ارتباط متقابل اند. منظور از نقش تربیتی مساجد، نقشی است که این نهادهای مقدس در زمینه های روحی ایفا می نمایند. آنگاه که مؤمن به مسجد وارد می شود، در فضای آکنده از قداست و طهارت، کانونی ساده و عاری از پیرایه های مادی اما ناباشته از جلوه های معنوی و الهی، قرار می گیرد. با آنکه گناه در همه جا نكوهیده و زشت است، اما در مسجد قباحتی دو چندان دارد؛ از این رو مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری در جهت آلوده نشدن به گناه، به زبان نیاوردن سخنان ظالمانه، تجاوز نکردن به حقوق دیگران، عدم ارتکاب به جرایم و آسیب های اجتماعی در چنین اماکن مقدسی انجام دهد. در حقیقت مراقبت بر به کار بستن چنین اموری، خود نوعی تمرین انجام کارهای خیر و دوری از بدی ها و برقراری امنیت در اجتماع است. از این رو حضور در مسجد، تمرین توجه به خداست. آزمون مبارزه با نفس و ترک گناهان و فعالیت های خلاف است. به واسطه برخورداری مساجد از روحیه گروهی، آثار تربیتی و سازنده حضور در مساجد، به تدریج به دیگر اعمال فرد و عملکرد سایر افراد نیز سرایت می کند. در مکتب تربیتی اسلام انزواطلبی و جمع گرایی به عنوان یک بیماری روحی شناخته شده و در مقابل اجتماعی بودن و جمع گرایی نشانه سلامت روح و روان آدمی و تعادل فکری وی به شمار می آید. افزون بر آنچه گذشت، مساجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و نارسایی های اجتماعی می باشند. به طور طبیعی حضور در چنین اماکنی، روح تعهد و دردمندی را در فرد و افراد می دم. پرورش این خوی پسندیده در افراد خود نوعی مبارزه با روحیه بی تفاوتی و بی تعهدی است؛ یعنی روحیه ای که هرگاه در افراد جامعه به ویژه نسل جوان پیدا شود، آسیب های اساسی بر پیکره آن جامعه وارد می گردد.

7-2-6) مساجد و عدم تضییع حقوق شهروندان

از آنجا که دین مبین اسلام برای تمامی شئون زندگی انسان برنامه وهدف دارد،مساجد نیز به عنوان ساماندهندگان رفتار دینی مردم ودر قالب نظم رفتاری در حیات اجتماعی مطرح می گردند.مساجد،پایگاه تبلیغ دین اسلام بوده وبسیاری از آثار اجتماعی نظیر اخلاص ودرستکاری،ساماندهی زندگی ونظم وتقوا بر آنها مترتب است.افرادی که بیشتر به مساجد آمد وشد دارند،رفتارشان در تمامی مراحل زندگی به شکل مثبت مشهود است،کمتر حقوق دیگران راضایع می کنند،زندگیشان با نظم وتوجه بیشتری توأمان است وآثار رفتار دینی آنان در زندگی اجتماعی آنان نیز به چشم می خورد.از دیگر سو،نقصان ارزش های دینی،سبب بروز بی نظمی ها وآشوب های اجتماعی ونهایتاً عدم برخورداری شهروندان از امنیت اجتماعی می گردد.مشکلاتی که بدین وسیله به فرد منتقل می گردد،به خانواده وی منتقل شده وسپس این درگیری وتشنج به محل کار نیز سرایت می یابد.این سیکل باطل مرتباً تکرار شده ودر نهایت نابسامانی فرد وخانواده وی را در پی داشته وعدم امنیت در کل جامعه را گسترش می دهد.(نقیب السادات،مسجد ونقش آن در رفتار دینی مردم:ص7)

اشخاصی که پیوسته به مساجد آمد وشد دارند،با اهل ایمان ونمازگزاران وافراد منظم ومتعبد در معاشرت ورفت وآمد هستند.ایمان وتعهد عملی آنان در معرض دید همگان قرار گرفته،به یک معیار شخصیتی واعتبار اجتماعی نیز دست یافته وقهرآین جمعیت در روند دادوستدهای اقتصادی،خانوادگی وروابط اجتماعی ورفتاری آنان ملاک اعتبار واطمینان قرار می گیرد.

7-3-6) نقش امنیتی مساجد در شناخت فقر آلود

افزایش بحران در جهان سوم ،اکولوژیست ها را در تحقیق بر روی موضوعاتی چون فقر،جرم وجنایت،اعتیاد به مواد مخدر وناآرامی های اجتماعی مصمم تر ساخته است.در مطالعه آسیب شناسی اجتماعی،اغلب براین مطلب که عامل فقر بیش از سایر عوامل در پیدایش وتشدید مسایل وآسیب های اجتماعی شهرها ومحلات شهری مؤثر افتاده است،تأکید می گردد.از این رو نقش امنیتی مساجد شهری درزمینه شناخت مناطق فقر آلود محله ای وشهری،میزان در آمد خانواده وبرقراری عدالت اجتماعی در میان اقشار مختلف مردم رخ می نماید.

7-4-6) نقش تربیتی مساجد واصل ابشار وانذار

وجه تمایز انسان با دیگر موجودات خلقت در این است که انسان موجودی متفکرودارای قوه اندیشه وتعقل است.هر شخص در اجتماع ودر طول زندگی روزمره به افعال واعمالی مبادرت می ورزد که ناشی از تراوشات فکری وذهنی وی می باشد.حال ممکن است هر فعلی که انجام می گیرد،در راستای دستورات وفرامین دینی نباشد.بعضاً ممکن است برخی از این اعمال در تناقض با دین باشند؛در اینجااست که مساجد به عنوان کانون های محوری دین اسلام،در تأیید اعمال منطبق با دستورات الهی ورد وانکار اعمال غیر منطبق ایفای نقش می نمایند.از آنجا که اسلام دین جامعی است،حامل پیام ودستور برای تمام شئونات ومسایل زندگی انسان می باشد.بالطبع بهترین مکان برای دریافت وپذیرش این دستورات،کانون عبادی دین اسلام (مساجد)می باشد.همچنان که یکی از خصوصیات بارز دین اسلام که توسط پیامبر ابلاغ گردیده،اصل بشارت وانذار است.بشارت در واقع تأیید وتشویق اعمال است که فرد یا افراد جامعه در راستای دین اسلام ودستورات الهی مطابق با قوانین زندگی اجتماعی به اجام آن مبادرت می نمایند.در مقابل انذار(ترسانیدن وهشداردادن)به انکار یانهی افراد یافرد جامعه از انجام اعمال خلاف ومعصیت زا وجرایم اطلاق می گیرد.

فصل هشتم

8-1) دیدگاه جز گرایانه انسان به طبیعت

بحران های زیست محیطی کل نظام طبیعت را تهدید می کند. انقراض گونه ها، نابودی جنگل ها و تخریب محیط زیست به واسطه افزایش مصرف انرژی در جهان در حالی صورت می پذیرد که بحث کنونی بسیاری از کنوانسیون ها، مجامع و آژانس های بین المللی و ملی در سراسر دنیا در زمینه پایداری توسعه بوده و موافقت نامه های جهانی و تعهدات دولتی به ارایه استراتژی ها و راه کارهایی در جهت حل مسایل محیطی می پردازند.

سؤال اینجاست که چگونه به رغم توصیه الگوهای مناسبتر پایداری در زمینه های مربوط به محیط زیست، تغییرات قابل توجهی در ارتباط با شیوه مصرف تمایل به جایگزینی انرژی های تجزیه پذیر به جای انرژی های فسیلی و صرفه جویی در استفاده از منابع به وجود نیامده است. در حالی که پاسخ به این سؤال ممکن است جواب های ظاهری بسیاری را در پی داشته باشد اما در بطن آنها حقیقتی نهفته است که ریشه بسیاری از مسایل محیطی به شمار می آید و آن عدم توجه به ابعاد معنوی ارتباط میان انسان و محیط زیست است. بحران زیست محیطی، تبلور خارجی بیماری ورنج داخلی است.

این بیماری دیر زمانی است انسانی که برای بدست آوردن زمین از آسمان روی برگردانیده و به جای آسمان به زمین اصالت داد و اکنون زمین را نیز به دلیل نداشتن آسمان از دست می دهد و به ستوه آورده است. انسان معاصر انسانی است که قانون گذاری می کند، ارزش تعیین می کند به هیچ قدرتی غیر خود اتکا ندارد و به عبارتی کلی تر مرکز هستی است. پایه های اصلی چنین دیدگاهی در افکار بسیاری از صاحب نظران در طول تاریخ مشاهده شده است.

به عنوان مثال فیثاغورث در این باره می گوید: «انسان میزان تمامی چیزهاست». با این حال انسان محوری با تأکید بر ابعاد مادی آن در دوره نوزایی (رنسانس) نضج گرفت. در اوج این دیدگاه عوامل مهمی دخیل بودند که در ذیل به مهمترین آنها اشاره ای خواهیم داشت.

8-2) دیدگاه علم گرایانه به طبیعت

برای انسان سنتی چه غربی و چه شرقی باهر دین و آیینی، طبیعت از جنبه ای از تقدس برخوردار بوده است. آب، درخت، کوه و بسیاری از مظاهر طبیعت دارای ارزش والایی بوده و حتی دخالت در آنها از دیدگاه شرقیان گناه شمرده شده است.

جنبه های لایتناهی طبیعت در ساخت معابد و باغ آرایی های آنان کاملاً مشهود است. اما با گذشت زمان تأکید بر پرستش طبیعت آن چنان که هست به تدریج اهمیت خود را از دست داده و همچنان که تمدن و مظاهر مربوط به آن طی قرون سیزده و چهارده میلادی تحول خود را آغاز می کند، توجه به طبیعت که بخشی از محیط زیست بوده و با رستگاری انسان مرتبط بوده کنار گذاشته می شود. افرادی چون دکارت نیز مانند افلاطون معتقد بودند که هر چه از نظر علمی قابل قبول نباشد وجود ندارد و طبیعت تنها از جنبه کیفیت های ملموس مانند انرژی و وزن تشکیل شده و ارزش های ذاتی و غیر قابل اندازه گیری مانند زیبایی اهمیت چندانی ندارد.

با انقلاب دکارتی، نه تنها فلسفه از مذهب جدا شد بلکه مبتنی بر عقل گردید. با چنین پیش درآمدی، علم جدید توسط اشخاصی چون گالیله، کپلر و نیوتن از طریق گوناگون و با تأکید بر علوم تجربی و دیدگاه جزگرایانه یا اتمیسم علمی بنیان گذارده می شود. مطابق چنین دیدگاهی، طبیعت موجودی قابل احترام و تقدس نبوده و تنها به آزمایشگاهی برای اثبات نظریات گوناگون علمی متکی بر حس و تجربه و از زمان فرانسیس بیکن مساوی قدرت و توانایی مبدل می گردد. تحولات علمی قرون اخیر

به پیروزی چنین دیدگاهی در تمامی زمینه ها منجر گردیده است. بلند پروازی های علمی سبب می گردد که انسان به تدریج چنین ذهنیتی پیدا کند که علم را جایگزین همه چیز کرده و آن را داروی درد جامعه بشری می سازد. حتی برتراند راسل، مدینه فاضله ای را با نام علمی بر این پایه بنا نهاده است.

8-3) تسلط و کنترل انسان بر طبیعت

فیثاغورث وافلاطون بحثی در ارتباط با جدایی انسان از طریق دو تفکر سیستمی متفاوت به وجود آوردند؛ اما هردو به دنبال اعتقاد به جدایی نفس (روح غیر مادی از بدن) و کالبد مادی بوده و دنیای فیزیکی را دامی برای نفس می دانسته اند.

دوگانگی میان انسان و هر آنچه غیر انسانی بود و تفاوت میان این دو بر اساس خرد ورزی منحصر به فرد انسان، عامل دیگری در ایجاد دیدگاه انسان محوری به شمار می رفت. این توصیه توسط افرادی چون ارسطو، پاسکال و کانت به این نظر ختم می شود که تنها انسان خردورز هستند و چون دارای قدرت و برتری نسبت به سایر موجودات می باشند، می توانند بر آنها تسلط یابند. پیام اصلی خردورزی، کاربرد واژه «ماشین» برای طبیعت بود که توسط کیلر و دکارت بسط یافت. آنان دنیای مادی را به مثابه ماشینی تصور می نمودند که بر طبق یک سری قوانین ثابت و غیر قابل تغییر که از ابتدا وجود داشته بدون هرگونه خلاقیت در خود کار می کند. علاوه بر آن بی حرکتی ماده، فقدان علم و ارزش های ذاتی در غیر انسان، و آوازه صدماتی که به اکوسیستم های طبیعی می زد، تبرئه می نمود.

فرانسیس بیکن نیز با تأکید خود بر اینکه علم قدرت است و دانش علمی یک قدرت تکنیکی بر طبیعت دارد مانند کانت از تسلط بر طبیعت و یا قابلیت تغییر و انطباق طبیعت به وسیله نیازها و خواسته هایی که انسان تعیین می کند، نام می برد. به واسطه این چنین تفکری، ارزش گذاری بر طبیعت مطرح می گردد. این که طبیعت فاقد ارزش است و تنها از مواد خام برای مصرف در ارتباط با ایده های انسانی تشکیل شده است، پایه برخی تئوری های اجتماعی می گردد. لوک-بنیان گذار لیبرالیسم مدرن- طبیعت را فاقد ارزش می داند و هیچ ارزشی برای زمین نمی گذارد، مگر آنکه توسط انسان مورد بهره برداری قرار گیرد و حتی پس از توسعه همچنان کارگر را به عنوان ارزش اصلی معرفی می نماید.

مارکس نیز که هستی را چیزی جز ماده بی شعور نمی داند به ابزار تولیدی بها می دهد و از این روی طبیعت را فاقد ارزش ذاتی می داند.

8-4) تأثیر انسان محوری بر سیاست های محیطی

مقولات مورد بحثی چون علم گرایی و دیدگاه جزگرایانه جدایی و تسلط انسان بر طبیعت و نحوه ارزش گذاری طبیعت سبب شد تا در نگرش انسان محوری، انسان اصالت را به ماده داده و هر آنچه را در قلمرو زندگی مادی قرار گیرد دارای ارزش شود. به عبارت دیگر، رفاه و امرار معاش به عنوان ارزش شناخته و معرفی شد. در نهایت این نوع تفکر سبب شد سیاست های محیطی بر سیاست های انسان گرا با تکیه بر محوریت انسان مشتمل گردد. تفکر مرکزیت انسان به عنوان تنها موجود خلاق، هوشیار و تولیدکننده نظام طبیعت، حقی را در وی ایجاد نموده است که منحصرأبه خود بیندیشد.

در کنفرانس های متعدد در ارتباط با پایداری و محیط زیست هنگامی که منظور از پایداری، حفاظت از محیط حال و آینده برای نسل های آتی تلقی می گردد این موضوع به وضوح نمایان می شود. به عنوان مثال توسعه پایدار در استراتژی های حفاظتی دهه 1980 توسعه ای است که کاربرد منافع انسانی مالی، طبیعی و... را برای رفع نیازهای انسانی و بهبود کیفیت زندگی وی در

بر داشته باشد. در این استراتژی حفاظت از طبیعت در معنای مدرن آن عبارت از مدیریت و بهره برداری انسان از سرزمینی است که بتواند در عین ایجاد پایداری برای نسل حاضر، نیازهای نسل آتی را برآورده سازد.

کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه در سال 1987 نیز توسعه پایدار و فرایندی قلمداد می نماید که در آن امکان بر آورده سازی نیازهای امروز انسان بدون کاهش توانایی های آیندگان در تأمین نیازهای انسانی مهیا گردد. در کنفرانس ریو (طی سال 1992) تعریف سازمان ملل متحد از توسعه پایدار نیز تأکید بر سیاستی بود که در نتیجه اعمال آن منافع مثبت حاصل از مصرف منابع طبیعی بتواند برای زمان های قابل پیش بینی در آینده تداوم داشته باشد. همچنین در مورد محیط و توسعه، اقدامات لازم برای هماهنگی میان تعداد جمعیت جهان و نیازهای آنان با منابع محدود زمین تا اواسط قرن بیست و یکم تعیین شد تا به عنوان دستور کار سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی و ملی به مورد اجرا گذارده شود این چنین دیدگاه هایی سبب شد تا در گزارش صلح و غذا طی سال 1994، از بشر به عنوان خلاقترین، تولیدکننده ترین و گرانبها ترین منبع نام برده شود. در چنین وضعیتی که انسان در مرکز سیاست های محیطی قرار گرفته و انسان مداری پایه استراتژی های حفاظت محیطی می گردد. در این میان به خصوص اقتصاد دانان تنها به نقش محیط و اکولوژی در مدیریت سیستم های اقتصادی پرداخته و خرگوشه تزاخم وارد شده بر اکوسیستم را از آن جهت نامطلوب می دانند که در آینده بر سیستم های حمایتی ضامن پایداری اقتصادی خدشه وارد می سازد. انسان گرایی بشر را به موجودی کاملاً مادی و زمینی مبدل می سازد. از این رو هیچ مسؤولیتی در قبال طبیعت ندارد و محیط زیست ابزاری بیش نبوده و ارزش آن نیز براساس استوار می گردد. توجیهاتی که برای این امر ارایه می گردد متفاوت است.

8-5) دین و محیط زیست

8-1-5) توجیهات مذهبی در سیاست های محیطی

مذهب و جنبه های معنوی آن از سه طریق بر سیاست ها و قوانین اثر می گذارند. در طریقه نخست استفاده از برخی از اصول مذهبی در قطع نامه ها و توصیه های بین المللی به عنوان مثال اصول مندرج در بند چهارم کنفرانس جهانی با پارک های ملی (طی سال 1962) مدنظر قرار گرفته است؛ مبنی بر اینکه حفظ زیبایی و ویژگی چشم اندازهای طبیعی برای زندگی انسان ضروری؛ زیرا نفوذ دوباره معنویت و نیروی فیزیکی و ذهنی قوی ای ایجاد می نماید. همچنین دی بیانیه سال 1983 کنفرانس پارک ها و نیز در اجلاس زمین (طی سال 1992)، به این نقش اشاره شده است. انجمن جهانی مدیریت و حفاظت و توسعه پایدار مناطق جنگلی، حفاظت و توسعه پایدار جنگل ها را حفاظت اکولوژیکی تمامی جنگل های ملی که ارزش های منحصر به فردی به عنوان مظاهر معنویت و مذهب دارند، قلمداد می کند. در بخشی از دستور العمل نیز همین موضوع به طریق دیگری عنوان گردیده است؛ یعنی تعهد برای «حفاظت از کثرت بیولوژیکی» نیاز به شناخت مفاهیم مذهبی مشترک در کشورهای مختلف برای نیل به نقطه نظرات قابل استفاده دارد. در دومین موردی که مذهب، سیاست های محیطی را تحت تأثیر قرار می دهد موضوع به گونه ای غیر مستقیم است. به عنوان مثال به طور دوره ای، از اطلاعات مربوط به مذاهب مختلف جها بهره مند می شود. در سال 1990 نیز در کنفرانس بین المللی مسکو در ارتباط با محیط زیست بیان شده است که نیاز به یک پایه جدید معنوی و اخلاقی که همانا مراکز مذهبی من جمله مساجد است وجود دارد. سومین مورد نیاز به طور غیر مستقیم از طریق حفظ فرهنگ غیر بومی و آزادی های مذهبی به حفاظت از محیط نیز ایجاد گردد. به طور کلی مفاهیم و معانی ماوراءالطبیعه نسبت به طبیعت مورد توجه بوده است. در حقیقت نقش مذهب و کانون های مذهبی به ویژه مساجد در بلاد مسلمین، در حفاظت از محیط ریشه تاریخی داشته و در بسیاری از ادیان به ویژه دین مبین اسلام، شناخت طبیعت وسیله ای

برای شناخت خداوند بوده است. بدین لحاظ برخی از جنبش های محیطی کنونی ادغامی از مسایل مذهبی را در بحث های محیطی ضروری قلمداد نموده و بر این باورند که بحران های زیست محیطی بدون برخورداری از پایه های دینی و بدون توجه به کارکرد راهبردی مراکز مذهبی من جمله مساجد قابل حل نمی باشند. در عین حال برخی دیگر من جمله لین وایت بر این باورند که بحران های اکولوژیک ریشه مذهبی داشته و عمده ادیان به ویژه یهودیت، مسیحیت و اسلام نه تنها بر دوگانگی انسان و طبیعت توسط انسان تأکید دارند .

8-2-5) اسلام و محیط زیست

بحث در خصوص نگرش اسلام به محیط زیست بسیار گسترده است. در اینجا تنها اشاره ای به اهم موضوعات مورد بحث بالاخص مسوولیت انسان در برابر زمین و نگرش اسلام به توسعه پایدار خواهد شد. مروری بر تعالیم اسلامی بیانگر این حقیقت است که اسلام اصولی را برای زندگی و تداوم حیات بشر مطرح نموده است. در مباحث محیط زیست، اصول اسلامی در نحوه استفاده از منابع موجود، نحوه ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم تر شیوه نگرش انسان به خویشتن و به عالم وجود و ارتباط میان اینها مصداق می یابد. این اصول کلی به عنوان جهان بینی که راهنمای جامعه اسلامی در تدوین سیاست های کلی حاکم بر محیط و جامعه خویش می باشد، در مساجد تبیین می گردد.

8-3-5) تفکر درباره طبیعت

شناخت طبیعت واجزا و عناصر آن و قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی از جمله مقولات بسیار مهمی است که در متون اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای شناخت، مؤکداً انسان را به آن ترغیب و توصیه می کند و قرآن تمام عالم طبیعت را یکسره آیه و نشانه ای برای شناخت ماوراءالطبیعت می خواند. (مطهری، 1367)

در تشریح نظریات ابن سینا نیز آمده است که تحقیق در جهان طبیعت تنها حقیقت پدیده ها و یافتن سلسله روابط میان آنها نیست، بلکه تحقیق در پدیده و ظاهر در پرتو رابطه ای بادرین و باطن دارد و تحقیق در جزیی است با نظریه رابطه ای که میان آن وکل موجود است؛ از این رو علوم طبیعی در اسلام نیز مانند الهیات همواره با یک جنبه سری و درونی توأم بوده و کشف یک نکته علمی منجر به کشف دیگر اسرار می گردد. بسیاری از دانشمندان و طبیعی دانان بزرگ جهان مسلمان بوده اند اما به دلیل آنکه پدیده های طبیعی آیات الهی محسوب می گردند، علم ارضی (سکولار) محض در میان مسلمانان به وجود نمی آید. با تغییر و تحولات فیزیکی جدید و راهی که اینک فراروی عالمان سایر علوم به ویژه مساجد در جامعه مسلمانان در حال یافتن جایگاه اصلی خویشتن در جهان مدرن امروزی هستند به عنوان مثال علوم نیوتنی و نگرش جزگرایانه که سالیان درازی بر تفکرات و فلسفه سایر شقوق علوم انسانی حکم فرمایی می نمود، در حال سپردن جایگاه و مقام خویشتن به تفکر کل نگرایانه است. این پدیده در نهایت اثر مطلوبی بر نحوه نگرش تنظیم روابط و فعالیت های انسانی خواهد داشت.

8-4-5) مسوولیت های انسان در برابر طبیعت

دین مبین اسلام اساساً انسان را خلیفه الله می داند؛ اما این مخلوق آزاد از هر مسوولیت نیست بلکه باید سایر افعال خویش را به بهره گیری از اصول و قوانینی که خالق هستی برای تنظیم امور کائنات مقرر فرموده به انجام رساند.

به عبارت دیگر انسان به عنوان عالم صغیر جسماً و روحاً پاره ای از عالم کبیر است و در نتیجه می باید از قوانین عالم هستی (طبیعت) پیروی کند. از این روی نقش مراکز مذهبی و مساجد به عنوان مراکز هماهنگی فعالیت های انسانی با نظام حاکم بر

طبیعت و پدیده های آن که عامل اساسی برای بهتر زیستن است و او را از تخریب و فساد طبیعت باز خواهد داشت، پیش از پیش نمایان می گردد. از جمله مهمترین وظایفی که در خلال دستورات و بایدها و نبایدهای شرع مسلمین مشخص شده، اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. آیات متعددی از قرآن کریم، انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصطلاح بر آنکه همانا عمل صالح است امر می فرماید. بنابر تعالیم قرآنی می توان گفت که عامل رستگاری انسان اصطلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. عمران و آبادی زمین یکی از وجوه اصلاح زمین است چراکه یکی از اهداف مترتب بر فعالیت های انسان در زمین، عمران و آبادانی آن می باشد؛ چنانچه خداوند می فرماید:

«و شما را از خاک آفرید و شما به ساختن و آبادانی زمین گمارد».

اجتناب از اسراف و تبذیر نیز عامل مهم دیگری است. دین مبین اسلام انسان را به شدت به اجتناب از اسراف و تبذیر فرمان داده و به میانه روی و اعتدال دعوت می نماید.

به مصداق «و کذا لک جعلنا کم امه وسطاً» و «الیمین والشمال مضله وطریق الوسطی هی الجاده» برنامه های مراکز اسلامی و در رأس آنها مساجد، برنامه هایی میانه است که پرهیز از بیهودگی را سرلوحه خود قرار داده و به شدت از اسراف و تبذیر و تنها به استفاده بیش از حد نیاز و تباه کردن محیط زیست منحصر نمی گردد؛ بلکه عدم استفاده صحیح و بهینه از منابع و مواد اولیه نیز می تواند نوعی اسراف تلقی گردد و حتی بالاتر از آن در صورت نبود روند تکاملی در مصرف مواد می توان صحبت از اسراف رابه میان آورد.

8-5-5) کمال بخشی به طبیعت

تعالیم و کانون های اسلامی و مساجد به عنوان کانون چنین تعالیمی نباید به سمت تباهی و فساد سوق داده شود، بلکه کلیه امور و تمامی اشیاء می باید به نحو مطلوب به سمت کمال هدایت گردند به عبارت دیگر مراجعه به متون اسلامی نشان دهنده آن است که تفکر اسلامی منادی «تداوم کمال» اشیاء است. در سیر کمال قرار دادن تمامی عناصر و اشیاء، تبعیت از اصول حاکم بر عالم وجود است که در آن عقربه شدن ها همواره رو به سوی کمال دارد. (علامه جعفری، 1360، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی معنوی، ج 2)

کمال جویی و کمال طلبی در تمامی ابعاد زندگی مسلمین نفوذ داشته و یکی از ملاک های اصلی تعیین مسیر فعالیت های فردی و جمعی مسلمین بوده است. در تفکر اسلامی برای اشیاء و معانی، حالت ایستای و سکون و بر یک حالت ماندن توجیه نمی شود بلکه بایستی در کلیه فرایندها و فعالیت ها بارقه ای از کمال جویی و کمال طلبی مستتر باشد تا بتوان از «انا لله وانا الیه راجعون» سخن گفت. در این جاست که مراکز مذهبی و مساجد با تأکید بر این تفکر که محیط و عناصر مربوط به آنها نه تنها بایستی از میان برود و نه تنها حفظ آنها هدف غایی نیست بلکه بایستی به طور مداوم به حالتی از کمال (متعالی تر از وضعیت قبل و حال) در آینده ایفای نقش نمایند. تعالیم تبیین یافته در مساجد تا بدانجا پیش می رود که در ورای هر علمی (حتی بر ساده ترین اعمال مادی) تفکر کمال جویی و وجود هدفی والا و معنوی حاکم است و بر هر یک مکان و موقعیت ماندن خسران تلقی می گردد به بیان دیگر لزوم رفتن به سوی کمال و طلب آن ضرورت حیات انسانی است.

علی هذا اگر این رویه را در مورد توسعه پایدار تعمیم دهیم خواهیم دید که حفاظت از منابع و محیط زیست کافی نیست و همان رویه کمال جویی یا تداوم کمال، ملاک عمل و معیار ارایه توسعه پایدار در فرهنگ اسلامی خواهد بود.

8-6) توسعه پایدار

اندکی تأمل در مفهوم توسعه پایدار در تفکر اسلامی نشان می دهد که این مفهوم رعایت عدالت و حرکت به سوی کمال است. به طور اجمال می توان گفت آنچه که امروزه به عنوان توسعه پایدار مطرح است عمدتاً به جنبه های مادی و فیزیکی (کمی) محیط زیست می پردازد. به عبارت دیگر حفاظت از منابع محیطی و توسعه پایدار اقتصادی به عنوان هدف اصلی مطرح است. البته این خصیصه غالب و مسلط بر ایده ها و تفکرات سده های اخیر جوامع صنعتی است که تمرکز اصلی را بر امور مادی و حداکثر جنبه نفسانی و نه بعد معنوی و روحانی حیات متوجه می نمایند. در مقابل، تأکید بر اصل کمال خواهی و کمال جویی در تعالیم اسلامی و مراکز ارایه کننده چنین تعالیمی (مساجد) سبب می گردد تا نحوه انجام کلیه فعالیت های شهروندان نه تنها سبب کمال و رشد معنوی آنان گردد. این ایده بسیار پیشرفته تر از پایداری تعریف شده برای توسعه است. از این رو، مساجد را به عنوان مراکز تبیین کننده تعالیم اسلامی فمی توان از پایه گذاران نظریه ای پیشرفته تر از توسعه پایدار دانست که مبتنی بر اصل کمال جویی و کمال گرایی جهان هستی بوده و شهروندان نیز به شناسایی اصول حاکم بر آن و همچنین تبعیت از آن توصیه شده اند. مطابق چنین تعالیمی، جامعه ای در مسیر توسعه پایدار گام بر میدارد که منابع قابل دسترسی آن مورد اسراف و تباهی قرار نگیرد و بیش از حد نیاز منطقی و معقول جامعه مصرف نمایند. با محوریت مساجد به عنوان مراکز توسعه پایدار محله ای، مصرف منابع و دگرگونی در آنها در جهت بهبود کیفی و در نهایت کمال شهروندان بوده و تغییرات و مصرف بدوی مدنظر نمی باشد؛ لذا می بایست تا حد امکان نسبت به حفاظت از منابع تجدیدناپذیر اقدام و بهره گیری از منابع تجزیه ناپذیر مورد توجه شهروندان به ویژه ساکنین محلات قرار گیرد. شهرها و د و هله دوم محلات به عنوان مکان های زندگی و فعالیت شهروندان ضمن آنکه وسیعترین تأثیر و تغییرات بر محیط را به نمایش می گذارند، مهم ترین مصرف کننده منابع طبیعی بوده و بیشترین فضولات و آلودگی را تولید می کنند. همچنین بزرگترین قربانیان توسعه لجام گسیخته صنعت بر حیات شهروندان و طبیعت و محیط زیست می باشند. شهرها و محلات شهری مهم ترین مکان هایی هستند که بایستی به انحاء مختلف به موضوع حرکت به سوی توسعه پایدار بها دهند. یکی از مهم ترین قلمروهایی که در صورت توجه به آن، نقشی بسیار ارزنده در دگرگونی شرایط حیات شهرها و محلات به سمت حل مشکلات محیطی موجود و ارتقای کیفی محیط دارد قلمرو مدیریت شهری و محله ای است. این قلمرو با عناصر مهمی چون شهروندان، طبیعت، منابع طبیعی، روشهای بهره برداری از منابع و اثرات منفی ناشی از این عوامل بر زندگی شهری و محله ای نیاز به اصلاح تلقی جامعه و مدیران شهری نسبت به عناصر و اعضای متشکله محیط شهری و معرفی و بسط آرای مربوط به توسعه پایدار به عنوان مبانی نظری و پایه های اصول شکل دهنده مدیریت دارد. در اینجا تنها به برخی موضوعات که می تواند مورد مدیریت شهری و محله ای به منظور حرکت به سوی توسعه پایدار قرار گیرد، اشاره می گردد:

8-7) ارتباط با طبیعت

حفظ و اتقای ارتباط میان شهروندان علاوه بر آن که به جهت تأکید توسعه پایدار بر حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است به دلیل توجه تعالیم اسلامی و کانون بسط و نشر چنین تعالیمی (مساجد) به انتخاب روش های مناسب بهره گیری از منابع طبیعی و تأکید این تعالیم بر تمامی شهروندان با طبیعت دارای اهمیت است. علاوه بر جنبه های ظاهری از قبیل زیباسازی محیط و ارتقای کاربردی طبیعت، تأکید عمده بر معنای نمادین طبیعت و عناصر طبیعی و نقشی که در تذکر دهی انسان و ارتقای کیفی محیط ایفا می نماید، می باشد. ارزش دادن به طبیعت و مسئولیت شهروندان برای حفظ و ارتقای محیط طبیعی نیز از جمله دیگر راه کارهای ویژه ای است که مساجد به ویژه در سطح محله ای بر آن صحنه می گذارند.

8-7) امنیت و ایمنی

اصل دیگری که امکان دستیابی به توسعه پایدار را تقویت می کند می تواند امنیت و ایمنی در فضاهای شهری به ویژه محلات را در پی داشته باشد؛ این امنیت علاوه بر جنبه های متعارف نظیر امنیت در مقابل آسیب سایرین و یا ایمنی در مقابل بلایای طبیعی و ممنوعی و به قولات دیگری نیز توجه دارد که قلمرو غیر فیزیکی حیات نیز به طور جدی قابل بحث می باشد. به عنوان مثال می توان از امنیت در مقابل نفوذ ارزش های فرهنگ بیگانه، امنیت در برابر پدیده های متمرکز بر جنبه های مادی حیات همچون مصرف گرایی و خود نمایی نام برد که با معطوف نمودن توجه به نقش با اهمیت مساجد در این راستا می توان بدان دست یافت. توجه به چنین کانون هایی به عنوان مراکز امنیتی به ویژه در سطح محله ای، تأثیر بنیادینی بر برنامه ها و طرح های شهری در زمینه سیمای عمارت و فضاها و شکل و سیمای بافت شهری و جملگی مقولات مرتبط با مختصات معنوی و فیزیکی عناصر کالبدی شهرها و محلات دارند.

8-8) اصلاح و عمران

توجه به اصلاح و عمران زمین، اصل مهم منبعث از تعالیم اسلامی است که می تواند توسط مساجد به عنوان اصل بنیادین فعالیت های شهروندان در محلات معرفی گردد. این توجه در واقع احتراز از فساد در اجتماع است که تعالیم اسلامی و در رأس آن مساجد به شدت آن را نفی و نهی می نمایند. این مسئله، مدیران شهری را به ارزیابی جدی طرح ها و برنامه های شهری فراخوانده و آنها را به سوی کنترل مداوم طرح ها هدایت می نماید تا فعالیت ها از مسیر اصلاح و عمران اجتماعات شهری و محله ای منحرف نگردد. لازم به ذکر است یکی از مهمترین وسایل این ارزیابی می باشد که نه تنها در ارزیابی نتایج حاصله از اجرای برنامه ها کاربرد دارد بلکه در تهیه طرح ها و برنامه ها و مقایسه آرا و نظرات مختلف با یکدیگر نیز کاربرد مؤثری خواهد داشت. در تهیه این معیارها نیز توجه به فرهنگ و ارزش های شهری و محله ای که از جهان بینی اسلامی منبعث شده باشد ضرورت دارد. تهیه چنین معیارهایی با محوریت مساجد، شهرها و محلات را از آسیب های که در اثر به کار بردن معیارهای بیگانه وارد می گردد مصون خواهد داشت.

8-9) دانش و آگاهی

بهره گیری از حمایت های بالقوه و بالفعل آحاد جامعه از عوامل مهم در ایجاد پایداری است. در این راه یکی از مهم ترین ابزارها آموزش است. به خاطر نقش مهمی که مردم و مشارکت عمومی در هر امری ایفا می نماید، آموزش جامعه و شهروندان آن از اهمیت خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر از آنجا که جامعه مجری طرح ها و برنامه ها بوده و نتایج اجرای طرح ها و برنامه ها نیز متوجه آنهاست؛ از این رو حفظ و ارتقای مداوم آگاهی آحاد جامعه نسبت به عوامل و زمینه های مختلف حیات و زندگی، اصل بسیار مهمی است که در محلات و شهرهای اسلامی این مهم برعهده مساجد و مراکز اسلامی می باشد.

8-10) همکاری و همیاری

به تبعیت از فرمان الهی «و تعاونوا علی البر والتقوی» یکی از عواملی که به وحدت و یکپارچگی جامعه منجر شده و در نتیجه آن را از بسیاری از مشکلات و بحران های محیطی در امان خواهد داشت، همکاری و معاضدت اعضای جامعه به ویژه در سطوح محله ای با یکدیگر است. برای ایجاد زمینه این همکاری مهم ترین وسیله موجود، مراکز مذهبی و مساجدی است که رویه ها و قوانین همکاری و همیاری مردم را تعریف نموده و آن را به سمت اهداف تعیین شده (حفظ و پایداری محیط و جامعه) هدایت می نماید.

8-11) قانون گرایی و قانون مندی

به پیروی از نظم حاکم بر عالم خلقت و همچنین با عنایت به فرامین و تعالیم اسلامی، توصیه ها و رفتار معصومین و بازگویی آن در مساجد، وجود مجموعه قوانینی که جملگی وظایف و فعالیت های فردی و جمعی را تعریف نموده و ضمن مشخص کردن حدود فعالیت ها، نتایج مترتب بر تخلف از آنها را روشن نماید ضرورت دارد. وجود قوانین و ضوابط کامل و الزام اجرای چنین قوانینی می تواند جامعه را استوار، متقن، عدالت پیشه و بدون تبعیض به سمت توسعه پایدار رهنمون گردد. از آنجایی که از مساجد به عنوان مهم ترین مراکز قانون گذاری دین اسلامی یاد شده و می گردد از این رو می توان به نقش مهم این مراکز در قانون گرای شهروندان در حفاظت از محیط شهری و محله ای تأکید و توجه نمود.

8-12) نتیجه گیری

وقتی انسان مداری، علم گرایی محض، سلطه گری بر طبیعت بدون احساس مسئولیت نسبت به آن، ارزش گذاری ابزاری بر طبیعت و عناصر متشکله و تفکیک جنبه های مختلف حیات و نیازمندی های انسان به معنویت و مادیت و عدم توجه به نقش کلیدی مراکز مذهبی و به ویژه مساجد حاکم باشد، وضعیت حاضر در جوامع شهری و محلات پدید می آید. به رغم تلاش های فراوانی که در زمینه محیط زیست صورت می پذیرد، می توان اذعان نمود که هم چنان راه را به طور کامل نشناخته و به بی راهه رفته است. شناخت روشنی از راه بدون دانستن پایه معنوی مستحکم و محوریت مراکز مذهبی در سطوح خرد جامعه من جمله محلات که حیات مجدد به ارتباط میان شهروندان و طبیعت را منجر گردد، امکان پذیر نیست. در چنین حالتی به راحتی نمی توان محیط زیست را از شهروندان، مادیت را از معنویت و ظاهر را از باطن تفکیک نمود. با شناخت مساجد به عنوان مراکزی در جهت شناخت ماوراء الطبیعه و اصلاح و آبادانی آگاهانه محیط های شهری و محلات و شفاف بودن نقش و وظیفه خطیر شهروندان در جهت ارتقاء و کمال بخشی به محیط زیست می توان به نسخه پایدار از توسعه محیط زیست شهری و محله ای دست یافت.

فصل نهم

1-9) دین و توسعه انسانی

یکی از مهم ترین اهداف علی (ع) در حکومتش، ساختن جامعه ای با اقتصادی سالم، درآمدی بالا، دارای عمران و آبادانی بود چرا که مردم با برخورداری از رفاه نسبی به معنویات، رشد کمالات و بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهی می پردازند. در برنامه ها و شاخص های اقتصادی علی (ع)، انسان (فرد) بارزترین و مهم ترین جایگاه را از آن خود ساخته است به نحوی که تمام برنامه ها در جهت رشد، توسعه و کمال جامعه، حول محور انسان و سعادت وی می چرخد. علی (ع) نمی پذیرفت که از نظر آماری، درآمد سرانه کشور بالا باشد اما گروهی از مردم در فقر زندگی کرده یا از امکانات تربیتی، آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و... محروم باشند. به اعتقاد وی شکی نیست که یک جامعه فقر جامعه ای است که هیچگونه تحرک و نشاطی در جهت رشد، توسعه، کمال و شکوفایی اندیشه ها ندارد. چنین جامعه ای فاقد شرایط لازم برای نیل به رشد، توسعه و کمال است چرا که بخش مهمی از برنامه توسعه علی (ع) را توسعه انسانی تشکیل می داد.

از این رو، از دیدگاه علی (ع) مساجد به عنوان کانون های عبادی و انسان ساز و یا به قولی کارخانه های انسان سازی در توسعه انسانی و بالا بردن شأن و مرتبه انسان، از اهمیت به سزایی برخوردار می باشند.

2-9) رابطه دین و اقتصاد

دین اسلام از پیوندی دوگانه مستقیم و غیر مستقیم با اقتصاد برخوردار است. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی در خصوص مالکیت ها، مبادلات، مالیات ها، ارث، صدقات، وقف، مجازات های مالی دارد.

پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است. در این جهت برخی مذاهب دیگر نیز کموبیش چنین می باشند. دین اسلام مردم را به امانت، عفت و عدالت، احسان، ایثار، دوری از دزدی، خیانت، رشوه توصیه می کند. از این رو از طریق تبلیغ در مساجد و تأثیر گذاری اخلاقی در ذهنیت فرد به تربیت فرد از نقطه نظر اقتصادی پرداخته و از این رو جامعه را از اقتصادی اسلامی برخوردار می نمایند. مساجد می توانند در رشد و توسعه زندگی مردم حتی با وجود کمبود صنایع، نقش مهمی ایفا کنند. مساجد می تواند به بسیج مردم جهت اقدام جمعی برای انجام لازم امور مطلوب اجتماعی کمک کنند. در این راستا، مساجد قادرند با انگیزه دادن به مردم، به رشد روحیه خودیاری و انجام امور داوطلبانه در سطح محله ای کمک به سزایی نمایند. در این جاست که باید متذکر شد، تا زمانی که مساجد نقش مبتکرانه خود در مسایل اجتماعی را ایفا نکنند، به هیچ وجه قادر نخواهند بود تا به توان اجتماعی در جوامع انسانی دست یابند.

به منظور رشد و توسعه ارزش های اجتماعی اخلاقی، سازماندهی اجتماعی و نیز به منظور افزایش قدرت مانور و تحرک اجتماعی مسلمانان به ویژه در سطوح محله ای، لازم است فعالیت هایی در سطح محدود محلی و محله ای صورت گیرد تا نهایتاً از آن طریق بتوان تخصیص، توزیع و بهره وری از منابع اقتصادی و ملی را تحت نظارت در آورد.

مسجد به طور مستقیم دارای کارکرد اقتصادی نمی باشد. در روایات و احادیث نیز انجام معاملات اقتصادی در مساجد باطل و بی اثر خوانده شده و انجام معاملات اقتصادی اعم از خرید و فروش کالا و... مکروه قلمداد شده است. کارکرد اقتصادی مساجد به صورت غیر مستقیم بوده و عمدتاً از طریق موعظه و نصیحت و نیز بیان احکام خرید و فروش و انجام فعالیت های اقتصادی صورت می گیرد. نقش اساسی مساجد در حوزه اقتصاد، تأکید فراوان بر رعایت انصاف و عدالت و در انجام معاملات و فعالیت های اقتصادی تنها با هدف رضایت خداوند و رفع حوائج و نیاز مسلمانان و نه در نظر گرفتن انگیزه های مادی و سودجویانه است که چنین نقشی خود زمینه های جهت ایجاد رقابت سالم و تأثیر مثبت در روند معاملات و فعالیت های اقتصادی را به همراه دارد.

3-9) نقش دین در توسعه و رفاه اقتصادی

در خصوص توسعه اقتصادی، تعاریف گوناگون و راهکارهای مختلفی ارائه شده است. برخی از روش های رسیدن به توسعه یافتگی عبارتند از: صنعتی شدن صادرات کشاورزی، جایگزینی واردات سرمایه گذاری خارجی و صادرات کالاهای داخلی اما وجه مشترک همه این روشها، رساندن جامعه به رفاه اقتصادی است. (پیشگامان توسعه، ص 57 و ص 74)

در جامعه توسعه یافته، مردم راحت تر، متنوع تر و بیشتر مصرف می کنند و سرانه فضاهای تفریحی، بهداشتی، آموزشی و... بیشتر از جوامع عقب افتاده است. کمتر کسی است که با وجود این اوصاف توسعه یافتگی را مردود شمرده و بخواهد به شکل جوامع عقب افتاده زندگی کند.

هر قوم و مذهبی با اندک تفاوتی و محدودیت هایی که در روند توسعه یافتگی می بینند، هدف خود را نیل به توسعه یافتگی قرار داده اند. برنامه ریزی و تدوین برنامه های چند ساله خود مبین این حقیقت است. با وجود آنکه عمر فرایند توسعه در مفهوم جدید آن (development) به کمتر از دو قرن می رسد، واژه (utopia) در میان متفکران یونان باستان نیز از همین معنی برخوردار

بوده است. آنها در ورای این مفهوم، آرزوی رسیدن به جایی را داشته اند که علاوه بر امنیت و عدالت، از زندگی مرفه‌ی نیز برخوردار باشند. واژه (utopia) در بسیاری از رشته های علوم انسانی مطرح بوده و برای آن معنای لطیف و زیبایی من جمله 0 کمال مطلوب، مدینه فاضله، بهشت خوشبختی، جامعه آرمانی، شهر لامکان، ایمن سرا، خرم سرا، خوش آباد، آرمان شهر و... آورده اند. (بريجانيان، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعي: ص 941)

تنوع معانی در رشته های مختلف نشان می دهد که مدینه فاضله ای به نام توسعه، دغدغه بسیاری از متفکران بوده است. دین اسلام نیز به عنوان آخرین دین الهی، دارنده آخرین کتاب به واسطه خاتم الانبیا بعید است که در این زمینه سکوت کرده و سخنی برای گفتن نداشته باشد. در کتاب وسنت به صراحت به معنای امروزی توسعه اشاره ای نشده است اما در چند مورد از این ریشه استفاده شده است که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

«وسع الله عليهم في الرزق» (اصول کافی: ج 2، ص 119)

«وسع الله معيشتهم» (وسایل الشیعه: ج 10، ص 555).

«وسع الله على الرزق» (پیشگامان توسعه: ص 74)

در ادبیات رایج اقتصاد، عمدتاً بر عوامل مادی تأکید می گردد؛ البته در نظرات برخی از دانشمندان، از واژه توسعه، به عوامل غیر مادی نیز قلمداد گردیده است؛ به عنوان مثال پیتر بائر می نویسد:

ترقی و پیشرفت مادی بیش از آنکه به منابع فیزیکی مربوط باشد به ویژگی های فردی، نهادها و رسوم اجتماعی وابسته است.

آلفرد مارشال یکی از اقتصاددانان به نام در این خصوص چنین اظهار می دارد:

طی سال های 1933-1934 بر آن شدم تا زندگی حرفه ای خود را به ارائه پاسخ، به دو سؤال ذیل محدود کنم:

1- چگونه از نظریه اقتصادی جهت روشن ساختن تاریخ اقتصاد می توان بهره جست؟

2- چگونه عوامل اقتصادی با نیروهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در هم آمیخته می گردد؟

از این نوع اظهار نظرات در متون اقتصادی به وفور یافت می شود و این در حالی است که در خصوص نقش مذهب و خدا در توسعه بحثی به میان نیامده است. به طور کل می توان این طور قضاوت نمود که در غرب، نقش کارکردی برای دین و مذهب، در راستای نیل به رفاه مادی مطرح نمی باشد و این در حالی است که در اقتصاد اسلامی این مطلب به کرات مطرح شده است. از جمله یکی از واژه هایی که می توان با کمک آنها، نقش کارکردی و اساسی عوامل معنوی دینی را در رفاه مادی توضیح داد، واژه برکت در اقتصاد اسلام است.

4-9) معنای برکت

امام صادق (ع) فرمودند:

«برکت معنایی مقابل از میان رفتن داشته و به معنای افزایش یافتن و زیاد شدن است». (المیزان: ج 7، ص 290: ترجمه المیزان: ج 15، ص 26)

واژه نگاران نیز از همین معنا در اشاره به برکت بهره جسته اند. در مجمع البحرین آمده است که این واژگان به معنای (زیاد شدن) است و علت آنکه قرآن، مبارک نامیده شده نیز بدان علت است که نسبت به سایر کتب آسمانی از بیانات اضافه ای برخوردار است. (مجمع البحرین: ج 1، ص 74)

علامه طباطبایی نیز در خصوص برکت، در ذیل آیه 64 سوره اعراف، مفصل بحث نموده که به طور خلاصه به شرح ذیل است:

الف «برکت به معنای ثبوت خیر الهی در اشیاء است.

ب «از آنجایی که خیر الهی از جایی و به گونه ای صادر می شود که نه محسوس کسی و نه شمردنی و نه محدود شدنی است، از این رو هر آنچه را که در آن زیادی غیر محسوس دیده می شود مبارک خوانده و با عنوان بابرکت یاد می کنند.

ج «برکت در امور ظاهری به معنای خیر معنوی است. به عنوان مثال برکت در اطعام ممکن است به عنای عدم ضرر رسانی ه بدن یا ایجاد نوری در باطن باشد.

د «برکت الهی منافاتی با عوامل طبیعی و مادی ندارد، بلکه اراده الهی در طول اسباب مادی جای دارد. به عنوان مثال هنگامی که خداوند بر غذایی برکت وارد کند یا به عبارت دیگر در ترکیب میان اسباب مادی کاری کند که به خورنده طعام آسیبی ندیده و این طعام فاسد نگردد، بر آن معنی نیست که خداوند سبب های دیگر را باطل کند.

ه «برکت علاوه بر کتاب و سنت، در انجیل و تورات نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

و «ادعای افرادی که منکر برکت می باشند باطل است، چرا که برخلاف نظر آنان، برکت در عرض عوامل مادی نبوده بلکه در طول اسباب مادی می باشد. (المیزان: ج 7، ص 290، ترجمه المیزان: ج 15، ص 26)

در ذیل به اسبابی که برکت آفرین اند اشاره شده است:

1. (ولو ان اهل القرى آمنوا والتقوا لفتحنا عليهم بركاتمن السماء والارض). (اعراف 98)

اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودم.

2. در دعاهایی که از رسول خدا و اهل بیت به ما رسیده است نیز، ه نزول برکات الهی اشاره شده است:

«یا قاضی الحاجات، یا راحم العبرات، یا منزل البرکات». (بحار الانوار: ج 95، ص 281)

«یا منشی البرکات من مواضعها و مرسل الرحمه من معاونها». (بحار الانوار: ج 86، ص 255)

«اللهم منزل الرحمات من معاونها و مجری البرکات علی اهلها منک الغیث المیث». (فقیه، ج 1، ص 537)

علاوه بر ادعیه وارده، آنچه موجب نزول برکت می شود در فرمایشات پیامبر و ائمه اطهار آمده است تا دعا از حالت غیر واقعی خارج شده و زمینه نزول برکات الهی فراهم آید. لازم به ذکر است آنچه موجب نزول برکت است، انس و دوستی با قرآن (کتاب آسمانی) است. قرآن کتابی بابرکت است که انس و ارتباط با آن موجب هدایت و شفاست. نیازهای بشری همواره مادی نیست. امروزه توسعه مراکز بهداشتی تنها در جهت درمان بیماری های جسمانی عملی است. قرآن میتواند طبیب درد دعای روحی

انسان باشد. در خصوص برخی از سوره ها و آیات قرآن، روایات معتبری وارد شده است که قرائت آنها آثار ویژه ای در نزول برکات دارد، اگرچه تمامی قرآن برکت و موجب شفاست. از جمله این سوره ها و آیات می توان به سوره های بقره، حمد و توحید و آیات ذیل اشاره نمود:

«ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم». (اسراء: 82)

ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست، و رهنمود و رحمتی برای گروندگان به خدا آمده است». (یونس: 57)

در اینجا لازم است تا اشار ای به آن دسته از اعمال و کردارهای اخلاقی داشته باشیم که موجب نزول برکات الهی می گردند:

الف- تقوی

تقوی، سکون و بی حرکتی نیست، تقوی نگه دارنده و باز دارنده است. تا حرکت نباشد نگه داشتن معنایی ندارد. اگر مردم تقوا به معنای واقعی کلمه را پیشه خود سازند، بنا به گته آیات قرآنی، روزی فراوان به آنها می رسد. علاوه بر آن، در موارد تردید، خداوند راه را بر بنده خود می نمایاند.

«من یتق الله یجعل ویرزقه من حیث لایحتسب».

«هر کی از خدا پروا کند برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کند به او روزی می رساند».

به عبارت دیگر این آیه بر این نکته اشاره دارد که وقتی انسان متقی بوده و به وظایف خویش به خوبی عمل کند، دیگر نیازی در خصوص اندیشیدن به روزی خود ندارد چرا که خداوند روزی او را تأمین می کند. در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) که عدل در زمین گسترده و تقوا پیشگی مرام می گردد، از آسمان وزمین برکت الهی است که باریدن می گیرد. امام حسین (ع) در این خصوص و در تفسیر آیه (لفتخنا علیهم برکات من السماء...) فرمودند:

«در آن زمان برکت فراوان شده و شاخه های درختان به سبب افزایش بار خم می شوند. مردم میوه تابستان را در زمستان و میوه زمستان را در تابستان تناول می کنند». (مختصر بصائر الدرجات: ص 51)

ب) حسن نیت

بسیاری از برخوردهای اجتماعی از بدبینی و سوءنیت داشتن به یکدیگر ناشی می شود. نیک اندیشی و اعتقاد به اینکه همه مردم خوب هستند، مادامی که خلاف آن ثابت نشود، زندگی را شیرین تر و روابط اجتماعی را استحکام می بخشد. پدیده های منفی اقتصادی چون احتکار، گران فروشی و فریب مشتری، همگی ناشی از سوءنیت است اگر مؤمنین به یکدیگر اعتماد داشته و بدانند که در وقت کم شدن کالا هیچ کس به انبار کردن نمی پردازد. اگر به سود عادلانه بیانیدند، هیچگاه محتاج نمی شوند. اگر اعتماد وجود داشته باشد، هیچ کس دیگری را فریب نمی دهد. نتیجه این خوش بینی این می شود که هر کسی باید قناعت پیشه نموده و برکت و زیادی از خدا طلب کرده و در عین حال به معنویات نیز بیانید.

ج) راست گویی

امروزه در اقتصاد رایج، تبلیغات سهم به سزایی در قیمت کالاها و جلب مشتری دارد، به نحوی که معروف است، مصرف کنندگان حدود یک سوم قیمت هر کالایی را بابت بسته بندی آن پرداخت می کنند و معمولاً بسته بندی تبلیغاتی دارد. همچنین اظهار می گردد که تبلیغات، کالاها را بی کشش می کند، به عبارت دیگر هنگام که در خصوص کالایی تبلیغات گسترده صورت می گیرد، به قدری روی تقاضای آن مؤثر است که حتی اگر تولیدکننده قیمت کالا را نیز بالا ببرد تأثیر چندانی بر کاهش تقاضا نداشته و نهایتاً این تولید کننده است که سود می برد. با فرض اینکه فضای صداقت و صمیمیت میان مشتری و فروشنده وجود داشت، آیا نیاز به این همه تبلیغات بود؟

امروزه بخشی از صنعت کالا از طریق تبلیغات جبران می گردد و این در حالی است که بهتر بود در عوض پرداخت و تقبل هزینه های تبلیغاتی، صداقت و راستگویی حاکم بوده، اشتباهی کاذب برای مصرف به وجود نیامده و هزینه تبلیغات در موارد مهم تری مورد استفاده قرار می گرفت تا خداوند نیز به معاملات برکت ببخشد. همانگونه که پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

«اگر خریدار و فروشنده صداقت داشته باشند، خداوند معامله آنان را برکت می دهد». (اصول کافی: ج 5، ص 174)

د) سخاوت

بحث پیرامون انفاق های واجب و مستحب و آثار و سود اجتماعی آنها از جمله ممیز های اقتصاد اسلامی و وجه افتراق آن با اقتصاد غرب است که شرایط و آثار آن در فقه اسلامی لحاظ گردیده است. در قرآن آیات فراوانی مبنی بر تأکید بر این سنت اسلامی وجود دارد؛ حکایت کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دامنه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه نهفته باشد و خداوند برای هر کسی که بخواهد آن را چند برابر می کند و همانا خداوند گشایشگر داناست. (بقره، 261)

در آیه اید دیگر خداوند در خصوص انفاق، آشکار و پنهان می فرماید:

«ای پیامبر به آن بندگان که ایمان آورده اند بگو: نماز به پادارید و از آنچه برایشان روزی داده ایم پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن نه داد و ستدی نه رفاقتی و دوستی باشد». (ابراهیم: 31)

چنین تأکیدی که از جانب خداوند در خصوص انفاق شده است قطعاً بدون اجر و مزد نیست و در نهایت به نفع انفاق کنندگان خواهد بود. گویی انسان مسئولیت دارد تا آنچه را که خدا به او می رساند به دیگران انفاق کند. بدین ترتیب بابذ انفاق، ثمره های شیرین عدالت و توسعه اقتصادی حاصل شده و زندگی همراه با رفاه و آسایش که (میوه طیبه) نام دارد در جامعه اسلامی محقق می گردد. پیامبر فرمود:

«خداوند روزی مردم را به اندازه انفاق آنها قرار داده است، هر کس زاد انفاق کند روزی او زیاد و هر کس کم انفاق کند روزی او کم است». (اصول کافی: ج 10، ص 305)

در اینجا به دلیل اهمیت موضوع اشاره ای به آن دسته از عباداتی که موجب نزول برکت الهی می گردند، شده است:

الف) استغفار

در فرهنگ دینی اسلام معمولاً استغفار را مقدمه ای برای آمرزش گناهان دانسته و با آن، آثار گناهان را محو می کنند. اما استغفار می تواند از جنبه های اقتصادی نیز مورد توجه قرار گیرد و در دایره علت و معلول، سبب فزونی رزق و روزی و توسعه اقتصادی گردد. آیات قرآنی ذیل خود اثبات کننده این مدعی هستند:

«از پروردگارتان آمرزش بخواهید پس به درگاه او توبه کنید تا شما را به بهره مندی نیکویی بهره مند ساخته و به هر صاحب فضیلتی، نعمتی از کرو خود عطا کند». (هود: 3)

«یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدراراً».

«ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید پس به درگاه او توبه کنید تا از آسمان برای شما رحمت فراوان فرستد». (هود: 52)

علاوه بر آیات فوق، روایات صریحی در این خصوص نقل گردیده که بر خلاف تئوری ها و قوانین فعلی، دایره علت را به امور معنوی توسعه داده و از مجرای این چنین اسباب معنوی، توسعه و رفاه مادی را نوید داده است.

پیامبر فرمود:

«استغفار را زیاد کنید و بدین وسیله روزی را به سوی خود بکشانید». (خصال: ج 10، ص 615)

امام کاظم (ع) در روایتی از پیامبر (ص) نقل می فرماید:

«هرکس استغفار کند خداوند برای او گشایش حاصل نموده، غم را برطرف و روزی بی حساب به او ارزانی می دارد». (جعفریات: ص 228)

5-9) اقامه نماز و نماز شب

در خصوص نماز، نوشته ها و اظهارات فراوانی نقل و درج گردیده است؛ اما این ویژگی نماز که سبب برکت می شود کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پیامبر آثار دوستی با فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی را برای نماز اظهار داشته اند. (حضال: ص 522)

آنچه در خصوص آثار نماز نقل گردیده، با تأکید بیشتر در خصوص نماز شب بیان شده است.

تجارب تاریخی و حمایتی که از شب زنده داران به ما رسیده همه گویای آثار و برکات این عطیه الهی است. از مرحوم نایینی نقل شده است که گرچه نماز شب شرط اجتهاد نیست، اما تاکنون کسی بدون اقامه نماز شب به اجتهاد نرسیده است. در اقتصاد مدرن امروزی به ویژه در کشورهای اسلامی، جایز است تا بخشی از بودجه تحقیقات میدانی به این مسئله اختصاص یافته، با شب زنده داران مصاحبه به عمل آمده و نتیجه امر به اطلاع عموم رسانده شود، تا این چنین آثار و برکات از حد یک آرمان خارج شده و به صورت عینی در جامعه منتقل شود.

(ج) دعا

دعا موجب نزول برکت در زندگی می شود. برای طلب برکت، دعا‌های فراوانی از پیامبر و امامان نقل گردیده است. هنگامی که حواریون عیسی (ع) از او طلب سفره های آسمانی نمودند، حضرت دعا کرده و گفتند بار الهی، پروردگارا، از آسمان خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما و نشانه ای از جانب تو باشد. (مائده: 111)

از موارد دیگری که موجب توسعه و گشایش اقتصادی در اسلام می گردد دعا کردن برای دیگران است. امام صادق (ع) فرمودند:

«دعاء المرء لأخيه يظهر الغيب يدر الرزق و يرفع المكروه».

«دعای انسان برای برادر دینی، روزی را افزایش داده و بلا را دور می گرداند». (اصول کافی: ج 2، ص 5-7)

د) حج و عمره

زیارت خانه خدا و انجام مناسک مربوطه، علاوه بر در پی داشتن آثار و برکات روحی اثرات مادی فراوانی نیز دارد. پیامبر (ص) فرمود:

«به حج بروید تا بی نیاز شوید». (فقیه، ج 2، ص 265)

در بیان دیگری فرمودند:

«حج و عمره را به توالی به جا آورید، به درستی که فقر و گناهان را از میان می برد». (اصول کافی: ج 4، ص 255)

ممکن است افرادی بر این باور باشند که چون حج علاوه بر برخورداری از جنبه مسافرتی، جنبه تجاری نیز دارد، از این رو با پرداختن به امور تجاری، وضعیت اقتصادی بهبودی یابد. این چنین برداشتی از موضوع ناصحیح است چرا که تجارت اختصاصی به سفر حج نداشته و حتی در زمان صدور روایت، راه های دیگر برای تجارت وجود داشته است. از آن رو این قبیل روایات در زمره سلسله علت های غیر مادی توسعه قرار گرفته و به رساندن مقصود کمک می کند.

نهایتاً به اعمالی پرداخته می شود که انجام آنها موجب نزول برکت و توسعه اقتصادی در ممالک اسلامی می گردند:

الف) انفاق

علی (ع) به کمیل فرمود:

«ای کمیل برکت در مال کسی است که زکات آن را پرداخته باشد». (تحف العقول: ص 172)

آثار معنوی با چشم ظاهر قابل رؤیت نیست و همانگونه که در ابتدا اشاره شد برکت در زمره علت های معنوی است که بسیاری اوقات فهم ما از درک آن ناتوان است.

در روایت از انفاق به چیدن شاخه های اضافی درختان تشبیه شده است که باعث افزایش محصول می گردد. عملکرد انفاق نیز همانند پیرایش است. این نمونه از باب تشبیه معقول به محسوس است. به عبارت دیگر چون فهم انسان از درک آن عاجز بوده، برای آن مثال زده و کار معنوی را با امور ظاهری تشریح کرده اند. علی (ع) فرمود:

«الزكاة نفس في الصورة و زياره في المعنى».

«زکات در ظاهر کم شدن و در باطن معنی زیاد شدن است». (شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 299)

(ب) صله رحم

پیامبر فرمود: «صله رحم روزی را زیاد کرده و اقتصاد مسلمین را رونق می بخشد». (دعائم الاسلام، ج 2، ص 331)

(ج) میانه روی

دنایای کنونی مواجه با منابع محدود و تقاضاهای نامحدود است، یعنی به عبارت اقتصادی به افت کیمیایی مبتلاست. برطرف نمودن مشکل بستگی به استفاده بهینه از امکانات و توزیع صحیح آنها دارد. استفاده کردن از کالاهای مختلف، بدون توجه به نیازهای واقعی آنها اسراف و استفاده کردن از یک کالای لوکس و گران قیمت تبذیر است. مطابق تعالیم اسلامی، هم در سطح اقتصاد خرد و هم در سطح کلان، می توان با استفاده از منابع میانه روی نمود و مشمول رحمت و برکات الهی واقع شد. پیامبر (ص) فرمود:

«هر کس میانه روی کند خداوند او را روزی می بخشد». (اصول کافی، ج 2، ص 122)

(د) ازدواج

مادامی که فرد مسلمان تنها زندگی می کند، به اندازه یک نفر تلاش و کوشش نموده و خود را در مقابل کسی مسؤول نمی پندارد. چنین فردی هزینه ها را نیز واقعی ندیده و بعضاً بیش از هزینه می کند. زندگی مشترک علاوه بر آنکه در پیدا کردن نقاط همیشه به وی کمک میکند تلاش و کوشش فرد را مضاعف ساخته و بدین ترتیب به طو غیر مستقیم، نقش به سزایی در توسعه اقتصادی ایفا می نماید. پیامبر فرمود:

«اتخذوا الاهدل البیت ارزق لکم». (اصول کافی، ج 5، ص 329)

(ه) آسان گیری در معامله

اگ شرایط جامعه به گ. نه ای باشد که اطمینان بر بازار حاکم گردیده و به ویله کنترل، قیمت و کیفیت بازار از ثبات برخوردار گردد یا رقابتی نوسانی در بازار وجود داشته باشد، زمینه برای انجام معاملات سالم و با برکت به وجود می آید، نتیجه آنچه گذشت این شد که اقتصاد غرب با طرح اقتصاد توسعه و توسعه اقتصادی، فصل جدیدی در تاریخ خود گشوده که هدف اصلی آن فراهم آوردن رفاه بشری در پرتو دستیابی به توسعه است. اما توسعه ای که غربیان مبدع آن بودند، به صورت فرایندی جامعه را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب سوق می دهد و توجهی به فردت و پرداختن به مسئله توسعه در شکل خرد آن نمی کند. تاریخ نشان داده است که برای رسیدن به موفقیت در توسعه اقتصادی، تکیه صرف بر علوم غریب راهگشا نمی باشد. با وجود آنکه هشتاد درصد برندگان جایزه نوبل از دو کشور آمریکا و انگلستان بوده و کشورهای چوین ژاپن و کشورهای آسیای جنوب شرقی از اقتصاددانان نامداری برخوردار نیستند، اما از رشد بالای اقتصادی برخوردارند. علت عمده این امر آن است که دانش اقتصاد امروزی تبدیل به عملی شده که با واقعیات تطبیق نمی کند. در دین اسلام، با معطوف داشتن توجه به مساجد به عنوان کانون های برنامه ریزی اقتصادی، عمده تکیه بر مسایل بومی - محله ای و فرهنگ غنی آن متمرکز شده است. همچنانکه از قرن نهم تا چهاردهم که عصر عظمت تمدن اسلامی محسوب می گردد، دانشمندان چوین ابونصر فارابی، بوعلی سینا و امام محمد غزالی مطرح گردیده و در رشد و توسعه و غنای همه جانبه بلاد مسلمین ایفای نقش نمودند.

امروزه نیز با استفاده از مساجد لازم است تا انقلابی در اندیشه اقتصادی دین اسلام صورت گیرد تا با تکیه بر معرفت دینی بایکدیگر طرحی نو در انداخت یعنی همان جنبشی که شهید صدر به آغاز آن مبادرت نمود (نه اقتصاد یک سو نگر غرب را پذیرفت و نه در اردوگاه سوسیالیسم خیمه زد، بلکه میخواست پایه گذار اقتصادی باشد که به برکت آن انسان کرامت خویش را در احسن تقویم به یاد آورده و هدفش اعلیٰ علیین باشد.

سخن آخر اینکه اقتصاد اسلامی و وضعیت اقتصادی مسلمانان در سایه استواری کانون های تقوا (مساجد)، حسن نیت، انس با قرآن، نماز و دعا، توسعه یافته و رنگ برکت الهی زینت بخش آن است. در دین مبین اسلام، پیوند میان نماز و بازار همواره در جریان بوده و تجار مسلمان روزی چند نوبت به مساجد آمد و رفت نموده و از نیروی ایمان تقویت شده و به محل کار خود باز می گردند. عبور از مساجد آنان را به یاد خدا می اندازد، از این رو کمتر دروغ گفته، کمتر احتکار کرده و کمتر گران فروشی می کنند.

در حقیقت بازار و اقتصاد اسلامی از ارتباط تنگاتنگی با مساجد برخوردار است. منظور این است که اسلام بین اقتصاد، مسجد و نماز پیوند ناگسستنی را برقرار نموده است.

حال در این راه چنانچه مسلمانان این پیوند را عملاً حفظ کرده و به آن عمل کنند، با این پیوند است که اقتصادشان بسیار فعال می گردد چرا که در چنین حالتی بازرگانان و تجار محلات مختلف به مجرد شنیدن صدای اذان، فوراً دست از تجارت ب می دارند که این امر خود نوعی اعتماد را به وجود می آورد. به طور کل می توان گفت که در گسترش اسلام به ویژه از جنبه اقتصادی آن، به واسطه عملکرد تجار و بازرگانی بوده است که تربیت شده مکتب مساجد بوده اند.

6-9 نقش مساجد در توسعه و رفاه اقتصادی

در صدر اسلام، اکثریت تجار و بازرگانان به محض ورود به شهرها و محلات به مساجد مراجعه می نمودند؛ از این رو حضور آنان در مساجد نشان از ورود کالاهای جدیدی داشت که به محض اتمام نماز، خریداران کالا وارد بحث و مذاکره برای خرید و فروش و یا مبادله می شدند. در آن زمان اگرچه خرید و فروش و فعالیت های اقتصادی مستقیماً در داخل مساجد صورت نمی گرفت و هنگام حضور مساجد اصل همه کارها بر محور عبادت و نیایش استوار بود و دید و بازدید و گفت و گو برای تبادل و خرید بعد از انجام عبادی صورت می گرفت، اما محوریت اقتصادی مساجد در رونق اقتصاد محلات و شهرها همواره از اهمیت خاصی برخوردار بود. از جمله دیگر کارکردهای اقتصادی مساجد که با مشارکت و همیاری مردم و در جهت کمک اقتصادی به مردم صورت می گیرد، می توان به تشکیل صندوق های قرض الحسنه، حفظ سپرده های مردمی و واگذاری وام بدون بهره اشاره نمود که از طریق شورای قرض الحسنه شمساجد صورت می گیرد. این سنت حسنه قرون متمادی است که در میان مؤمنین نمازگزار مساجد انجام می گیرد. با توجه به تأکیدات فراوان آیات و روایات در خصوص منع انجام معاملات ربا، تشکیل صندوق های قرض الحسنه از جمله بهترین روش های اقتصادی برای رفع احتیاجات مالی و اقتصادی به شمار می آید که خاستگاه اولیه تشکیل آنها، مساجد بوده اند. علاوه بر آن می توان از تشکیل فروشگاه ها و تعاونی مصرف محله ام برد که توسط هیأت امنای مسجد جهت رفع نیازهای ضروری خانوارهای محلی، ساکن در حوالی مساجد صورت می گیرد. از انواع دیگر فعالیت های اقتصادی که عمده تاً مساجد در ایجاد آنها نقش اصلی را ایفا می کنند می توان به جمع آوری پول برای مستمندان و نیازمندان، خرد جهیزه برای انواده های کم درآمد، شغل یابی و فراهم آوردن فرصت های شغلی مناسب و پویا برای افراد بیکار و جمع آوری کمک و اعانه برای ساخت کارگاه های تولیدی و مرکز کوچک اقتصادی محله ای اشاره نمود. از جمله دیگر نقش های غیر مستقیم مساجد در امر اقتصاد، جلسات وعظ و خطابه و سخنرانی ائمه جماعات و سخنرانان در مساجد در خصوص رعایت اخلاق اسلامی در معاملات اقتصادی می باشد.

توجه به اینکه مساجد در اکثریت جوامع اسلامی دارای محوریت اصلی بوده و از نقش فعالی در مراکز بازار و مراکز اقتصادی شهرها و محلات برخوردار می باشند. از این رو، به هنگام نماز، مساجد محل مراجعه بازاریان، کسبه و اصناف بازار و مراکز اقتصادی محله می باشند. امام جماعت نیز در هر جلسه نماز، ضمن دعوت نمازگزاران که عمدتاً در فعالیت های اقتصادی فعال می باشند، آنان را به رعایت اخلاق اسلامی و اقتصادی و رعایت انصاف و عدل در معاملات و فعالیت های اقتصادی دعوت می کند. این قبیل موعظت و سخنرانی های ائمه جماعات در مساجد تأثیری عمیق در نمازگزاران ایجاد کرده و به تبع، آنان از نظر اخلاقی و برای رعایت مسائل شرعی ملزم و مقید به فعالیت سالم اقتصادی می شوند. به طور کل می توان گفت که مساجد و بازرگانان، خدمات متقابل و نهایتاً دستاوردهای متنابهی برای یکدیگر دارند. به عبارت دیگر همچنان که مساجد در امور اقتصادی به کمک تجار و بازرگانان می شتابند، بازرگانان نیز با احداث مساجد نقش مهمی در گسترش و توسعه اسلام و شکوفایی اقتصادی دیگر محلات داشته اند. با وجودی که هیچ یک از ادیان بزرگ من جمله دین مبین اسلام، از رهیافت ضد سرمایه داری برخوردار نمی باشند و سرمای داری از نظر علمی درست و از نظر عملی ناگزیر و بی جانشین است. اما گویی بار اخلاقی منفی دارد. در این راستا ادیان بزرگ و به ویژه دین مبین اسلام به این پیامدهای منفی اخلاقی منتج از سرمایه داری و زر اندوزی توجه داشته و چاه هایی من جمله دریافت خیرات و مبرات واجب، صدقات مستحق، وقف و انجام امور خیریه تأکید داشته اند. در اسلام که مساجد به کانون محوریت انجام امور عبادی، فرهنگی، اقتصادی و... معرفی و در نظر گرفته شده اند عهده دار مبارزه و با چنین پیامدهای منفی اخلاقی در امور اقتصادی از طریق دریافت خمس و زکات از تجار و بازرگانان و صرف آن جهت تأمین افراد نیازمند و نهایتاً تأثیر گذاری در شکوفایی و رونق اقتصادی جامعه و به ویژه اقتصاد خرد (اقتصاد محله ای) می باشند. بهره وری مفهومی بسیار گسترده داشته و در برگیرنده بهینه سازی تمامی عوامل مؤثر در فعالیت سازمان ها و نهاد های دولتی، مردمی، تعاونی و... می باشد. تلاش برای بهبود بهره وری در کلیه عرصه ها به منظور استفاده عقلایی و بهینه از توانمندی ها و استعداد های بالقوه و بالفعل با هدف ارتقای جایگاه نهادها نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای صنعتی نیز همچنان ادامه داشت و موضوع مربوط به گذشته نیست، بلکه همواره در حال و آینده مدنظر مدیران، سیاستگذاران و برنامه ریزان می باشد.

متأسفانه در اغلب کشورهای در حال توسعه بهرثرت های طبیعی فراوان، نیروی انسانی و... مسیر توسعه اقتصادی همواره با موانعی روبروست که بخش اعظم آن ناشی از فقدان مدیریتی کارآمد در بهره گیری از استعدادهای توانمندی های بالقوه و بالفعل می باشد. در اینجا است که نظام مدیریت اسلامی با عنوان نظام مدیریت مشارکتی با تأکید بر رشد و توسعه بهره وری در ه مجموعه اقتصادی-اجتماعی بایاری گرفتن از مشارکت مردم به ویژه در سطح محله ای، در شناسایی تنگناها و یافتن راه های مناسب برای غلبه بر آنها، به سرعت اقدام نموده و توفیق می یابد. در این حالت با واگذاری امور به مردم و فراهم آمدن امکان مشارکت و حضور آنان در صحنه های گوناگون اجتماعی و سپارش فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... و مدیریت آن به خود مردم، از تصدی دولت کاسته شده و مردم خود را و طلبانه به مشارکت در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مشتاق و علاقه مند می گردند. از جمله دیگر اقداماتی که می توان به واسطه مساجد با مشارکت مردم در راستای تسهیل روند ارتقای بهره وری و توسعه اقتصادی به ویژه در سطح محله ای می توان از موارد ذیل نام برد:

1- ایجاد پایگاه های تحقیق و توسعه در کلیه زمینه ها و اور، در مساجد به ویژه مساجد منطقه ای و محله ای.

2- برنامه ریزی دقیق با توجه ویژه به بافت فرهنگی فاجتماعی و اقتصادی هر منطقه و محله.

3- فراهم سازی امکان برخورداری همگان از فرصت مشارکت در امور و تقویت زمینه های مشارکت در راستای حذف تبعیض ها و فرصت های رانت جویی و فساد اداری و اقتصادی.

4- تربیت نسل پرتلاش، خلاق، مدیر و مدبر در تمامی زمینه ها و تخصص های مورد نیاز جامعه امروز جهت هموارسازی مسیر ارتقای بهره وری.

7-9 نقش مساجد در اقتصاد محله ای

از جمله مهم ترین کارکرد های مساجد در اقتصاد محله ای می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1- شناسایی افراد مستمند و مسکین نمازگزار محل

2- جمع آوری هدایا و کمک های اهالی برای نیازمندان محل

3- کمک در جمع آوری کمک های مردمی برای حوادث غیر مترقبه نظیر سیل، زلزله، جنگ و...

4- برگزاری جلسات مشاوره برای خانواده ها و امر از دواج

5- تشکیل فروشگاه تعاونی مصرف مساجد

6- خیریه، اعانات، خیرات و صدقات به واسطه نصب صندوق های خیریه د مساجد

7- راه اندازی صندوق قرض الحسنه

8- راه اندازی درمانگاه و داروخانه

9- دعوت از مستمندان در ایام طعام عمومی

10- برگزاری مراسم جشن های مردمی و ازدواج با کمترین هزینه.

نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله ای

8-9 فرهنگ و ساختارهای تشکیل دهنده آن

فرهنگ مفهوم پیچیده ای است که تعاریف متعدد و متنوعی برای آن ارایه گردید است.

به تعبیر عام، مجموعه ای به هم پیوسته از دانش ها، آگاهی ها، باور ها، ارزش ها، هنجارها و مهات های لازم و ضروری برای زندگی اعضای جامعه است.

(فرهنگ ابتدایی)، فرهنگ را مجموعه پیچیده ای تعریف می کند که متضمن دانش، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم کلیه توانایی ها و قابلیت ها و عادات مکتسبه است که انسان به عنوان عضوی از جامعه تحصیل می نماید. مدت زمان زیادی، فرهنگ به مجموعه ای از فعالیت های فکری و نری محدود می شد، اما پس از مدت ها، تعریف نسبتاً دقیق از آن با تأکید بر جنبه های معنوی آن ارایه شد. بنا به چنین تعریفی، فرهنگ مجموعه ای کامل از مشخصه های ممیزه روحی مادی، فکری عاطفی است که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می کند که نه تنها شامل هنرها بلکه شامل اشکال زندگی نظام های ارزشی، سنت ها و اعتقادات و حقوق اساسی انسانی نیز می گردد. به عبارت دیگر فرهنگ را باید در مفهوم گسترده و به منزله

بافتی پیچیده وبا روابط متقابل در نظر گرفت که بر مجموعه ای از فعالیت های فکری و هنری محدود می شد، اما پس از مدت ها، تعریف نسبتاً دقیق با تأکید بر جنبه های معنوی آن ارایه شد. بنا به چنین تعریفی، فرهنگ مجموعه ای کامل از مشخصه های ممیزه روحی مادی، فکری و عاطفی است که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می کند نه تنها شامل هنر هابلکه شامل اشکال زندگی، نظام های ارزشی، سنت ها و اعتقادات و حقوق اساسی انسانی نیز می گردد. به عبارت دیگر فرهنگ را باید در مفهوم گسترده و به منزله بافت پیچیده و باروای متقابل در نظر گرفت که بر مجموعه ای از سنت ها، باورها، دانش ها و نیز اشکال متفاوت بیان و تحقق فرد در بطن جامعه استوار است. با ویژگی هایی که تعریف دقیق فوق برای فرهنگ جامعه یا گروه اجتماعی تعیین می کند دیگر نمی توان فرهنگ را تنها بعد فرعی یا نیز سنتی توسعه تلقی نمود، بلکه فرهنگ عنصر ضروری جامعه یا اجتماع به شمار آمده و در رابطه کلی با توسعه، نیروی درون جامعه یا اجتماع محسوب می گردد. فرهنگ هر اجتماع دارای خصوصیات و ویژگی های خاص آن سرزمین است که تحت عناصر مذهبی، تاریخی، عقیدتی و جغرافیایی شکل می یابد. حال از آنجایی که مساجد به عنوان مراکز تأثیر گذار بر الگوهای رفتاری افراد در زمینه مذهبی مطرح می باشد، از این رو به صورت غیر مستقیم در شکل گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش به سزایی ایفا می نمایند.

افراد جامعه به وسیله روابط اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده و در کنش متقابل اند. روابط اجتماعی، برخلاف روابط زیستی و طبیعی، به دلیل برخورداری انسان از اراده و اختیار، اموری جزئی و تکوینی نیستند. هماهنگی و سازگاری روابط اجتماعی بر پایه الگوهای رفتاری مقبول جامعه صورت می گیرد. شکل و محتوا روابط اجتماعی توسط الگوهای رفتاری توصیف می گردد که افراد جامعه در رفتار با یکدیگر خود آن را تطبیق می دهند. با توجه به نامعین بودن روابط اجتماعی از یک سو و اراده و اختیار انسان از سوی دیگر، افراد جامعه از امکان انتخاب الگوهای رفتاری برخوردارند. آنچه امروزه به عنوان مراجعه به آرای عمومی مطرح می باشد، در واقع انتخاب و تعیین روابط اجتماعی است. آنگاه که مسئله انتخاب پیش می آید، ناگزیر از ملاک و معیار انتخاب، سخن به میان می آید؛ یعنی سبک و سنگین کردن، سنجیدن و ارزیابی کردن گزینه های ممکن و متفاوت روابط اجتماعی. ملاک و معیار انتخاب در واقع نظام ترجیحی افراد جامعه است که متأثر از باورها و ارزش های آن جامعه است و از این رو ارزشی است. نخستین عنوانی که در ارتباط با مقوله ارزش به میان می آید فرهنگ است. ارزش ها و باورها هسته اصلی فرهنگ را تشکیل می دهند. اینرو با توجه به اینکه روابط اجتماعی یک جامعه بر اساس الگوهای رفتاری و منطبق و سازگار با ارزش ها و باورهای آن صورت می پذیرد، الگوهای رفتاری بخشی از فرهنگ جامعه به شمار می روند. فرهنگ در حقیقت مشتمل بر اصول عامی برای گزینش و مرتب نمودن الگوهای رفتاری در زمینه های مذهبی، علمی، اقتصادی و... است.

با توجه به اهمیت به سزای عناصر مذهبی در ساختار فرهنگی یک اجتماع می توان ادعا داشت که توجه به مساجد به عنوان مراکز برخورداری از عناصر مذهبی و عقیدتی، همراه با شناخت فرهنگ غنی اسلام، در کنار دیگر الزامات نه تنها مایه تداوم تماس و تفاهم اجتماعی و تأمین و تحکیم هویت و فرهنگ اجتماع می شود، بلکه درخت تناور فرهنگ و تمدن ایران را نیز پربارتر از همیشه خواهد کرد. ساختار تشکیل دهنده هر فرهنگی متأثر از عوامل زیادی است که از مهم ترین آنها می توان به سه عامل دین، جامعه و طبیعت (جغرافیا) اشاره نمود.

این عوامل در عرض یکدیگر نیستند، بلکه به ترتیب خاص در ساختار شکل گیری و تحول فرهنگی تأثیر می گذارند. از میان عوامل فوق، طبیعت عامل ثابت و نسبتاً پایدار است که روش بهره وری از آن متفاوت و متغیر است. عامل جامعه نیز تحت تأثیر خلاقیت و بستر فرهنگی از سویی و جغرافیا از سوی دیگر قرار گرفته و متحول می شود، اما بنیاد دین همواره ثابت است و چون بر

فطرت انسان منطبق است وجه تازگی وشادابی آن همواره محفوظ بوده ودر هر شرایطی قادر به ایفای نقش کلیدی خود می باشد،این چنین فیزیکی سبب می شود تا فرهنگ منتخب از دین، رابطه دایمی وحیاتی،چه به صورت آشکار وپنهان داشته با شد.این رابطه هنگامی که دین به عنوان عنصر شاخص اجتماعی،سیاسی،اقتصادی و... ایفای نقش می نماید، آشکار بوده وبه وضوح قوانین و اصول مذهبی وحدود تعاملات فرهنگی را نشان می دهد.

9-9 جنبه معنوی فرهنگ

عملکرد مهم مساجد در اجتماعی ونیاز معنوی میان انسان ومعبود یکتااز دیرباز، بیانگر نقش به سزایی است که عبادت گاه ها در شکل گیری شهرها داشته اندکه این خودنشانه ای از احتیاج روحی انسان به مسایل عبادی است.لذا این ارتباط که خود بازگوکننده استضعاف آدمی است،همواره وهمه جاتحت لوای مکانی امن درآمد و مدنظر قرار می گیرد. طرح مسایل فرهنگی از طریق مساجد،از جمله روش هایی است که برای نخستین بار پیامبروحی از طریق احداث مساجد به آن پرداخت. چنانکه مسال فرهنگی وعبادی در کنار یکدیگرمورد توجه قرار گیرند، مسجد نقش تأثیرگذار خود بر جامعه را نمایان می سازد.

افزایش بهای زمین نه تنها مادی بلکه معنوی وجذب افراد سرشناس ومتعهدشهرها ومحلات در پیرامون مساجدنشان دهنده میزان تأثیرگذاری مهم مساجد بر هویت وفرهنگ شهری ومحل ای است. نقش تأثیرگذار مساجد بر هویت وفرهنگ اسلامی تابدان جاست که بادور شدن وفاصله گرفتن از مساجد نتیجه ای جز تخریب ظاهری وباطنی وسقوط مبانی فرهنگ در وهله نخست واز میان رفتن وحدت اسلامی در وهله دوم در پی نخواهد داشت چراکه نخستین عنوانی که در ارتباط بامقوله ارزش به میان می آید، فرهنگ است. ارزش وایده های سنتی، هسته ضروری فرهنگ را تشکیل می دهند. همانگونه که ملاحظه می شود مقوله ارزش از سویی هسته وگوهر فرهنگ به شمار رفته واز سوی دیگر نقشی بسی تعیین کننده در چگونگی شکل یابی وتعیین روابط وساختار اجتماعی دارد. از این رو ساختار اجتماعی وفرهنگ سخت به یکدیگر در آمیخته اند به نحوی که روابط اجتماعی در چارچوب رفتار فرهنگی شکل می گیرند. رابطه متقابل میان ارزش ها وباورهای سنتی ومذهبی، فرهنگ وروابط اجتماعی نشان می دهد که مساجد به عنوان کانون ارزش وفرهنگی دین مبین اسلام نقش تأثیرگذاری در شکل گیری روابط اجتماعی مسلمانان داشته اند که این خود نشان دهنده نقش تأثیر گذار این مراکز اسلامی بر فرهنگ وهویت شهرهای اسلامی وبه ویژه محلات می باشد.

9-10 کارکرد فرهنگی مساجد

پس از نقش های عبادی وآموزشی، نقش فرهنگی در میان دیگر نقش ها وکارکردهای مسجد دارای بیشترین اهمیت می باشد. در زمان رسول اکرم وائمه اطهار، مسجد کانون بسط وتوسعه فرهنگ غنی اسلام بوده وبسیاری از فعالیت های فرهنگی مسلمین در مسجد انجام می شده است. به طور کلی می توان گفت که پایگاه فرهنگی اسلام از مساجد شکل گرفته وهسته اولیه فعالیت های فرهنگی اسلام در مساجد تشکیل شده است. اصلی ترین اشاعه دهندگان فعالیت های فرهنگی چه در دوران حضرت رسول اکرم وجه در دوران ائمه اطهار مساجد بوده اند. امروزه پس از گذشت 1400 سال، همواره مساجد کارکرد فرهنگی خود را از دست نداده اند؛ بلکه بر وسعت دامنه آنها نیز افزوده شده است. پیامبر اکرم محیط مساجد را کاملاً یک محیط فرهنگی می دانستند تا جایی که در حضور آن حضرت وبا اجازه ایشان، مسابقات شعر وسخنرانی در مساجد برگزار می گردید و پیامبر ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله وبردباری کامل با چنین مسایل برخورد می کردند. در مقابل دنیای امروز نیز جهانی شدن وتکنولوژی اطلاعات که چشم گیرترین نمود آن اینترنت است، قلمرو را به گستره جهانی وسرعت عمل را به

حد غیر قابل تصویری افزایش داده است. گستردگی میزان عمل و افزایش سرعت انتقال اطلاعات، جهان را به عرصه هم‌آوردی سخت و جانکاه مبدل کرده است، که درنگ و کوتاهی در اقدام شایسته و بایسته، زیان‌ها و آسیب‌ها راه چاره ناپذیری را موجب می‌گردد. در عصر اینترنت وجهانی شدن، اقدام نکردن و در دست نداشتن ابتکار عمل بدین معنا نیست که ضمن حفظ مصونیت خود، تنها امکان تأثیر گذاری بر دیگران از دست رفته باشد، بلکه اقدام نکردن به معنای در معرض تأثیر و آسیب قرار دادن از سوی اقدامات دیگران است. دامنه این آسیب‌پذیری به ویژه در حوزه فرهنگ که میدان عمل مساجد است، با توجه به امکانات دیداری و شنیداری اینترنت بسیار گسترده است، از این رو مساجد در برابر این تحدی بزرگ، از امکانات و قابلیت‌های حاصل آمده توسط اینترنت در جهت گسترش دامنه فرهنگ سازی دینی به ویژه در سطح محله کمال بهره‌برداری را نمایند.

بدین ترتیب مساجد محلی با استفاده از ارتباطات شبکه‌ای از برنامه‌های مذهبی، امکانات تربیتی و تجارب تبلیغی یکدیگر اطلاع یافته و با تبادل این اطلاعات و همکاری و همیاری در اجرای برنامه‌های فرهنگی، ارشادی و تبلیغی، بر دامنه ژرفای تأثیرگذاری خود می‌افزایند. مساجد همچنین با طراحی سامانه‌ها (سایت‌های ویژه) و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی مخاطبین خود، ارتباطات فردی و تأمین نیازهای روحی – معنوی و فرهنگی آنان را فراهم می‌آورند. به‌طور کلی می‌توان گفت که با وجود شبکه جهانی اینترنت، این فرصت برای مساجد محلی به عنوان مراکز ارشادی، فرهنگی و تبلیغی فراهم آمده است تا ضمن هم‌فکری و همکاری با یکدیگر، به تبیین مبانی، اصول و ارزش‌های دینی و فرهنگ سازی دینی بپردازند. در حال حاضر تأکید بر بعد فرهنگ و فرهنگ سازی دینی مساجد در فرایند برنامه‌های توسعه‌ای به دنبال شکست‌های متعدد برنامه‌ها و سیاست‌های قبلی از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است؛ چرا که کارکرد فرهنگی مساجد بر شناخت جهان بینی اقشار مختلف جوامع محلی و شهری به ویژه جوانان تأکید دارد. از این رو، در عملکرد مساجد در راستای انجام فعالیت‌های فرهنگی، شناخت مؤلفه‌های فرهنگی – اجتماعی تعیین‌کننده ساختارهای جامع‌ها ضرورتی خاص را دارد.

11-9) مساجد و شکل‌گیری فرهنگ و هویت اسلامی محلات شهری

هنگامی که اسلام، جهان متمدن قرن هفتم میلادی را فراگرفت، چهره بسیاری از کشورها دگرگون شد و با مسلمان شدن تدریجی این کشورها، نژادهای گوناگون در ساختن هویت جدیدی به نام اسلام، نزدیک شدند. (آذرتاش، هنرها: ص 150)

نژادهای آریایی، هندی، سامی، قطبی، بربری و سایر نژادها در بارور ساختن هویت و فرهنگ اسلامی باهم همکاری کرده‌اند. (شهیدی، رستاخیز: 16، 632)

پیداست که در این میان، سهم همه ملت‌ها یکسان نبوده و آنها که با میراث‌های غنی پیش می‌آمدند، در ساختن بنای فرهنگی جدید اثربخش‌تر بوده‌اند، آنچه در این کشورها باعث گسترش سریع فرهنگ و هویت اسلامی می‌شد، بی‌تردید عامل دین و از همه مهم‌تر وجود مراکز مذهبی مشترک به عنوان مساجد بود. مساجد مستقر در مناطق و محلات شهری در حقیقت به عنوان مراکز فرهنگ سازی دینی فعالیت می‌نمایند.

این مراکز به عنوان پایگاه‌های مردمی نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده در روشنگری اذهان عمومی و ترویج و تبیین شعائر و مبانی و فرهنگ دینی دارند. پر واضح است که مساجد به عنوان مراکز فرهنگ سازی دینی با دارا بودن پتانسیل برقراری ارتباط نزدیک‌تر با توده مردم به ویژه جوانان در ابعاد خردتر مانند محلات، پاسخ‌گوی نیازهای مردم و به ویژه جوانان بوده‌اند. از این رو نقش مساجد در شکل‌گیری، انسجام و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی در محله‌های شهری حایز اهمیت بسیار است. ضرورت

حضور پررنگ تر مساجد، به عنوان یکی از پدیده های ضروری ظهور برای رویارویی با بروز تأخرفرهنگی حداقل در سطح محله ای مبدل گردیده است. در این برهه از زمان با توجه به مقابله با این پدیده نه جندان نوظهور، تعامل مساجد با فرهنگ سراها و خانه های فرهنگی محلات الزامی و ضروری است چراکه بنا به نیازهای امروز جامعه، کارکردهای گسترده مساجد، فراتر از نیازهای کنونی مساجد است. مسجد به عنوان محل تجمع مسلمانان، مرکزی برای اطلاع رسانی است که مهم ترین تأثیرات را در فرهنگ و هویت بشر از زمان های گذشته تاکنون بر جای گذاشته است که مصداق بارز آندر جریان انقلاب اسلامی ایران دیده شد. دین مقدس اسلام از این جهت که به مناسبت های مختلف مردم را فرا می خواند، در میان ادیان دیگر از برجستگی خاصی برخوردار است.

اهمیت مساجد به ویژه در زمان صدر اسلام که از جبهه اطلاع رسانی فاقد رسانه های گروهی بود، اهمیت بسیاری داشت، زیرا در همین اجتماعات، رهبران دینی، فرصت را مغتنم شمرده و با راهنمایی لازم نقش اساسی در شکل گیری فرهنگ و هویت اسلامی را ایفا می نمودند. برای ارتقای فرهنگ و هویت دینی در پیکره هویت و فرهنگ اجتماع به ویژه اجتماعات محله ای، مساجد از نقش به سزایی برخوردار می باشند چرا که از مشارکت گسترده مردم در حفظ ارزش ها و تبلیغ آنها و انتقال فرهنگ و مفاهیم ارزشی سود می جویند در غیر این صورت چنانچه دولت به تنهایی عهده دار این مسئولیت گردد، کوچکترین تخلف از سوی آن به حساب دین و فرهنگ دینی گذارده شده و این خود نقص دین تلقی می گردد. از این روست که دولت باید با تدارک زیر ساخت ها و آماده سازی نیروهای انسانی کارآمد از یک سو و بهره گیری از متفکرین، روحانیون، هنرمندان، فرهنگیان و فرهنگستان جامعه و استقرار آنها در مساجد به عنوان قائم مقام خود، به توسعه فرهنگ و هویت اسلامی و ارتقای چنین فرهنگی در پیکره فرهنگ و هویت اجتماعی به ویژه محله ای بپردازد. با وجود مسئولیت خطیر مساجد در ایجاد هویت و فرهنگ اسلامی در جامعه، توجه بر رویکرد اخلاقی این پایگاه مقدس که به شکل دهی جامعه ای با هویت و فرهنگ اسلامی عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه می انجامد، الزامی است. این سیمل که نهایتاً بنیه فرهنگ داخلی را تقویت می نماید، بخشی از نقش است که مساجد به عنوان جایگاه های خاص توسعه فرهنگ و هویت اسلامی در قالب برنامه های دراز مدت در تقویت و استحکام هویت و فرهنگ محله ای ایفا می نمایند.

12-9) ضرورت حضور پررنگ مساجد در فرهنگ شهرها و محلات

در فرهنگ غنی و ریشه دار اسلام، مسجد از مرکزیت برخوردار است. در جغرافیای فرهنگی اسلام و در سپه فرهنگ دینی، مسجد اصلی ترین پایه و رکن است. در اسلام، مساجد محور فعالیت های فرهنگی هستند، از این رو اگر چنانچه خواهان تأثیر گذاری بر فرهنگ و هویت ساختار شهری و محله ای هستیم می باید مساجد را توسعه داد و فرهنگ دینی اسلام مسجد مدار است و هر چیزی رنگ و بوی این فرهنگ دینی را داشته باشد قطعاً این محوریت را در خود نشان می دهد، به طور کل می توان اذعان داشت که مسجد محور اصلی جامعه فرهنگ و هویت اسلامی است. مسجد پایگاهی است فرهنگی که شهروند موحد و مسلمان در آنجا در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی، و در خصوص مسایل اجتماعی، اعتقادی، علمی، اقتصادی، سیاسی بشری و... آموزش می بینند، آن هم آموزش های اولیه و پایه ای که بر آن اساس پرورده شده، می بالد و مجال ورود به عرصه پرچینجال زندگی را پیدا می کند.

13-9) نتیجه گیری

از آنجا که شهر فضای درهم کنش نیروهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است و از آنجا که اسلام دینی است که در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی موثر میباشد بنابراین پیوند میان شهر و اسلام بدین ترتیب روشن می شود.

و همچنین از آنجا که محور اسلام عدالت است و نیز نماز ستون دین است بنابراین نقش مسجد بعنوان ستون شهر اسلامی نقش تعیین کننده ای در تحقق عدالت دارد. پیوند بین شهر اسلامی و مسجد به منظور رسیدن به تحقق اسلامی امری ضروریست.

منابع و مأخذ

1. طبرسی، فضل بن حسن (1375) *مجمع البیان*، مرکز آموزش مدیریت دولتی
2. رزاقی، ابوالقاسم (1385) *مسجد پایگاه توحید و فرهنگ اسلامی*، چاپ و انتشارات وزارت مسکن
3. لوبون، گوستاو، (1385) *تمدن اسلام و عرب*، انتشارات امیرکبیر
4. سباعی، محمد مکی (1378) *نقش مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی*، مرکز نشر فرهنگی
5. بصیر، سید حسین، (1378) *دین و بحران زیست محیطی*، ترجمه محسن مدیر شانچی، نشر دریا
6. تقی زاده، محمد (1378) *مبانی نظری مدیریت شهری در فرهنگ اسلامی*، نشر آگه
7. یگ، جان، (1385)، *نقش اجتماعی دین*، ترجمه بهزاد سالکی، نشر تهران
8. نقیب السادات، (1387)، *مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم*، نشر شیرازه
9. الیاده میرچا (1386)، *مقدس و نامقدس*، نشر ثالث،
10. بemat، نجم الدین، (1369) *شهر اسلامی*، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، تهران
11. سازمان میراث فرهنگی (1357) *تاریخ معماری و شهرسازی*، جلد چهارم، تهران
12. بهنام، عیسی (1347)، *مساجد ایران، از ابتدای دوران اسلامی، بررسی های تاریخی*
13. پروچازکا، امجد بوهمیل (1373)، *معماری مساجد ایران*، ترجمه حسین سلطان زاده، انتشارات امیرکبیر
14. پاپادوپولو، الکساندر (1368)، *معماری اسلامی*، ترجمه حشمت جزنی، مرکز نشر فرهنگی رجاء
15. تجویدی، اکبر (1345)، *سهم معماری ایرانی در پیدایش معماری اسلامی در قرون اولیه هجری*، انتشارات هنر و مردم
16. بی نا (1363)، *تاریخچه معماری مساجد در ایران*، دانشگاه انقلاب
17. آریان منش، جواد، *نقش مساجد در توسعه شئون اجتماعی*
18. تقوی نژاد دیلمی، محمدرضا (1363) *معماری، شهرسازی و شهرنشینی در گذر زمان*، نشر فرهنگسرا
19. خان، حسن الدین (1367)، *مساجد معاصر*، ترجمه فرزانه سجودی، فصلنامه هنر، ش 33
20. رسولی محلاتی، هاشم (1371)، *داستان بنای مسجد مدینه*، پاسدار اسلام، ش 24